

به ما معرفی کنید!: ((رجل سیاسی - مذهبی کیست؟))

آباز مردم کسی هست که برای ما کند!

دعوت‌گراسی و ریاست جمهوری

پیام‌های تبریک به حجت الاسلام سید محمد خاتمی

اولین اقدام، رفع گرسنگی و فقر است

زینب! مهمترین چهره پرداز عاشورا

مشارکت زنان در صحنه سیاسی

سوی خدا یعنی رویم

شریعتی در همه زمانها

بیستمین سالگشت دکتر علی شریعتی

آب از سید محمود طائفانی
انتظرم طائفانی
الراحمه تونس سیرت سلیمان
فدسه عمره
فائمه کوارانی
رهبر روغن
ناحمد سید - دکتر لوگس طائفانی
بدر آملوگ اعاد
مورچه اسباب



ی جوان :

- آزادی تو مذهب من است ، خوشبختی تو عشق من است ، آینده تو تنها آرزوی من است .



صدها بار من گفتم که مسئله شورا از اساسی ترین مسئله اسلامی است. حتی به پیغمبرش با آن عظمت می گوید با این مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسئولیت دارند، متکی به شخص رهبر نباشند، ولی نه اینکه نکردند، می دانم چرا نکردند...

من استبداد برایه هلاک، هر که استبداد کند در کارهای خودش هلاک شود. من شاوورالرجال شارکهم فی عقولهم، چرا نمی شود؟ نمی دانم! امام دستور می دهد، ما هم فریاد می کشیم، دولت هم تصویب می کند، ولی عملی نمی شود. گروهها و افراد دست اندرکار شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد، دیگه ما چکاره هستیم؟! شما هیچ!! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند، این مردمندها که کشته داده اند... خودرایی و خودخواهی را کنار بگذاریم، گروه خواهی، فرصت طلبی و تحمیل عقیده یا خدای نخواستہ استبداد زیر پرده دین را کنار بگذاریم و بیاییم با مردم، با دردمندها، با رنج کشیده ها، با مجروحها، همصدا بشویم. (آخرین خطبه نماز جمعه ۱۶ شهریور ۵۸ - بهشت زهرا)

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام هاجر

تابستان ۷۶ - شماره ۲۲۸

نشریه اقتصادی - اجتماعی
فرهنگی - سیاسی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
اعظم علانی طالقانی

یادداشت کوتاه

- ۲ ● رجل سیاسی - مذهبی کیست؟

بخش ویژه

- ۳ ● پیامهای تبریک به حجت الاسلام سید محمد خاتمی
۹ ● رئیس جمهور منتخب: هل من ناصر ینصرنی؟ / قدسیه میرمعز
۱۳ ● دموکراسی و ریاست جمهوری / ابراهیم خوش سیرت سلیمی
۱۷ ● اولین اقدام رفع گرسنگی و فقر است! / تنظیم از زهرا نصراللهی
۲۰ ● مشارکت زنان در صحنه سیاسی / زهرا روغنی

بخش سالگشت دکتر علی شریعتی

- ۲۴ ● زینب مهمترین چهره برداز عاشورا / فاطمه گوارانی
۲۷ ● بیست سال رنج و مشقت... / وحید پوراستاد
۲۸ ● پیرایه زدانی باورهای اسلامی / بدرالملوک امام
۳۰ ● شریعتی در همه زمانها / فاطمه گوارانی
۳۲ ● بیستمین سالگشت دکتر علی شریعتی / تنظیم از: مریم اصالت
۳۴ ● مراسم یادبود دکتر علی شریعتی

- ۳۵ ● بسوی خدا می رویم
۳۷ ● کوه صبر و دریای محبت / مهدی مقدس زاده
۴۰ ● چشم و گوش به درد دل مردم / فاطمه زنگنه
۴۰ ● بیایید با هم برویم / پرویندخت دقتری
۴۱ ● دبیرکل محترم سازمان ملل
۴۲ ● گزارشی از زلزله بیرجند
۴۳ ● کاهش نرخ باروری در جهان / مترجم: زهرا روغنی

● بخش انگلیسی

طراح روی جلد:

گروه گرافیک تین، پویک فرزانه پور

اجرای کامپیوتری:

موسسه اسلامی زنان ایران

چاپ:

گلنار ۸۸۰۹۱۶۴

نشانی مجله:

صندوق پستی ۱۵۵-۱۱۴۹۵

تلفن: ۷۵۲۷۰۲۲

-لطفاً مطالب ارسالی را بر روی یک کاغذ و حتماً با فاصله و خط خوانا بنویسید.
-مقالات ارسالی پس فرستاده نمی شود.
-پیام هاجر در ویرایش و خلاصه کردن مقالات آزاد است.
-مقالات افراد لزوماً دیدگاه مجله نیست.

به مناسبت سالگرد رحلت امام خمینی (قدس سره)

اراده خداوند متعال تعلق گرفت که این ملت مظلوم را از زیر بار ستم‌گریها و جنایات حکومت‌های طاغوتی و از زیر سلطه قدرتهای ستم‌پیشه خصوصاً دولت آمریکای جهان‌خوار نجات دهد و پرچم عدل اسلامی را بر فراز کشور عزیزمان باهتزاز درآورد و وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرتها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم بشرط اینکه روشنفکران دست از غرب و شرق و غرب‌زدگی و شرق‌زدگی بردارند و صراط مستقیم اسلام و ملیت را دنبال کنند.

جوآن عزیزم! که چشم امید من به شماست با یکدست قرآن را و با دست دیگر سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمائید و چنان با دوستانتان رحیم باشید که از ایثار هر چه دارید نسبت به آنان کوتاهی ننمائید. آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت کنندگان خدائی‌اند.

من بار دیگر پشتیبانی خود را از تمام نهضتها، جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای رهایی از چنگال قدرتهای چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌کنم. من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌دارم. من بار دیگر اشغال‌شبانان افغانستان را توسط اشغالگران و چپاولگران شرق متجاوز شدیداً محکوم می‌نمایم و امیدوارم هر چه زودتر مردم مسلمان و اصیل افغانستان به پیروزی و استقلال حقیقی برسند و از دست این باصطلاح طرفداران طبقه کارگر نجات پیدا کنند.

امسال سالی است که باید امنیت به ایران بازگردد و مردم شریف در کمال آسایش زندگی نمایند. بار دیگر پشتیبانی کامل خودم را از ارتش نجیب ایران اعلام می‌دارم ولی ارتش جمهوری اسلامی باید ضوابط و مقررات را کاملاً مراعات نماید. جناب آقای رئیس‌جمهور که به نمایندگی از طرف اینجانب به فرماندهی کل قوا منسوب شده‌اند موظف هستند که هر کس با هر درجه و مقامی که خواست در ارتش اخلاص کند و یا اعتصاب راه بیاندازد و یا کم‌کاری کند و یا نظم و مقررات ارتش را نادیده گیرد و یا از قوانین ارتش سرپیچی کند شدیداً مواخذه نماید و در صورت اثبات جرم بلافاصله از ارتش اخراج و تحت تعقیب قانونی قرار دهند.

دولت موظف است اسباب کار و تولید را برای دهقانان و کارگران و زحمتکش فراهم آورد ولی اینان نیز بدانند که اعتصاب و کم‌کاری نه تنها سبب تقویت ابرقدرتها می‌شود بلکه سبب می‌شود امید مستضعفان کشورهای اسلامی و غیراسلامی که بپا خواسته‌اند به یاس مبدل شود.

من نمی‌دانم دولت چرا طرحهای متوقف شده خود را که به سود ملت می‌باشد به کار نمی‌اندازد. باید دولت هر چه سریعتر طرحهای به سود ملت را که متوقف شده و آنها که جدید است به اجرا گذارد تا وضع اقتصادی کشورمان سر و سامان یابد.

در ادارات دولتی باید همه از دولت برگزیده تبعیت کنند در غیر اینصورت شدت عمل لازم است باید بیدرنگ هر کس در هر اداره‌ای که خواست اخلاص کند او را اخراج و به ملت معرفی نمایند. من تعجب می‌کنم که چرا اولیای امور از نیروی مردم غفلت می‌کنند. مردم خود حساب ضدانقلاب را می‌رسند و او را رسوا می‌کنند.

پیام‌های تبریک

به حجت‌الاسلام

سید محمد خاتمی



مجتمع نجم

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تجلی‌گاه حضور تمامی اندیشه‌هایی بود که در ایجاد فرهنگی انسان‌ساز و عدالت‌پیشه و در احیاء ارزش‌های اسلامی نقشی کوچک و بزرگ ایفا کرده بودند و این حضور مبنای پدید آمدن وفاق ملی و ساختن امتی قدرتمند گردید.

التهاب و اضطراب ناشی از این دگرگونی عظیم به همراهی کم‌تجربگی‌ها و خودبینی‌های همه طیف‌های موجود و کم‌طاقتی‌ها و شتاب‌زدگی‌های آنان لطمه سنگینی بر یکپارچگی حضور انانی شد که هر یک در به ثمر رساندن درخت انقلاب اسلامی سهم و نقش داشته‌اند و مجازات کفران نعمت الهی پیروزی بر طاغوت همان شد که در جوی مملو از کینه و نفرت هزاران نفر قربانی و ترور شخصیت شدند و فضای

لطیف منطق و استدلال و انصاف ناشی از انقلاب جای خود را به فضائی سرشار از بدبینی و تهمت و افترا داد که ممزوج شدن حق و باطل را در سرگردانی و تحیر فرو برد.

اینک که به برکت خون‌های پاک و مجاهدت‌های خالصانه‌ای که از سوی ایثارگران وطن در مراحل مختلف شکل‌گیری و شکوفائی انقلاب اسلامی برقراری جمهوری اسلامی و در سال‌های دفاع مقدس و پس از آن در راه حفظ ایران عزیز تقدیم گردیده است، جوهر اصیل و تابناک این انقلاب دوباره چهره نموده و در همایش پرشکوه هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مردم این سرزمین با آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی تجدید میثاق کرده‌اند، انتظار داریم که از تجربه‌های گذشته عبرت گرفته و این بار به جای کفران نعمت شکرانه عنایت پروردگار را به جای آوریم

و آزادی مصرح در قانون اساسی را به قیمت هیچ مصلحت‌اندیشی سیاسی فدا نکنیم و هیچگاه قانون فدای متغیرها نگردد.

در اینجا یادآوری این نکته برای همه گروه‌های سیاسی درون نظام ضروری است که اخلاص، بردباری، همدلی، تدبیر و پرهیز از مانور و ماجراجویی بیگانه‌پسند و مخالف‌پرور شرط اساسی برای سالم‌سازی محیط اجتماعی و ظهور بروز عقاید و اندیشه‌های متنوع و بالابردن تحمل و رشد و تعالی اجتماعی و نهایتاً عزت و سربلندی ایران و استحکام وحدت ملی است و در این جا مسئولین نظام و قوه مجریه و در راس آن ریاست جمهوری را وظیفه‌ای و گروه‌ها و گرایش‌های ذرون نظام را وظیفه دیگری است که امیدواریم هر یک با درک جایگاه خویش و مراعات حقوق اجتماعی طرف مقابل رضایت‌خواوند را حاصل و وظیفه خود را در قبال این ملت به انجام برسانند.

با توجه به آنچه از درون جوشید و صقحه سفید کاغذ را سیاه کرد یادآور می‌شویم که قانونمند شدن جامعه جز در حول چند محور تحقق نمی‌یابد.

محورهای مورد تاکید عبارتند از اینکه هم اکنون باید آماده سازی و بوجود آوردن بستر:

الف) آزادی‌های مصرح در قانون اساسی بوسیله ایجاد تشکلهای و فعال شدن احزاب.

ب) پویائی جو فرهنگ و هنر بدور از تعصبات و عدم تحمل‌ها.

ج) احیاء حقوق قانونی و خدادادی از دست رفته اقشار مختلف به خصوص زنان بعنوان انسان‌هایی که باید حقوق اجتماعی آنان مرعی گردد.

د) تشکیل کابینه‌ای بدور از هر گونه فشار با استقلال و با توجه به ضابطه‌ها و صلاحیت‌ها انتخاب شده باشند.

در پایان مجتمع نجم (نشریه پیام هاجر، جامعه زنان انقلاب اسلامی، موسسه اسلامی زنان ایران) آمادگی خود را جهت هر گونه کمک و همکاری برای تعالی سرزمین اسلامی ایران ریاست جمهوری منتخب اعلام می‌دارد.



رجل سیاسی - مذهبی کیست؟

شورای نگهبان در مورد تفسیر و شفاف نمودن اصول قانون اساسی از موقعیت قانونی سطح عالی برخوردار است، لیکن با اظهار تاسف باید گفت که این انتظار از شورای نگهبان در مورد اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی بجا نبوده زیرا دبیر محترم شورای نگهبان در هنگام انتخابات ضمن مصاحبه‌ای در مورد صلاحیت کاندیداهای زن اعلام داشت:

در این دوره ۹ نفر از خانمها ثبت نام کرده بودند که یکی از آنها منصرف شد. به هر حال این دسته از رجال مذهبی و سیاسی نبودند و نیازی به بررسی شرایط بعدی نبود. (کیهان ۱۶/۲/۲۰)

که این تفسیر هم مانند خود اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی روشن و شفاف نیست و می‌تواند پاسخ دو پهلویی را به درخواست کنندگان از هر گروهی که باشند، ارائه دهد. بدین معنی که اگر گروهی که هنوز مانند غربیان زنان جامعه را بدیده کالا بنگرند، طلب تفسیر کنند، آنان را راضی کند و بالعکس. بهر حال چون شورای نگهبان در این مورد موضع صریح و روشنی ارائه نداده است، ما در اینجا از مقام معظم رهبری و رئیس جمهور منتخب و مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم که به دو سؤال زیر پاسخ دهند که:

اولاً، چه مقامی باید تعریف جامعی از رجل سیاسی مذهبی ارائه دهد؟

ثانیاً، تعریف رجل سیاسی - مذهبی در فرهنگ سیاسی - مذهبی ما چیست؟

بنظر می‌رسد یک شخصیت سیاسی - مذهبی که قانون اساسی در مرحله اول به آن شرط بهای خاصی داده است در واقع شهرت فرد به سیاسی - مذهبی بودن در اجتماع است و این امکان ندارد مگر آنکه شخصیتی در پروسه عمل در طی دوران حیاتش این دو اصل (سیاسی - مذهبی بودن) را در جامعه بدون آنکه قصد و غرض خاصی را جهت آوردن قدرت کاذب دنبال کند، ثابت کرده باشد.

اگر مسئولین کشور اسلامی ما خود را متعهد بدانند قطعاً بهر شکلی که در توان آنان باشد به این دو سؤال که در واقع نشریه نماینده قانون طیف وسیعی از جامعه تلقی می‌گردد پاسخ خواهند داد.



القاء شده از طرف مسئولین را بنویسند.

تشکیل احزاب سیاسی باید آزاد باشد - البته در چهارچوب موازین اسلامی - تا مردم از همه طبقات با عضویت در آنها بتوانند افکار و نظریات خودشان را تبیین کنند و در اثر تضارب و برخورد افکار مختلف هم خودشان آگاهی و رشد سیاسی پیدا کنند و هم دولت را در مواقع حساس یاری دهند، و هم نسبت به رجال سیاسی و باارزش شناخت کامل پیدا کنند تا در مواقع انتخاب نمایندگان یا رئیس جمهور آمادگی کامل داشته باشند و چنین نباشد که هنگام انتخابات گرفتار گروههای خلق الساعه و تبلیغات مبتذل آنان گردند، و بالاخره شرکت مردم در انتخابات آزاد توقف به شناخت قبلی و آمادگی کامل دارد، و راه آن تشکیل احزاب سیاسی آزاد است.

۱۰- در خاتمه امیدوارم جنابعالی که شخصیتی متدین و متعهد و کاردان می‌باشید در پرتو توکل به خدای متعال و اقتداء به پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین (ع) و دعای حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در اجرای احکام اسلام و قانون اساسی و قوانین مصوبه، و در سازندگی کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی موفق باشید و بتوانید با انتخاب اقراد خوب و حذف تشریفات غیرضروری و ادغام یا حذف ارگانهای تکراری، و اختیار

روشهای ساده زیستی، موقعیت کشور و انقلاب را در برابر دشمنان حفظ نمائید و سعی کنید در هر حال جنبه مردمی بودن خود را از دست ندهید.

در نهج البلاغه می‌خوانیم: **الولايات مضامير الرجال** (حکمت ۲۴۱) و باز می‌خوانیم: **آن الله فرض علی ائمه العدل ان یقدروا انفسهم بضعته الناس کیلا یتبیغ بالفقیه فقره**. (خطبه ۲۰۹) **والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته**.

۱۹ محرم الحرام ۱۴۱۸

۱۳۷۶/۳/۵، قم

حسینعلی منتظری

حجت‌الاسلام

هاشمی رفسنجانی

سرورس سیاسی: آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور دیروز در پیامی انتخاب آقای سید محمد خاتمی را بعنوان رئیس جمهور آتی کشور تبریک گفت. متن پیام به این شرح است:

برادر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید محمد خاتمی، شرکت گسترده مردم شریف و مسلمان ایران در انتخابات با شکوه هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی، برگ زرین دیگری بر صفحات تاریخ پر افتخار کشورمان افزود.

اینجانب این حماسه حضور ملی را به ملت شریف و آگاه و مقام معظم رهبری تبریک

عرض می‌کنم. این موقعیت افتخار آمیز جنابعالی در کسب اعتماد اکثریت قاطع توده مردم آزاده و هوشیار و مسلمان و انقلابی مبارک و گوارایتان باد.

یقیناً این اظهار حمایت و اعتماد مردمی و حمایت‌های رهبر بزرگوار انقلاب و توسعه خوب زیربنایی و پیشرفت‌های مطلوب سیاسی، علمی، فنی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور سرمایه بزرگی برای توفیقات بیشتر شما خواهد بود. امیدوارم با اتکا به عنایات خداوند متعال و استفاده از این دستمایه‌های ارزشمند و با همت و پشتکار در راه اعتلای ایران بزرگ و تحقق اهداف مقدس انقلاب و ارزوهای امام راحل و شهیدای گرانقدر و تکمیل تمدن عظیم اسلامی توفیقات شایسته‌ای به دست آورید.

بی شک در شرایطی که انقلاب عزیز ما مورد تعرض دشمنان کینه‌توز استکباری قرار گرفته است، وحدت و انجسام ملی و همکاری و همدلی ارگان‌ها و مسئولان، همراهی علمای اعلام و بزرگان کشور برای انجام وظایف و مسئولیت خطیر شرط لازم برای توفیق در این راه است.

اینجانب برای تحقق این امیدها و آرزوها تلاش و دعا خواهم کرد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور اسلامی ایران



آقای ناطق نوری

حجت‌الاسلام والمسلمین ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی پیروزی حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی را تبریک گفت. در بخشی از پیام آمده است: حضور گسترده و میلیونی مردم در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری که در پاسخ به دعوت مقام معظم رهبری مدظله العالی و روحانیت معزز در جهت اجرای قانون اساسی و تضمین تداوم حق رای برای ملت عزیز ایران صورت پذیرفت صحنه دیگری بود از پیوند مستحکم مردم بزرگوار ایران با نظام مقدس جمهوری اسلامی و بیعت مجددی بود با رهبری انقلاب. قطعاً این حضور گسترده ملی، پشتوانه عظیمی خواهد بود جهت مقابله با تهدیدات و مقاومت در برابر دشمنان خارجی و سرمایه ارزشمندی است برای خدمتگزاری به ملت غیور و سرافراز ایران.

انتخاب جنابعالی را از سوی مردم به ریاست جمهوری به مقام معظم رهبری، مردم شریف ایران و شخص شما تبریک می‌گویم.

امیدوارم در این دوره ریاست جمهوری شاهد تحکیم هر چه بیشتر مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی، پایبندی به اصول و ارزش‌هایی که امام عظیم‌الشان و راحل قدس سره

من و شما در منطق خوانده‌ایم که: "الجزئی لا یکون کاسباً و لامکتسباً".

۴- قربانی کردن حقیقتها و واقعیتها و حقوق اشخاص و ملت در پای مصلحت‌های خیالی و زودگذر که اکنون به شکل یک سنت و فرهنگ غلط درآمده علاوه بر مسئولیت الهی به ضرر استقرار نظام اسلامی است. راه انداختن یک عده افراد ناآگاه و بی‌اطلاع از حقایق را با نامهای فریبنده و حمله به شخصیتها و یا ارگانهای مخلص و وفادار به اسلام و انقلاب صدرصد ثبات سیاسی کشور و قانونمند بودن آن را مخدوش می‌کند، باید به هر نحو شده جلوی این قبیل بی‌نظمی‌ها را گرفت. در وصیت مولی امیرالمومنین (ع) خطاب به امام حسن و امام حسین (ع) آمده است: "أوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم" (نهج البلاغه نامه ۴۷)

۵- جنابعالی اگر بخواهید در این مسئولیتی که پذیرفته‌اید موفق باشید و افکار عمومی را همراه داشته باشید راهی جز به کارگیری نیروهای مخلص، متعهد، مستقل، کاردان و دل‌سوز که در گذشته و حال عملاً به آرمانهای انقلاب پایبند بوده‌اند ندارید، چنین نباشد که تحت فشارها و جو سازبهای معمول، افراد متملق و طالب مقام که متاسفانه زمینه رشد آنها در شرایط فعلی کاملاً مساعد است

بر شما تحمیل گردد و فقط شخص رئیس جمهور عوض شده باشد که در این صورت جنابعالی اعتبار کنونی خود را از دست خواهید داد و در رای دهندگان به جنابعالی یعنی اکثریت قاطع کشور یاس کلی و بدبینی حکم‌فرما خواهد شد.

۶- جنابعالی از عوارض و عواقب خطرناک تنگ‌نظریها و انحصارطلبی بخوبی مطلعید و خودتان نیز طعم تلخ آن را چشیده‌اید. هر چند جناح خاصی بیشتر به شما علاقه دارند و برای انتخاب شما فعالیت کرده‌اند ولی در تفویض مسئولیتها و بکارگیری نیروها فراجناحی فکر کنید و ملاک انتخاب را صلاحیت، تجربه، تعهد، تخصص، لیاقت و قانونمندی اشخاص قرار دهید، و با سنت سینه‌طرد نیروهای خوب و ترور شخصیتهای باارزش مبارزه کنید. نیروهای عاقله و مغزهای متفکر و متعهد کشور سرمایه‌های معنوی کشورند که باید برای اداره کشور و سازندگی آن در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از آنان استفاده نموده و طرد نیروهای خوب و منزوی کردن آنان ظلم است هم به خود آنها و هم به ملت. و ضمناً به علاقمندان خود نیز سفارش کنید که مبدا در فکر مقابله به مثل و انتقام‌جویی برآیند. گذشت و تحمل افکار و سلیقه‌های مختلف و شرح صدر نشانه بزرگ منشی انسان است و در کلمات

قصار نهج البلاغه (حکمت ۱۷۶) می‌خوانیم: "آله الریاسه سعه الصدر" و باز می‌خوانیم: "لا یقیم امرالله سبحانه الا من لایصانع و لایضارع و لایتبع المطامع" (حکمت ۱۱۰) فرمان خدا را اجرا نمی‌کند مگر کسی که اهل سازش، بی‌اطلاع و مقلد دیگران و پیرو مطامع نباشد.

۷- مساله تورم و هماهنگ نبودن دخل و خرج ملت و تبعیض عمیق طبقاتی و وضع نابسامان بهداشت و درمان از مشکلات فعلی کشور است، هر چند لازم است بیشترین بودجه کشور به مصرف سازندگی اساسی و زیربنایی برسد ولی کمبود ضروریات زندگی فعلی مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد، آدم گرسنه و مریض را نمی‌شود با وعده و وعید سرگرم کرد، بیمارستانهای عمومی باید به اقسام و وسائل مورد نیاز مجهز باشند و همه طبقات محروم بتوانند از آنها استفاده کنند، باید از مخارج غیرضروری و تشریفات کاست و نیازهای ضروری جامعه را مورد توجه قرار داد.

۸- کشاورزی - علاوه بر اینکه مجرای ارتزاق میلیونها جمعیت کشور می‌باشد، زیربنای استقلال اقتصادی و بی‌نیازی کشور است، پس باید به نحوی برنامه‌ریزی شود که کشاورزان محترم دلگرم باشند و ماندن در روستاها برای آنان مقرون به صرفه باشد، ما می‌بینیم جوانان آنان فوج فوج سرازیر شهرها می‌شوند و

روستاها خالی می‌شود. وقتی که از مزایای بهداشت و درمان و آموزش و یارانه‌ها محروم باشند و حتی برای حفر یک چاه ناچار باشند مالیات زیادی بدهند و کود و سموم را به قیمت‌های زیاد تهیه کنند قهراً روستاها را رها می‌کنند و دولت ناچار می‌شود گوشت و مواد غذایی را با دلارهای نفتی برای آنان تهیه کند.

۹- از اموری که همه ملت انتظار دارند مورد توجه واقع شود تامین حقوق ملت و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی است. شعارهای اول انقلاب چنین بود: "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" البته آزادی در چهارچوب رعایت موازین اسلامی و حقوق یکدیگر، از نظر شرع و قانون اساسی تفتیش عقائد ممنوع است، استراق سمع، شنودگذاری و هر گونه تجسس ممنوع است. حیثیت و جان و

مال اشخاص محترم است و هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون و ابلاغ کتبی موارد اتهام.

نشریات و مطبوعات باید در بیان مطالب آزاد باشند مگر در امور ضددین یا ضدعفت عمومی، در جهان امروز روزنامه‌ها زبان گویای مردمند و طبقات مختلف می‌توانند به وسیله آنها پیام خود را به مسئولین برسانند و چنین نیست که فقط سخنگوی دولت باشند و موظف باشند فقط اخبار تکرارای

هفته بعد از عاشورای حسینی دوم خرداد انتخابات سرنوشت‌ساز ریاست جمهوری با نشاط و شکوه فراوان و استقبال غیرمنتظره و بی‌نظیر مردم برگزار شد. همانگونه که همگان شاهد بودند علاوه بر نشاط و هیجان در داخل کشور، در تمام جهان رسانه‌های خبری گزارش از هیجان و استقبال بی‌نظیر مردم را با شیوه‌ها و اخبار و گزارش‌های خاص خودشان مطرح کردند. در جریان انتخابات و رقابت کاندیداها با یکدیگر و حمایت‌های طرفداران و نوع برخورد هر گروه از طرفداران کاندیداها و مدت و زمانی که هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری از زمان اعلام آمادگی تا انتخاب اصلاح، نوع و روش تبلیغات و برخوردها و در نهایت انتخاب تقریباً غیرمنتظره آقای خاتمی از نظر عدل‌های، تداعی "لآیات لالوالالباب" را می‌کند. از حدود سه ماه قبل از انتخابات و با ورود آقای خاتمی بعد از فروردین به جمع کاندیداهای قطعی تمامی این مراحل، شرایط قابل تعمق و دقتی را بوجود آورد که لازم دیدیم برای خودمان یعنی همه "ملت ایران" چه آنانکه به آقای خاتمی رای دادند و چه آنها که به دیگر کاندیداها رای انتخاب دادند ولی از این ملت هستند و دلسوز سرنوشت این کشور و ملت، همراه با اعتقاداتش و اندیشه‌هایش در جهان کنونی، تا با شکوفا شدن اندیشه‌ها و استعدادها در سایه اعتقاد اصیل و هدف نهائی این مردم که گسترش اسلام در الگوهای درست یک مسلمان، آنگونه که حضرت رسول (ص) برای جهان از طریق وحی آورد و الگوهای عملی همچون حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) و یازده فرزندش را عملاً به دنیا ارائه کرد. ما نیز موظف هستیم که راه آن بزرگواران را طی کنیم تا شایسته این ارائه الگو و پرچمداری اسلام در جهان باشیم، و شاید بی‌حکمت نباشد که این دوره از

رئیس جمهور منتخب:

"هل من ناصر ینصرنی؟"

(از مردم کسی هست که مرا یاری کند؟!)

بیکدیگر قفل شده و تنها همه یکی شده با همت و فداکاری بیاری یکی از فرزندان حسین (ع) بشتابید تا در این عرصه ناآرام و دین‌باخته دنیا، شاید به جرات بتوان گفت که هنوز همه جهان چشم به این ملت دارد تا ببیند از دستاوردی که هیجده سال با تمام مشکلات و مصائبی که دنیا خصوصاً آمریکا در لباسهای مختلف برایش بوجود آورد و تلاش بی‌امان برای به زانو درآوردنش انجام داد و در نهایت ناکام مانده، چگونه این نعمت جدید را پاسداری می‌کنید آیا این پیروزی را با هوشیاری کسب کردید؟ که اگر با هوشیاری بدست آوردید حتماً همه ۲۰ میلیون در نگهداریش تلاش می‌کنید در غیر این صورت... هیهات.

بعد از پیروزی آقای خاتمی همه بزرگان از رهبر تا رئیس مجلس و نمایندگان و سایر اقشار قول اجرای صحیح و درست قانون اساسی که دستاورد خون اینهمه شهید و جوانهای پاک باخته و با اخلاص ملت است را داده‌اند آیا انجام خواهد شد؟ قطعاً همانطور که رهبر انقلاب فرمودند باید مردم نظارت کامل داشته باشند و از خدمتگزارانشان به جد بخواهند که از قانون تخلف نکنند و اگر کسی تخلف داشت با صمیمیت و صراحت تذکر دهند و جلوی بی‌قانونی‌ها را بگیرند تا کارها بر اثر اجرای درست قانون سامان یابد و ملتی

انتخابات ریاست جمهوری که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود همزمان با نهضت حسینی (ع) شد تا بما ملت ندای "هل من ناصر حضرت ابا عبدالم..." را از دهان فرزندش آقای خاتمی برساند و بما بگوید اکنون روز واقعه است و شما که به حسین ناعه نوشتید (رای انتخابات) و شما که در توجه قبل از حسین (ع) به پدرش وعده حمایت داده بودید آیا بیدار شده‌اید که به عهد وفا کنید یا شما نیز مانند اهل کوفه به علی و حسین جفا خواهید کرد، مباد چنین روزی و چنان حالی که اگر خواهان سربلندی و عزت ایران اسلامی هستید باید تجربیات تاریخ را در برابر دیدگان به روشنی و وضوح مرور کنید و با دقت و وسواس یزیدیان زمان را در نظر آورید و از تاریخ عبرت بگیرید. مبایدا طرفداری از کسی ما را به بیراهه فردپرستی و دگماتیست انداخته و ندانسته بدامن شرک پنهان و طردها و حذفهای فکری و جسمی و غیره انداخته و مانند گذشته دچار بلا شویم، بخاطر بیاوریم که اول انقلاب حضرت امام خمینی دستور بسیج بیست میلیونی را صادر کردند و اکنون شما ملت بزرگ و فهیم با بیش از بیست میلیون رای آرزوی آن ابرمرد را تحقق بخشیدید، هشدار که تازه شروع کار است و آغاز بیداری و حرکت که باید دستها

پایه گذاری فرمودند و توسعه و رشد همه جانبه کشور با اجرای قوانین و برنامه های مصوب باشیم.

هدف همه ما خدمت به اسلام و مردم عزیز ایران است و نباید افتخار خدمتگزاری را با هیچ چیز دیگری مبادله کنیم. در این راه اینجانب تمام مساعی خود را جهت همدراهی و همکاری با جنابعالی به کار خواهم گرفت.



نهضت آزادی ایران

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی، رئیس منتخب ملت با سلام و آرزوی توفیق جلب رضای حق و خدمت به خلق، از طرف خود و نهضت آزادی ایران انتخاب جنابعالی را به سمت

ریاست جمهوری تبریک می گویم. مشارکت گسترده مردم در انتخابات اخیر و آرای سنگینی که به جنابعالی داده شد در واقع به معنای دادن رای منفی به انحصار طلبی، تمامیت خواهی، قشرگرایی و یک سونگری از یک طرف و حمایت قاطع از تساهل و تکثر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، وفاق و آشتی ملی و استقرار نظم و قانون و امنیت، از طرف دیگر می باشد.

بخش عظیمی از ملت با رای مثبت خود به امید تحقق این اهداف که وعده اش را داده اید به جنابعالی ابراز اعتماد کرده است. شما اینک عمیقاً وام دار این مردم شده اید و در پیشگاه خداوند، تاریخ و ملت متعهد می باشید.

از خداوند متعال موفقیت جنابعالی را در ایفای این مسئولیت خطیر تاریخی و سرنوشت ساز مسألت می کنیم. دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران



فرم اشتراک پیام هاجر

نام و نام خانوادگی: شغل سن تحصیلات

تاریخ شروع اشتراک از شماره

نشانی

کد پستی تلفن صندوق پستی

خوانندگان محترم در صورت تمایل به اشتراک مجله می توانند ضمن واریز حق اشتراک به مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به حساب جاری ۷۴۷۷ بانک ملی ایران، شعبه خیابان انقلاب، جنب بهار، کد ۹۲، اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک تکمیل شده به آدرس - صندوق پستی ۱۵۵-۱۱۴۹۵ ارسال دارند.

نسل جوان و زنان در انتخابات اخیر با تقدیر از این گروه گفت: زنان شایسته ما نیز باید نقش خویش را بهتر بشناسند و امروز فعالانه‌تر در عرصه سازندگی شرکت کنند.

با توجه به قسمتی از سخنان حجت‌الاسلام آقای خاتمی رئیس‌جمهور منتخب و صحبت‌های قبل از انتخابات ایشان در مورد:

۱- زنان: دولت وظیفه دارد زمینه‌ای مناسب برای رشد زنان و مردان مومن، آزاده، اندیشمند، مقاوم و مسئول و در عین حال برخوردار از یک زندگی آسوده فراهم کند. (زمینه رشد از هر جهت)

۲- زنان باید خود را باور کنند و از طرفی، جامعه و نظام نیز باید آنها را باور کنند و در مناصب و مسئولیت‌های بزرگتر و خطیرتر با حفظ موازین اسلامی و یا اطمینان خاطر آنان را بپذیرند. باور کردن خود یعنی شناختن و پیدا کردن هویت انسانی و اسلامی خود، ما تصور می‌کنیم که زنان ما در جریان مبارزات قبل از انقلاب و پیروزی و هم چنین در جریان خنگ تحمیلی و در تمام عرصه‌های دوران هیجده ساله بعد از پیروزی انقلاب و جریان انتخابات شکوهمند اخیر نشان دادند که خود را باور کرده‌اند و هویت انسانی و اسلامی خود را شناخته‌اند. آنها در تمام مراحل زندگی اجتماعی اعم از علمی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین در محدوده خانواده با حفظ موازین انسانی - اسلامی به خوبی درخشانند و انتظار می‌رود که در آینده نیز آنچه در تعهد و مسئولیت آنها در جهت کمک و یاری رساندن به ندای "هل من ناصر ینصرنی" رئیس‌جمهور منتخب که زنان سهم چشمگیر و تعیین کننده‌ای در پیروزی ایشان داشتند مسلماً دریغ نکنند و به همان ترتیب یکپارچه و پشت به هم با توکل به خدای

بزرگ بدون جناح‌بندی و دسته و گروهی با هوشیاری و حقیقتاً فراجناحی و تنها به عنوان زن مسلمان دلسوز برای ایران اسلامی آماده هر گونه کمک و حمایت در جهت آزادی، استقلال و آبادی و عزت ایران اسلامی هستند و انتظار دارند که همان گونه که زنان خود به هویت خویش پی برده و در عرصه‌های مختلف و شرایط گوناگون اثبات شایستگی کرده‌اند جامعه و نظام نیز آنها را باور کنند و همان طور که رئیس‌جمهور منتخب بارها در صحبت‌هایشان تأکید کرده‌اند که یکی از رئوس برنامه‌های ایشان مسئله زنان است، امیدواریم با جدیت در حوزه عمل با بکارگیری نیروهای کارآمد و مستعد و متخصص از زنان به نحو احسن در مسئولیت‌های مختلف بهره‌گیری شود.

هیچ گروه و دسته‌ای حق ندارد سلیقه‌های خود را ولو با حسن‌نیت در خارج از قانون تحمیل کند.

ولی در نهایت زنان باید همچنانکه رئیس‌جمهور منتخب در سخنان‌شان گفتند: در چارچوب موازین قانونی احقاق حق نمایند و تصور نکنند که با یک رای در صندوق انتخابات انداختن مسئولیت آنها تمام شده و باید تلاش در جهت ایجاد یک جامعه سالم که همه انسانها مطمئن باشند که حقوق آنها برآورده می‌شود و استعدادهایشان رشد پیدا می‌کند و به آنچه مورد نیازشان است و شایستگی آن را دارند دست پیدا می‌کنند، ایجاد فضای امن در چهارچوب قانون شرط

بیشرفت جامعه و حتی بقای آن است و زنان بزرگوار ما حتماً باید از این نعمت که حق آنان است برخوردار شوند. این آرمان رئیس‌جمهور منتخب است و زنان باید با کمک به او در ایجاد یک جامعه سالم ایشان را یاری دهند.

۲- مسئله جوانان که یکی از رئوس موکد برنامه آقای خاتمی بوده و ما امیدواریم که با جهت دادن و برنامه‌ریزی صحیح و دراز مدت جهت ارتقاء سطح فرهنگ فکری و علمی و با ایجاد علاقه و اعتماد نسبت به وعده‌ها، جوانان را از اینهمه سرگردانی و معضلاتی که با آنها درگیر هستند به مسیر فرهنگی سلامت و پویا و جهت دار هدایت کنند و البته خود نسل جوان ما که با اینهمه شور و شوق در انتخابات شرکت کردند و نشاط و هیجان آفریدند و شاید برگزاری خوب و موفق آن نیز در بعضی شرایط مدیون هوشیاری و برخلاف حالت هیجانی که در این سن دارند غلبه بر هیجانات و احساسات جوانی و عاقلانه عمل کردن آنها بوده است، باید در نهایت هوشیاری همچنان با غلبه بر احساسات شرایط سنی‌شان بدانند که تنها رای دادن و تبلیغ کردن کافی نیست، آنها سرمایه‌های آینده ایران اسلامی هستند و اگر باید ایرانی آباد و آزاد و مستقل ساخته شود، سازنده آن جوانان پرنشاط و نیروی کنونی هستند که باید در جهت خلاقیت و کسب تخصص‌های بالا کوشا باشند و خودشان با مبارزه با فرهنگ‌های مبتذل در جهت اصلاح فرهنگ جامعه و مبارزه با تهاجم بیگانه برای نابودی توان فکری و فرهنگی‌شان تلاش کنند، آقای خاتمی در صحبت‌هایشان مطرح کردند که جوانان نه تنها مشکل نیستند بلکه منبع پایان‌ناپذیر استعداد و فرصت‌های دستیابی به توفیق و عظمت هستند. شما جوانان باید از این منبع پایان‌ناپذیر استعدادهای خود به بهترین نحو بهره‌گیری کنید و در جهت رشد و شکوفائی خود تلاش

که ادعای عمل صحیح به احکام اسلام را دارد و می‌خواهد الگوی جهان اسلام باشد با قانونمند شدن و ارزش نهادن به انسانیت و هویت انسانها شایستگی خود را به جهان به اثبات رساند.

در این جهت احساس وظیفه کردیم با ملت شریف و بزرگ ایران و رئیس‌جمهور منتخب که اکنون رئیس‌جمهور همه ملت ایران است سخنانی داشته باشیم و یادآوریهائی برحسب وظیفه که اگر خودمان متذکر خویش باشیم و سعی در اصلاح اشتباهات و مروری به گذشته داشته باشیم، از خطاها عبرت می‌گیریم و نقاط قوت را تقویت می‌کنیم تا به لطف حق در جهت استقلال و سازندگی همگام با هم، رئیس‌جمهور منتخب را یاری دهیم، که به گفته خود ایشان هیچ برنامه‌ای جز در سایه مشارکت مردم به انجام نمی‌رسد.

شایسته است مروری داشته باشیم به سخنرانی حجت‌الاسلام آقای سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور منتخب در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی و مراسم ۱۵ خرداد که در محل مرقد امام راحل مطرح شد و تا حدودی برنامه عملی و خط مشی ایشان را بعد از انتخاب و انجام چگونگی برنامه‌های ارائه شده ایشان در جریان مبارزات انتخابی بیان داشته بپردازیم.

حجت‌الاسلام آقای خاتمی گفت: امروز رئیس‌جمهور منتخب مردم آماده انجام مسئولیت خویش است، انتخابات به پایان رسیده و رئیس‌جمهور منتخب، رئیس‌جمهور ملت است نه اکثریت کسانی که به او رای داده‌اند و برای انجام مسئولیت سنگینی که در پیش دارد نیازمند همکاری همه جانبه مردم است. وی تاکید کرد: رئیس‌جمهور منتخب دست نیاز خویش را به سوی دانشگاهیان و روحانیون و به سوی همه نامزدهای

نظارت منحصر به مجلس که توسط مردم انتخاب شده نیست، بلکه مردم با ایجاد تشکلهای قانونی، صنف‌های قانونی که ثبت شوند و طبق قانون عمل نمایند، می‌توانند بر امور دولت نظارت داشته و از حقوق خویش دفاع کنند.

عزیزی که با حضور خود عرصه انتخابات را پرشورتر کردند و به همه کسانی که به سایر نامزدها رای دادند دراز کرده است که امروز کشور جز با همدلی، همکاری و هدایت متفکران دینی و دانشگاهی به سامان نخواهد رسید، میوه این درخت، استقلال، عزت و سربلندی است که باید با مراقبت بیشتر بار و میوه بیشتری دهد. وی با تاکید بر مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف گفت: آنچه که در این عرصه مهم است و آنچه که سبب سربلندی ملت شد مشارکت مردم است که هیچ برنامه‌ای جز در سایه مشارکت مردم به انجام نخواهد رسید. حجت‌الاسلام خاتمی با مهم شمردن نظارت قانونی و درست مردم بر کارهای دولت اظهار داشت: نظارت منحصر به مجلس که توسط مردم انتخاب شده نیست بلکه مردم با ایجاد تشکلهای قانونی، صنف‌های قانونی که ثبت شوند و طبق قانون عمل نمایند، می‌توانند بر امور دولت نظارت داشته و از حقوق خویش دفاع کنند. وی با توجه به اهمیت مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی در این نظارت گفت: مردم می‌توانند از طریق وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات انتقاد کنند و نقد

صحیح و صادقانه در حوزه‌های مختلف سبب می‌شود که دولت به ضعفها و قوت‌های خود پی ببرد و درصدد رفع ضعفها برآید. باز شدن فضای نقد سالم در قالب موازین قانونی و برخورداری از مطبوعات قوی، خوب و نیرومند باعث می‌شود که دولت و جامعه حمایت شوند و دولت پویاتر و کوشاتر تلاش کند، وی تاکید کرد: نظارت مردم باید بر پایه نظم و در چارچوب قانون وجود داشته باشد و باید همه قانون را تحمل کنیم و هیچ گروه و دسته‌ای حق ندارد سلیقه‌های خود را ولو با حسن نیت در خارج از قانون تحمیل کند. ایشان در ادامه سخنانش سازندگی را یک اصل شمرد و افزود که سازندگی یک اصل است و علم می‌خواهد و به دو شرط ارزشی نیاز دارد یک سازندگی توأم با استقلال که پیشرفت اقتصادی موجب از دست دادن دین و اسلام نشود و شرط دوم عدالت است که ما نیاز به توسعه همراه با عدالت داریم که جامعه را دچار طبقات نسازد که سازندگی همه جانبه فقط باحفظ این دو ارزش انجام‌پذیر است، وی تاکید کرد ما خواستار صلح و آرامش در سراسر جهان هستیم و برای ما امنیت مهم است، ما صلحی توأم با همکاری و دوستی می‌خواهیم و دست خود را به سوی همه آزادیخواهان و همه کشورهای منطقه دراز می‌کنیم، وی با تاکید بر حضور گسترده

پس از جنگ جهانی اول و دوم و همزمان با طرح تقسیمات کشوری و مشخص شدن مرزهای بین‌المللی هر ملت و مملکتی سیستم حکومت جمهوری در دنیا پایه‌گذاری گردید. این مهم در حالی بوقوع پیوست که حکومت‌های ادوار گذشته جهان در واقع با روش نظام‌های الیگارشی، امپراطوری، تزاری، عثمانی، سلطنتی و... بر پایه استبداد مطلقه فردی بر ملل جهان حکمفرما می‌شد. نظر به اینکه در این شیوه حکومت‌مداری، انحصار طلبی غالب بود، بدین لحاظ توده‌های مردمی بهیچوجه در امورات مملکتی نقشی نداشته و قدرتمندان جامعه آنان را از صحنه‌های سیاسی و از دخالت سرنوشت خود و جامعه محروم می‌ساختند. در امتداد این حرکت زورمدارانه جهانی بود که حکومتها در یک زمان با دوگونه واکنش مواجه می‌گشتند:

اصطکاک جداگانه‌ای میان عالمان علوم تجربی و مسیحیت سکولاریسم در غرب، یعنی برخورد پروتستانیست‌های روشنفکر با کاتولیکها و ارتدوکس‌های متحجر روی داد، بگونه‌ای که هم شرایط حکومت‌مداری غرب پذیرای افکار دگم خود جامعه و روشنفکران آزاداندیش نیز تحمل گروه‌های فشار اعم از مذهبی‌ها و یا حکومت‌مداران را نداشته است.

بدین منظور در تقابل با جریان‌های تاریخی و تنش‌های موجود، جهان استعمار غرب در تداوم منافع و توسعه‌طلبی خود اقدام به سیاست نوینی نمود و آن طرح نظام دموکراسی می‌باشد. اساس و انگیزه طراحی این سیاست نوین در دایره حکومت‌مداری عبارت بود از: باز شدن فضای سیاسی، آزادی بیان و قلم، تساوی حقوق بشر، مشارکت عمومی مردم و اهمیت قائل شدن به آراء

دموکراسی

و

ریاست جمهوری

ابراهیم خوش سیرت سلیمی

واکنش نخست: رویارویی متقابل و مواضع سیاسی‌شان نسبت به همدیگر از نقطه نظر توسعه طلبی سلطه‌جویانه بود.
واکنش دوم: از جانب توده‌ها و ملل زیر سلطه، که احساس می‌شد نسبت به آنان ظلم و تعدی روا داشته می‌شود.
خاطر نشان می‌سازد، در این مقطع تاریخ، پس از رنسانس و تحول صنعتی، سیستم اداری از نظر مدیریت، تقسیم کار، تولید، توزیع، اسکناس، بانک، واردات، صادرات، ارتباطات و روابط بین‌المللی و بطور کلی حاکمیت نظام بوروکراسی در تمامی عرصه‌های اجتماعی به عنوان دست‌آوردی نوین، جایگاه ویژه‌ای یافت. در این گذار تاریخی

نظرات توده‌های عام و خاص در امورات حکومتی توسط خود یا نمایندگان منتخبشان در ارکان قدرت حضور مردان و زنان در صحنه‌های اجتماعات و انتخابات و مسائلی از این قبیل که تمامی پارامترهای موجود تبیین‌گر معانی دموکراسی می‌باشند و در واقع تلقی درست از مفهوم دموکراسی و فراهم نمودن بستر دموکراتیک در یک جامعه است که پایه‌گذاران این تر نوین سیاسی خود نیز پایبند به اصول دموکراسی مدون بوده و به این ترتیب چنین بستری را هم برای سایر ممالک دنیا فراهم آوردند. در حالی که روند اقتدار بگونه‌ای شکل گرفته است که در عمل نتواند بر

کنید و همیشه هوشیارانه در صحنه باشید و حافظ رای خود که به قانونمند شدن و حمایت از قانون و نظم ناشی از قانون داده‌اید، باشید، زیرا که برداشتن یک قدم در مسیر استقرار نظم و قانون به اندازه همان یک قدم احساس امنیت و امید به آینده را تقویت می‌کند و تقویت احساس امنیت و امید موجب استقبال عمومی از گسترش نظم و قانون می‌شود این یک حرکت تدریجی است و موفقیت در مراحل اولیه زمینه‌ساز ادامه و گسترش آن خواهد بود. (مصاحبه آقای خاتمی با مجله روز هفتم)

۳- موضوع مهمی که همه ملت ایران و همه کسانی که بیش از ۲۰ میلیون به آقای خاتمی رای دادند باید توجه داشته باشند که از یک گروه و جناح خاص نبودند و از طیف‌های مختلفی که هر کدام قسمتی از برنامه‌های آقای خاتمی را با اهداف و تفکرات و فرهنگ خود هدایت می‌دیدند به ایشان رای دادند و دقیقاً همان حالت فراجناحی است که ایشان مطرح کردند و این ارزش کار و فکر و برنامه‌های ایشان است و همه این گروه رای دهنده بیش از ۲۰ میلیون نفر باید در جهت تحقق و اجرای برنامه‌ها که اولین قدم آن اجرای صحیح و درست قانون یعنی قانونمند کردن جامعه و تفکیک مسئولیتها است، تلاش کند و تک تک آنها که رای بدرون صندوقهای انتخابات انداخته‌اند چه آنها که به آقای خاتمی رای دادند و نیز افرادی که به دیگر کاندیداها رای دادند باید خود را موظف و ملزم به اجرای قانون نمایند و هر کدام دیگری را تذکر دهند و هشدار که اگر ما هر کدام حافظ اجرای قانون باشیم و فرزندانمان را ملزم نمائیم مسلماً خواهیم توانست با تمام کسانی که محل نظم و قانون هستند مقابله کرده و خودبخود گروه‌های فشار از بین رفته و امنیت و اعتماد متقابل جایگزین می‌شود، شاید این موضوع خیلی ایده‌آل به نظر آید اما اگر هر

کدام از این ۲۹ میلیون نفر که رای داده‌اند اگر به امید آبادانی و استقلال و سربلندی و اعتلای ایران اسلامی و علاقمند به سرنوشت آینده خود و فرزندانمان هستند باید در این جهت تلاش کنند و مسلماً اگر کسی که در هر مقام و منصبی و هر شرایط بالائی هم باشد در خلاف جهت استقرار نظم و قانون حرکت کند هر نوع بی‌قانونی و یا تحمیل غیرقانونی و سلیقه‌ای که انجام دهد قطعاً خیانت به این ملت شریف و بزرگ است که در راه اعتلای اسلام تلاش می‌کند و در پیشگاه خداوند و تاریخ محکوم است، و در این رابطه مسئله مهم این است که حقیقتاً مردم دنیا کنجکاو و منتظر هستند و حتی اگر بعضی از آنها به زبان با اسلام و جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند، اما گوش شنوا و دلی در تردید دارند باید دید که شما (ملت بزرگ ایران) چقدر توانائی دارید و چه جوابهای روشن و جذابی (در عمل) برای پرسش‌ها و کنجکاوی آنها دارید که ارائه دهید و برای عمل به قوانین و استقرار نظم در جامعه پویای اسلامی و پایبندی همه احاد جامعه به رعایت قوانین و نظم مقرر در همه جهات آیا عملاً می‌توانید بدینا ثابت کنید که شما ملت بزرگ با پشت سرگذشتن ۱۸ سال سخت و پرتلاش اکنون که در دنیا به نام یک حکومت دینی تثبیت شده‌اید الگویی در حد اعلاء باشید؟ ما زنان که نیمی از جمعیت پرتلاش ایران را تشکیل می‌دهیم به جد از رئیس جمهور منتخب ملت انتظار داریم که در جهت برنامه‌های ارائه شده از طرف ایشان در درجه اول استقرار نظم و قانونمند شدن و اعتلای فرهنگی جامعه بگفته خود شما در فرهنگ یک اولویت بسیار مهم جامعه است از اقتصاد و سیاست هم مهمتر است، فرهنگ به اعتقاد و سیاست جهت می‌دهد خصوصاً نسل جوان اگر مانعی بوجود



آمد و یا کسانی دوستانی نادان و یا دشمنانی دانا سد راه پیشرفت و رشد مردم شدند صادقانه آن چنانکه ایشان را شناختیم و ایمان داریم که فقط برای رضای خدا و خدمت به این ملت شریف جان برکف این مسئولیت را پذیرا شدند.

در هر حالت مسائل را خالصانه و صادقانه با ملت در میان گذاشته و از آنها که با حمایت خود باید گره‌ها را باز کنند کمک بخواهند و مسلماً این ملت شریف به ندای 'هل من ناصر ینصرنی' فرزندان اباعبدا... لبیک خواهند گفت و او را تنها نخواهند گذاشت و ایشان را کمک خواهند کرد.

با توکل به خدای بزرگ

قدسیه میرمعز

روبه فروپاشی رفت و حکومت نو پای انقلابی در پی یک رفرا ند م عمومی و مردمی در چارچوب قانون اساسی تاسیس شد.

نظر به اینکه ملت ایران بر اساس اعتقادات دینی خود بیش از هر مکتب و مرامی برای آزادی، عدالت و دموکراسی واقعی اهمیت و احترام قائل می‌شد و از طرفی چون نخستین پیام قرآن و رسالت انبیاء وحدت ملل و تساوی در حقوق بشر و برابری امتیازات در بهره‌مندی از امکانات زیستی به فراخور استعداد و تلاش خویش و بالاخره مشارکت و دخالت در سرنوشت خود بوده است.

لذا مردمان این دیار برای دستیابی به این اهداف مقدس و مترقی نهایت سرمایه‌گذاری را چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بویژه در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق ایفا نموده است. اما متأسفانه بافت حکومت و عملکردهای آن در طی هفده سال به استثنای یک مقطع محدود بگونه‌ای بوده است که احساس می‌شود نسبت به فرایند مذکور مخصوصاً در بعد دموکراسی و مختصات آن در مقایسه با کشورهای جمهوری توسعه یافته و یا در حال توسعه حتی در مقایسه با ترکیه و پاکستان تاکنون بسیار ضعیف عمل کرده است. البته مردم وفاداری و تعهدات خود را در تمامی ابعاد اجتماعی در مواجهه با فشارها، عارضه‌ها و خطراتی که انقلاب، اسلام، ملت، مملکت و مسئولین را تهدید می‌کرد،

نشان دادند و در جای جای این مرز و بوم به حمایت و پشتیبانی آنان برخاسته‌اند. علی‌هذا سئوالی که در این برهه از زمان مطرح هست و بارها مردم آگاه با خود زمزمه داشته و دارند و آن این است که هیئت حاکمه وقت و مجریان قوای سه گانه تصور می‌نمایند، حضور مردم در صحنه‌های انقلاب و خصوصاً در دهه اخیر و شرکت آنان در رفرا ند م‌ها، انتخابات، استقبالها و ایثارهای مالی و جانی حاکی از رضایتمندی و تقبل مردم نسبت به مجریان قوای سه گانه می‌باشد!!

و یا مدیران و مسئولین اجرایی می‌پندارند، انتقادات و پیشنهاداتی را که از جانب روشنفکران جامعه و اهل علم و قلم اعم از مذهبی و یا جناحها و گروههای سیاسی با وجود تهدیدهایی که از طرف گروه فشار بر آنان تحمیل می‌شود، هم‌اشار ناشی از موضع خصم و عناد و یا تظاهر و تفاخر به علم و کلام و موضعگیریهایی سیاسی است! بدون تردید اشخاص و گروههای سیاسی بسیاری در این مرز و بوم هستند که حقیقتاً دلشان برای این ملت و فرهنگ و مملکت می‌سوزد و به هیچ قیمتی حاضر نیستند که حیثیت، مذهب و فرهنگ آن بدست دشمن داخلی و یا اجانب به غارت برود و یا حتی زیر سنوال واقع شود. به هر روی، در دوره هفتم ریاست جمهوری و کابینه جدیدی که تشکیل خواهد شد به چند مولفه پیشنهادی زیر تذکر و توصیه می‌گردد:

مواضع سیاسی و حزبی خود فعالیت گشته و یا اساساً لازمه شکل نهادمند و مترقی و مفید در راستای آرمان ملی و میهنی آنست که همه اعضای کادر مرکزی برای بالا بردن شعور سیاسی و اجتماعی مردم بطور جدی و خالصانه و بجای براندازی یکدیگر و رقابت ناسالم، از در مسالمت کنار آمده و در امر بهینه سازی یک جامعه آنا رشیستی تلاش کنند. و بدیهی است که عملکرد دولت و مسئولین خطاکار از طرف این جناحهای سیاسی مورد کنترل و نظارت قرار خواهد گرفت و دولتمردان و مسئولین نظام نیز موظف خواهند شد تا خود را در برابر اشتباهات و احیاناً تخلف اصلاح کنند.

بدین منظور در تقابل با جریانهای تاریخی و تنش‌های موجود، جهان استعماری غرب در تداوم منافع و توسعه طلبی خود اقدام به سیاست نوینی نمود و آن طرح نظام دموکراسی می‌باشد.

به هر روی وجود احزاب و گروههای سیاسی منتقد بی‌غرض و مرض در امر هدایت‌مندی و ارتقاء شعور سیاسی جامعه موثر خواهند بود. موضوع دومی که در این نوشتار پس از دموکراسی طرح می‌شود، مدیریت و سیاست جمهوری در دور هفتم می‌باشد که اصول و حاکمیت دموکراسی در آن به اقتضای شرایط جامعه جهانی، بویژه موقعیتی که ایران فعلی دارد باید لحاظ شود.

کشور ایران، این سرزمین مهد تمدن و فرهنگ بعد از ۲۵ قرن (به استثنای دو سال دوران مشروطیت که ایران به لحاظ سیاسی دموکراتیک شد) با پشت سر نهادن هزاران حوادث تلخ و ناپه‌نجار توسط دیکتاتوران دوران هخامنشی، ساسانی، خلفای غاصب بنی‌امیه، بنی‌عباس، خودکامگان دوران غزنوی، سامانی، صفویه تا عصر قاجار و پهلوی و همچنین در برخورد با حملات وحشیانه اقوام مغول و تیمور سرانجام با نهضت بزرگ ملی و اسلامی ایران این نظامهای فاشیستی

محور این اصول حرکت کند و هر جا منافع خود را در خطر می‌دید، متوسل به اختناق و استبداد می‌گشت و از طریق جنگهای فیزیکی و یا جنگ سرد وارد عمل می‌شد، مخصوصاً هنگامی که احساس می‌کرد خود در جریان امری مستحق و مستعد نیست ناگزیر در آن وتو می‌نمود و در نتیجه حقوق اجتماعی ملت‌های ضعیف زیر سؤال می‌رفت و در این رویارویی اصل طرح نظام دموکراسی به زعم عده‌ای خاصه آنانی که منتسب به اندیشه بنیادگرایی و وابسته به تفکر ثبوت‌گرایی بوده‌اند، زشت و نامطلوب بنظر می‌آمد، و با آن طرح برخوردی مهاجمانه داشتند. در مقابل بسیاری از توده‌های آگاه و روشنفکران جامعه و نوگرایان دینی در مواجهه با دیکتاتوری‌های مستبدانه و انحصارطلب و بر اساس این ذهنیت که بالاخره مرزهای اختناق و فشار و استبداد شکسته خواهد شد، پدیده دموکراسی را استقبال نمودند.

چون به هر حال این پدیده نوین از نقطه نظر تاثیرگذاری در رابطه با امنیت ملی و فرهنگی و اقتصادی، مناسبات عدیده‌ای را در روند زیست محیطی جامعه و مردمان هر مرز و بومی فراهم می‌آورد، لذا همانطوری که توضیح داده شد یکی از تدریج‌های دموکراسی استقلال ملی و فرهنگی بود که بسیاری از متفکران جهان را واداشت تا در تائید و تثبیت و گستره آن اقدام جدی نمایند و برخی را نیز در اجرای نادرستی از اصول و ضوابط دموکراسی در حیطه قدرت به نقد و نقادی بکشاند.

برای مثال: آقای دکتر حمید عنایت در خصوص نظام دموکراسی و سرپیچی از اصول و مقررات آن و نیز نقش و رابطه‌اش با قوانین اسلام اینگونه می‌نویسد: اگر دموکراسی متضاد با دیکتاتوری باشد اسلام می‌تواند با دموکراسی سازگار باشد زیرا در آن جایی برای حکومت خودسرانه یک نفر و یا یک گروه وجود ندارد.^۱

با این بیان، رابطه و همزیستی میان دین و دموکراسی مشخص می‌شود، با مراجعه به آیات قرآن ملاحظه می‌شود که دسته‌ای از آیه‌های قرآن ما را به مشاوره فرا می‌خواند بویژه در مسائل اجتماعی و تصمیم‌گیریهایی عمومی و زیربنایی تاکید و توصیه‌اش مبنی بر نظرهای دستجمعی و شورایی است از جمله آیه «وامرهم شوری بینهم»^۲ و یا «وشاورهم فی الامر»^۳ و هدینطور آیه ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم^۴ که دقیقاً این آئین‌نامه‌های الهی موبد دخالت مردم نسبت به امورات حکومت و دولت و سرنوشت خود مردم آمده است و ختامش زندگی اجتماعی‌شان را تبیین می‌دارد. آقای فریادخواه از دموکراسی حاکم بر جهان تعبیری دارد که بنظر تحلیل بسیار زیبایی است، وی مشکل اساسی طرفداران حکومت دموکراسی را در عدم رعایت اصول

با توجه به اینکه در جهان امروز توسعه سیاسی حرف اول را می‌زند، لذا دولتمردان و مسئولین قوای سه‌گانه کشور باید همواره همت نمایند تا در زمینه گسترش توسعه با توانمندی چشمگیری به این مهم بپردازند و این لازمه مدیریت در حکومت و کشورداری اصولی و زیربنایی است و چنانچه دولت موفق شود تا مسئله توسعه‌مندی را در ابعاد گوناگون خاصه در بعد تکنولوژی بسوی توسعه پذیری و فرهنگ ملی هدایت کند بی‌تردید کشور ما به آرمانهای ملی خود هر چند دیر دست خواهد یافت.

دموکراسی می‌داند و معتقد است که اصول و ارکان دموکراسی نوین باید در عمل بدور از هر گونه باند بازیها و سیاست‌زدگی‌ها باشد و چنانچه این جنبه‌ها لحاظ شود، خود بخود همزیستی مسالمت‌آمیز بین دین و دموکراسی بوجود خواهد آمد.^۵

بنابراین نوع حکومتی که بر پایه سیاست مدرن در جهان غرب طراحی گردید و دامنه آن در اقصی نقاط جهان تسری یافت حکومت جمهوری بود، در این نوع حکومت اصولی که در آن لحاظ شده، حداقل از نظر تئوریک، بستر حکومت جمعی و مردمی و اظهار نظرهای مردم، شخصاً و یا بوسیله نمایندگان منتخبشان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی بوده است.

نظام حکومتداری، بویژه از نوع دمکراتیک آن زمینه‌ساز گشت با شکل گروهها و احزاب سیاسی در جهان شده، البته پیدایش حزبها و گروههای سیاسی توسط منتقدان و اپوزیسیون‌های در هر نظام و تشکیلات دولتی در واقع مبین ماهیت نظام دموکراسی بود که هر چه این نحله‌های فکری متشکل‌تر و نهادمندتر می‌شد در آن صورت نمایندگان این گروههای سیاسی جهت تثبیت و استحکام و استقرار

در جلسه روز یکشنبه اول ماه عنوان شد:

ایشان داشته باشند. البته این امر طبیعی است و همیشه همینطور است. دیگر اینکه باید ریشه‌یابی کرد که به چه دلیل قشرهای مختلف مردم از جوانان و زنان حتی کسانی که اولین بار بود پای صندوقهای رای می‌رفتند به ایشان رای داده‌اند!

• از خانم دکتر نرگس طالقانی می‌خواهیم که این موضوع را بررسی و ریشه‌یابی کنند؟

اولین اقدام، رفع

گرسنگی و فقر است!

جلسه مورخ ۷۶/۲/۴

تنظیم از: زهرا نصراللهی

دکتر نرگس طالقانی



• مسئله انتخابات را از دو نقطه نظر باید بررسی کرد:

- ۱- علت اینکه همه جوانان در انتخابات شرکت کرده‌اند در چیست؟
 - ۲- توقعات این جوانان از رئیس جمهور چیست؟
 - ۳- وظیفه رئیس جمهور در قبال این مردمی که وی را حمایت کردند چیست؟
- باید بدین نکته توجه داشت که مخالفان بسیاری وجود دارند که آقای رئیس جمهور باید از وجود آنها مطلع باشند.

در جواب سؤال اول باید گفت به همان دلایلی که جوانان، با آن شور و شوق انقلاب کردند الان نیز به پای صندوقهای رای رفته و به ایشان رای دادند. اصولاً ما باید بدانیم که جوان برابر است با انرژی، طغیان و... و باید دانست که عاملان اصلی در هر انقلابی، در سراسر دنیا جوانان زیر ۲۰ سال هستند زیرا آنها تنها زمان حال را می‌بینند نه گذشته و آینده را و آنها خواستار کاهش فشار هستند. در واقع مردم ما در این انتخابات بسان فتری بودند که آنها را فشار داده بودند و ناگاه آن را آزاد کردند. مردم ما با این آراء ثابت کردند که به کسی رای می‌دهند که قابل انعطاف باشد. در حالی که می‌دانیم جناب آقای خاتمی نمی‌توانند آزادی مطلق را برای آنها (جوانان) بیاورند و اگر خود نیز بخواهد جو جامعه این امکان را به ایشان نمی‌دهد. شور و شوق جوانان در این روزها دقیقاً مانند شور و شوق جوانان در اوائل انقلاب بود و این باعث:

روزهای یکشنبه اول هر ماه با حضور شخصیت‌های حقوقی و روانشناس جلسه‌ای برای بررسی مشکلات زنان در محل مجتمع نجم تشکیل می‌گردد. در این یکشنبه نیز بحث کوتاهی پیرامون انتخابات ریاست جمهوری صورت گرفت که در زیر خلاصه‌ای از آنرا می‌خوانیم.

خانم طالقانی: شخص آقای خاتمی انسانی صادق، متقی و وارسته هستند. اما در اطرافشان هم افراد مصلح و هم افرادی که راهشان با ایشان کاملاً مغایر است وجود دارند. ایشان خود سیدی صالح و آزاده هستند. در زمان وزارتشان در ارشاد و روزنامه کیهان و... شاهد درستکاری و عدم سوءاستفاده ایشان از امکانات بوده‌ایم. ولی ممکن است عده‌ای که برای ایشان تبلیغات کرده‌اند، توقعاتی نابجا از

نخستین عامل متغیر و دگرگون‌ساز برای یک جامعه متحول و مترقی چون ایران، همانطور که در مقدمه بحث به اشارت رفت عبارت است از ایجاد فضای دموکراتیک، همزمان با آموزش فراگیر در تمامی عرصه‌های اجتماعی و در حقیقت در چنان شرایط مستعد هست که بر پایه اصل پلورالیسم (کثرت‌گرایی) و فعالیت‌های ملی، وفاق ملی رشد و بالندگی جامعه، نمود فیزیکی و معنوی پیدا می‌کند عنایت شود، تمامی کشورهای که در چند دهه اخیر بسمت توسعه و تکنولوژی قدم برداشته‌اند، کشورهای نظیر ژاپن، تایوان، تایلند، مکزیک، سنگاپور و کره جنوبی در واقع مشارکت عمومی مردم و بستر آزادی عمل، البته تحت نظارت مستقیم دولت در آن مشهود بوده و اساساً در این کشورهای توسعه یافته، مسئله توسعه‌پذیری بعنوان یک باور ملی و فرهنگ اجتماعی در آن جا افتاده است.

مسئله دوم: تغییر ساختاری در عرصه‌های دولتی و نهادهای برنامه‌ریز می‌باشد و این بزرگترین مشکل بعد از جریان حاکمیت انحصاری در رویارویی با مسئله دموکراسی یعنی عدم جایگزینی افراد متخصص و کارآمد در پست‌های حساس کشور است که به چشم می‌خورد، اتفاقاً این موضوع مهم از آغاز انقلاب به کرار، توسط نظریه‌پردازان و کارشناسان اقتصادی به انحاء مختلف به دست اندرکاران نظام هشدار داده شده و می‌شود.

مولفه سوم: کنترل و مهار همه جانبه دولت آتیه، نسبت به هزینه‌های ناکارآمد و زیان‌ساز ریخت و پاشهایی که منجر به تورم اقتصادی کشور می‌گردد. بنظر می‌آید، این مهم بیشترین معضل اقتصاد بیمار کشور ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است. (جهت آگاهی بیشتر در این زمینه رجوع شود به مقاله‌ای تحت عنوان 'بحران هزینه‌های غیرقانونی در بخش‌های دولتی در نشریه پیام هاجر شماره ۲۲۵ که به تفصیل در این رابطه بحث شده است.)

فاکتور چهارم: پیشگیری از ابتلائات و حوادث احتمالی که منجر به ضربات و تخریب ساختار اجتماعی و پارامترهای وابسته به آن می‌شود که باید به این امر توجه نمود. ما الان در موقعیتی از جریانهای اجتماعی قرار داریم که دیگر جایی برای تجربه و آزمایش باقی نمانده است، زیرا کارگزاران و مدیران اجرایی کشور در طی این هفده سال انقلاب، تمامی امتحانات خود را در حوزه سیاست‌گذاری خود براساس مفروضات و پیش‌زمینه‌های طراحی شده پس داده‌اند. در واقع ملت در انتظار آن می‌باشد تا بر پایه سیاست‌گذاری مدرن در دوره جدید و بر محور قانون و عدالت اجتماعی و توسعه‌مندی در جهت سامان‌بخشی و اصلاحات اقتصاد و فرهنگ ملی تلاش عاقلانه و متعهدانه کند.

به هر روی وجود احزاب و گروه‌های سیاسی منتقد بی‌غرض و مرض در امر هدایت‌مندی و ارتقاء شعور سیاسی جامعه موثر خواهند بود.

البته دولت تاکنون اقداماتی در راستای پروژه‌های ملی نظیر پتروشیمی، صنایع مادر از قبیل مس، آلومینیم، فولاد و نیز در ساخت و یا توسعه پالایشگاههای نفت و گاز، راه‌ها و پلها، سیستم‌های آبرسانی، برق‌رسانی و مخابرات نموده است ولی اشکال عمده آنست که کشور ما در مقیاس با کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه هنوز با توسعه سیاسی و فرهنگی فاصله زیادی دارد.

با توجه به اینکه در جهان امروز توسعه سیاسی (البته توسعه سیاسی همراه و همزمان با توسعه اقتصادی کارا و نقش‌آفرین است) حرف اول را می‌زند، لذا دولتمردان و مسئولین قوای سه گانه کشور باید همواره همت نمایند تا در زمینه گسترش توسعه با توانمندی چشمگیری به این مهم بپردازند و این لازمه مدیریت در حکومت و کشورداری اصولی و زیربنایی است و چنانچه دولت موفق شود تا مسئله توسعه‌مندی را در ابعاد گوناگون خاصه در بعد تکنولوژی بسوی توسعه‌پذیری و فرهنگ ملی هدایت کند بی‌تردید کشور ما به آرمانهای ملی خود هر چند دیر (تا سال ۱۴۰۰) دست خواهد یافت.



پاورقی:

- ۱- دکتر حمید عنایت- کتاب تفکر نوین سیاسی اسلام- ص ۱۷۱
- ۲- سوره شوری، آیه ۳۸
- ۳- سوره شوری،
- ۴- سوره رعد، آیه ۱۱
- ۵- آقای فراستخواه، جزوه دین و دموکراسی، ص ۸

ایشان دو بار از (کیهان و وزارت ارشاد) استعفا دادند و یک بار هم قهر کردند. برخی این سه مورد را نکات منفی تلقی می‌کنند اما در واقع مثبت است. وقتی نگذاشتند ایشان کار کنند، استعفا دادند. گفتند از این به بعد می‌خواهم اسلام و متون اسلامی و... بازنگری

کنم.

۱- فکر کردند با تائید ایشان تعداد زیادی از آراء به نفع ایشان شکسته خواهد شد. حتی بسیاری از بااصطلاح روشنفکران با ایشان مخالفت کردند زیرا با کاندیدا شدن ایشان حداقل ۸-۷ میلیون آراء خانمها مختص ایشان می‌شد. بهانه شورای نگهبان هم این بود که از ۹ نفر نامزد زن، یک نفر انصراف داد و بقیه هم از رجال سیاسی - مذهبی نبودند.

۲- عامل دیگر هم منحصر کردن انتخابات به افراد مشخص و خاصی بود.

خانم دکتر طالقانی: خبری از B.B.C است که می‌گوید: آقای خاتمی با کسب بیش از ۹۰٪ آراء به ریاست جمهوری رسیدند و دلیل آن است که ایشان یک روحانی روشنفکر است. اگر مردم را آزاد بگذارند می‌دانند چه بکنند.

خانم شید: وقتی دو روحانی در جامعه با هم برخورد کردند و به هم توهین و تهمت بزنند، این ضربه‌ای برای روحانیت است که در جامعه ما تمثیل دیانت است. مردم دیدند آقای خاتمی کسی است که به آنها بها می‌دهد. سابقه‌ای که دیگر رجال در مسائل اقتصادی، شکنجه مردم، ندادن آزادی به آنها و... داشتند در آقای خاتمی موجود نبوده و نیست. همه می‌گفتند که نتیجه انتخابات از پیش تعیین شده است و همه آن تقلب است و همین جو باعث شد که این انتخابات در واقع نسبتاً سالم برگزار شود.

ایشان اگر از این پس اعلام استقلال کردند از تمام گروههایی که ایشان را حمایت کردند و بالطبع اگر این گروهها رودرروی ایشان ایستادند و فضا را مسموم ساختند ملت نباید ایشان را تنها بگذارند کما این که بسیاری از افراد توقعات بیجا: پست، مقام، وزارت و... از ایشان دارند وقتی ببینند ایشان آنها را برآورده نمی‌سازد (چرا که ایشان اهل معامله نیستند) مقابل او ایستاده و حتی ممکن است بسیار توهینها و تهمتهای بدتر از آنچه در انتخابات جناح مقابل به او زدند، برای او بکنند. مردم نباید تابع جو و تبلیغات شوند.

خانم طالقانی: اگر مردم دانما در جریان کارها قرار بگیرند، توقع بیجا هم نخواهند داشت. ایشان باید با مردم رابطه مستقیم برقرار کنند تا مردم از مشکلات ایشان اطلاع پیدا کرده و توقع نابجا نداشته باشند.

خانم دکتر طالقانی: از یکی از مسئولین پرسیدم: طرح ترافیک یعنی چه؟ گفت: یعنی وارد محدوده طرح ترافیک نشوی. گفتم: خیر، یعنی اینکه شما به عنوان قانونگذار مال مردم را می‌خورید و قانون وضع می‌کنی و سپس با گرفتن ۱۰۰۰ تومان خودت قانون را می‌شکنی. پس وقتی شما که قانونگذاری، قانون را می‌شکنی من نشکنم؟!

امروز اولین بچه مصنوعی در سوئد بدنیا آمد، یا در فلان کره (مریخ) گیاه و آثار حیات وجود دارد... اینها همه علم است و بالطبع ما نیز نمی‌توانیم از مسیر طبیعی رشد عقب بمانیم. رشد یعنی تغییر.

خانم ناهید شید



خانم ناهید شید: کسانی که پای صندوقها رفتند، همه بودند، هم زنان بودند. زنان بین ۲۵ تا ۳۰ سال که قبل از این ۱۷ سال خیلی وعده را شنیدند و خاطرات آن دوران را دارند ولی درست عکس آن عمل شد. ایشان فهمیدند که اگر دنبال حقوقشان بروند می‌توانند آن را به دست آورند. هدف خانم طالقانی از کاندیدا شدن این بود که می‌خواستند مشخص کنند که چرا زنان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند. یکی دو عامل که باعث شد ایشان را تائید نکنند این بود که:



۱- خوشحالی است که آنها را از مسائلی مانند اعتیاد، فساد، بی‌بندوباری و... دور کرده و به سوی انتخابات کشانده است.

۲- باعث ناراحتی خواهد بود که مبادا با برآورده نشدن خواسته‌هایشان شور و شوق آنها مبدل به یاس شود.

آقای خاتمی باید مجری قوانینی باشد که مردم خود آن قوانین را در اختیار داشته باشند. بر فرض اگر کسی از چراغ قرمز عبور می‌کند و می‌داند که خطرناک است و حتی ممکن است جانش را از دست دهد ولی با این کار او نشان می‌دهد که نسبت به قانون بی‌تفاوت است و در واقع با این کار به قانون دهن کجی می‌کند.

حال باید پرسید که چرا جوانان این همه شور و اشتیاق از خودشان نشان دادند؟ باید گفت که جوانان در بحران جوانی میان خود گروه‌بندی‌هایی دارند که از نظر آنها حتی مهمتر از قانون است. اگر این گروه‌بندی اتفاق نیفتد واقعا غیرمنطقی است ولی چه گروهی؟

هر کسی که حکومت را در دست می‌گیرد باید افسار حکومت در دستش باشد و بداند که چگونه خواسته‌های جوانان را برآورده سازد بدون اینکه به شعائر مذهبی و قوانین اجتماعی ضربه‌ای وارد شود! این پدیده (انتخابات) بسیار مهم است چرا که: مردم نشان دادند که حتی بدون سلاح گرم نیز اگر بخواهند بسیار کار می‌توانند بکنند، در واقع با انتخاب آقای خاتمی خواستند بگویند که به کسی رای می‌دهند که باسوادتر، روشنفکرتر و... باشد و پیشرفت زمان را بهتر حس می‌کند.

امروز اولین بچه مصنوعی در سوئد بدنیا آمد، یا در فلان کره (مریخ) گیاه و آثار حیات وجود دارد... اینها همه علم است و بالطبع ما نیز نمی‌توانیم از مسیر طبیعی رشد عقب بمانیم. رشد یعنی تغییر.

انتخابات نشان داد که اکثر مردم تمایل به پیشرفت دارند، می‌خواهند پیشرفت و ترقی کنند. لازمه زندگی یک انسان طبیعی و سالم پیشرفت است. حال این که بدانیم چه بخشهایی از علوم با مذهب و آداب و رسوم و ملیت ما سنخیت دارد هنر کسی است که امور اجرایی را در دست دارد، می‌تواند بطور عملی بمردم نشان دهد.

اولین عمل اقدام در رفع گرسنگی و فقر است. البته خود مسائل اقتصادی و شکم گرسنه پیش نیاز دیگر انحرافات و مسائل فرهنگی، سیاسی و... غیره است. چرا که بنده در این مدت که مسئول صدای مشاوره بوده‌ام تا حال به یک مورد هم برخوردادم که مشکل مادی داشته باشند؟

خانم طالقانی: در واقع علم امروز که در حال پیشرفت است عین توحید است و الهام خداوندی است و این جدای از مذهب نیست. مذهب و دین پایه اکتشاف و علوم است. این دو با هم تضاد ندارند. من عرف نفسه فقد عرف ربه. علم از سیستم الهی جدا نیست تا جایی که به حلال و حرام خدا صدمه نزنند.

خانم دکتر طالقانی: امروزه بزرگترین دانشمندان در سراسر دنیا روزهای یکشنبه مرتب به کلیسا می‌روند. تدریس به بچه‌ها را فراموش نمی‌کنند. این کلاسها توسط دانشمندان اداره می‌شود نه کشیشان! یکی از شعب روانشناسی، خودشناسی است. اگر خود را بشناسیم خدا را شناخته‌ایم. اگر همراه جرعه‌ای آب یا لقمه‌ای نان ما هم به درون بدن خود بردیم، می‌بینیم که این همه نظم و ترتیب را چه کسی آفریده است؟ نتیجه آنکه وظیفه کسانی که در راس امور هستند این است که:

۱- کار را به متخصص بدهند. آیا این انصاف است که یک متخصص را که سالها سرمایه و هزینه برای او صرف شده است بخاطر مسائل جزئی کنار بگذارند؟ در واقع کار باید به دست کاردان سپرده شود.

۲- مسئولین باید وظیفه را بشناسند و کار را بدست متخصصین متعهد بسپارند.

خانم طالقانی



خانم طالقانی: آقای ناطق نوری از ۱/۵ سال پیش تبلیغات خود را شروع کرده‌اند. (البته نمی‌گویم که آقای خاتمی خرج نکرده‌اند) ولی بنظر می‌رسد این جناح جامعه و مردم را یا نشناخته‌اند و یا آنقدر فاصله دارند که نسبت به آنها ذهنی هستند! چرا که با مردم بسیار فاصله دارند. چرا این قدر فاصله با مردم؟! اگر آقای خاتمی هم بخواهند از این پس این روال را پیش گیرند و از مردم دور افتند مانند آنها می‌شوند! ذهنی می‌شوند.

خانم طالقانی: برنامه‌ها و صحبت‌های ایشان باعث جذب این همه مردم (جوانان) شد از جمله:

۱- برنامه تبلیغاتی ایشان که با اتوبوس سفر کردند به منظور رابطه نزدیکتر با مردم بود.

۲- پاسخهای ایشان در مصاحبه‌های تلویزیونی و سخنرانیها که نسبت به بقیه کاندیداها داشتند، بهتر بود.

تا قبل از ظهور اسلام زنان به صورت کنیزکان و رقاصان در خدمت صاحبان قدرت بوده و فقط بهره‌وری جنسی و کامجویی از آنان مد نظر بود. ولیکن با ظهور دین اسلام امیدی برای کسب تساوی و حذف نابرابریهای اجتماعی و حقوقی در دلها دمیده شد.

در سوره نساء آیه یک در زمینه آفرینش مرد و زن تاکید گردیده که این دو از یک جنس و ماهیت آفریده شده و در کنار هم قرار دارند. البته بدلیل تفاوت‌های طبیعی، روانی و جسمی وظایف خاصی برای زنان و مردان تعیین شده است. پرداخت نفقه به عهده مرد گذارده شده و زن موظف گردیده که آسایش همسر خود را فراهم نموده و فرزندانش را در محیطی آرام و پرمهر پرورش دهد. اما هیچگاه قرآن زن را از فعالیت‌های اجتماعی باز نداشته است.

در تاریخ اسلام زن در سیاست نقش‌های مهمی داشته است و اسلام در مقایسه با سایر ادیان و نظام‌های حقوقی برای زنان ارزش ویژه‌ای قائل شده و به آنان حقوق ممتازی اعطاء کرده است. بدون شک قهرمانانی مانند حضرت زهرا(س)، حضرت زینب، سمیه، ام‌عمار و ام‌حارث در تاریخ اسلام نمونه‌ها و الگوهای ارزشمندی برای زنان جهان می‌باشند.



حضرت فاطمه(س) در تمام طول عمر کوتاه خود یک عنصر مسئول در جامعه مطرح است. او همواره در مقابله با انحرافات جامعه خود قد علم کرده و در درگیریهای اجتماعی حضور فعال داشته و تا لحظه مرگ خاموش نمی‌نشیند. زوایای زندگی حضرت زهرا(س) از بعد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، دفاع از حقوق فردی و اجتماعی و دفاع از

حقوق غصب شده حضرت علی در رابطه با خلافت مسلمین نیاز به تحقیقات گسترده دارد.

تاریخ نشان می‌دهد زنان مسلمان دوش به دوش مردان مجاهد در جنگها شرکت داشته و در فعالیت‌هایی از جمله دفاع از شخص پیامبر، طبخ غذا برای رزمندگان، پرستاری و زخم‌بندی مجروحین، رجزخوانی، تقویت و تحرک بخشیدن به مجاهدین نقش اساسی داشتند. در صدر اسلام مسجدالنبی به پایگاهی برای همه کارهای اجتماعی با مشارکت زنان تبدیل شده بود. بعنوان مثال در گوشه‌ای از آن زنی بنام رفیده به دستور پیامبر برای مداوا و بستری کردن بیماران و مجروحین جنگ، خیمه‌ای بپا کرده بود.

دین مبین اسلام منزلت و مقام زن را در جامعه عرب و در کل جهان بالا برد و زنان را که در دوره جاهلیت زنده به گور می‌شدند، ارزش انسانی بخشید. اسلام بانوان را به فراگیری دانش امر نمود و در امور سیاسی و حکومتی مشارکت داد. به نمونه بارز این مشارکت در سوره ممتحنه در مورد بیعت زنان مکه با پیامبر اشاره شده است. حضور زنانی همچون حضرت زینب در واقعه کربلا و زنده نگهداشتن اسلام با ایراد خطبه در مجلس یزید و حضور در محافل مختلف و بیدار کردن مردم نسبت به حکومت‌های ظالم و باطل، مبین منزلتی است که اسلام به زنان اعطاء کرد.

شرایط این چنین بود تا آنکه پس از گذشت دوران طلائی صدر اسلام و با روی کار آمدن خلفای جبار بنی‌امیه و بنی‌عباس، تفکرات دوران جاهلیت و ظلم و ستم درباره زن رواج یافت. یکی از علل عقبماندگی زنان در ایران به ویژه از دوران مغول تا اواخر دوره قاجاریه و اوایل مشروطیت شاید به دلیل آشوب‌های اجتماعی و جنگ‌های فراوانی بود که در ایران به وقوع پیوست و همواره مردم از هتک حرمت و ناموس خود واهمه داشتند. این مسائل تا جایی پیشرفت کرد که زنان ایرانی به کلی از سوادآموزی محروم شده و تنها دختران اشراف و ثروتمندان در نزد معلمین خصوصی در خانه درس می‌خواندند. پس از گذشت چندین صد سال رخوت و سستی در زنان ایرانی، ماجرای تحریم تنباکو روح تازه‌ای در این قشر جامعه دمید. در این تحریم آیتا... حاج میرزا حسن شیرازی فتوا دادند که استفاده از توتون و تنباکو حرام است. علیرغم تلاش ناصرالدین شاه برای مقابله با این شورش که علیه بسته شدن قراردادی با دولت انگلیس انجام گرفت زندهای حرم همه قلیانها را شکسته و در برابر دستورهای صریح ولی نعمت خود مقاومت کرده و استعمار انگلیس را به زانو درآوردند. تا جایی که دولت ناگزیر شد امتیاز توتون و تنباکو را لغو کند.

در دوره اول مجلس شورای ملی دولت لایحه‌ای را به مجلس تقدیم کرد و تقاضای اخذ وام سی کرور تومانی (معادل صد و پنجاه میلیون ریال) از دول بیگانه را نمود که با مخالفت نمایندگان روبرو شد.

مشارکت زنان در صحنه سیاسی

زهرا روغنی

زنان باید در امور سیاسی مداخله کنند و این تکلیفشان است. (امام خمینی)

تعداد اندک بانوان نسبت به مردان در پستهای قانون گذاری، ارگانهای دولتی و در رده های تصمیم گیری است.

بدیهی است بخش عمده ای از این محدودیتها را باید در ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه در طول تاریخ بررسی کرد. این موانع منبعث از بافتهای سنتی، ارزشها و باورهای است که در فرهنگ جامعه ریشه دوانیده و نگرش هم زنان و هم مردان را تحت تاثیر خود قرار داده است. زنان در چنین جوامعی خودباور و متکی به نفس تربیت نشده اند. آنان تحت نفوذ ساختارهای ذهنی و نگرشهایی هستند که اصلی ترین وظایف زن را در چهار دیواری منزل و صرفاً نقش او را جهت انجام امور خانه و تربیت فرزندان معرفی می کند.

در جامعه ما دیدگاههای خرافی سلیقه ای در قالب دین که عمدتاً بر جعل احادیث استوارند، ریشه در باورهای عامه مردم داشته و در بالاترین سطوح اجرا و تصمیم گیریها متجلی می شوند. علاوه بر آن سن نسبتاً پائین ازدواج زنان و سطح پائین سواد در بین دختران نسبت به پسران و درصد کم دانشجویان دختر موجب گردیده که یک نظام تربیتی مردسالار در خانه و مدرسه ایجاد شود.

زنان باید درک کنند که مشکلات موجود ناشی از بی کفایتیها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه نشات گرفته از یک سیستم اجتماعی حاکم است که در آن تبعیضات بطور رسمی، پذیرفته شده اند. ضرورت دارد بانوان با یک تجزیه و تحلیل انتقادی با جامعه برخورد نموده تا مشخص شود تبعیضاتی که در جامعه طبیعی و بعنوان واقعیاتی غیر قابل تغییر جا افتاده، تغییر پذیر هستند. باید تاکید شود که فرمانبرداری زنان از مردان جزئی از امور طبیعی نبوده بلکه ناشی از یک سیستم تبعیض گونه تحمیلی بوده و قابل تغییر می باشد.

مشارکت در انجام امور مملکت اساس زندگی سیاسی و حق همه شهروندان است. مشارکت بانوان به عنوان نیمی از جمعیت کشور بدان جهت از اهمیت برخوردار است که نابرابریها را کاهش داده و زمینه را برای توسعه پایدار فراهم می سازد. چرا که بدون بهره گیری از همه امکانات انسانی و بدون به رسمیت شناختن حقوق برابر برای زنان و مردان، توسعه امکان پذیر نیست.

مشارکت سیاسی به معنای عام آن عبارتست از شرکت آگاهانه و داوطلبانه کلیه اقشار مردم در امور سیاسی و دخالت در اداره امور اجتماعی خود. طبق تعریفهای امروزی یکی از شاخصهای عمده توسعه هر کشوری، میزان مشارکت توده های مردم به ویژه مشارکت بانوان در امور سیاسی قلمداد می شود.

دخالت زنان در مسائل سیاسی مبین ارتقاء سطح فرهنگی - ملی، رشد شعور اجتماعی و نگرش جامعه به قشر زنان که نیمی از افراد هر جامعه را تشکیل می دهند، می باشد.

برابری در مشارکت به معنای دخیل نمودن زنان در کلیه اموری است که آنها به نحوی در آن ذینفع هستند و میزان این مشارکت باید به نسبت جمعیت آنان باشد.

بدیهی است برابری در مشارکت در یک جامعه مردسالار به سهولت برقرار نخواهد شد و نیاز به بسیج بانوان برای افزایش حضور آنان در امور متعدد اجتماعی خواهد داشت. جهت این امر زنان باید خود را با مهارتها، تخصصها و فنون جدید آشنا سازند.

در کشور ما همانند بسیاری از کشورهای جهان سوم فواصل جنسیتی در امر مشارکت زنان کاملاً واضح است و زنان در زمینه های مختلف با محدودیتهای گوناگونی روبرو هستند. دلیل مبرهن این امر

شماره ۱۳۸۳
تاریخ ۱۳۷۴ ر. ۴
پیوست

بسم الله الرحمن الرحيم



بیانیه انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران به مناسبت سالگرد

دکتر شریعتی

۲۹ خرداد هر سال خاطره آزادمردی در جان ما می پیچد که در پایان عمر کوتاه اما پربارش مصلوب کلام خویش گشت. خاطره دانشمند سترگی که روحی تازه بر جامعه دینی دمید و با برداشتی نوین دینداران را به اصلاح جامعه امیدوار کرده است. دکتر شریعتی پایه گذار روشنفکری بود که بهترین تحلیل ها را برای دینی کردن جامعه مدنی ارائه داد.

اگر در قرون وسطی مذهب عامل رکود و انجماد و ثبات بود در جامعه دینی مورد نظر دکتر شریعتی تنها عاملی است که می تواند توده را با روشنفکر پیوند زند و عامل تحول و پویایی و حرکت گردد. مع الوصف این جامعه آرمانی با وجود تلاش روشنفکران به جهت اینکه اصطکاک با منافع دنیامداران متحجر پیدا کرد صورت واقعی به خود نگرفت.

با این حال دکتر شریعتی هنوز غریب است و دشنام به ایشان تردبان ترقی مناهب دولتی شده است و تبلیغات چپیان رسمی، چون کران و لالان دم فرو بسته و مانع از معرفی این انقلابی بزرگ می شوند و یا بیهوده سعی می کنند با جدا کردن روشنفکران و جریان روشنفکری این جریان را سرکوب نمایند. امروزه عده ای سعی دارند با مطرح کردن بحث های ملال آور تهاجم فرهنگی سدی در راه ایجاد جامعه مدنی و روشنفکری دینی ایجاد نمایند که البته انشاء الله کار به جایی نخواهند برد.

تجلیل از دکتر شریعتی تجلیل از روشنگری و روشنفکری و تعهد و ایمان در عصر تحجر و سلطه مستبدانه زر، زور و تزویر خواهد بود. عصری که باید طلیعه رهیدگی جامعه از یوغ بندگی ها و رهایی از طاعت خداوندگان روی زمین نامیده شود.

انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران
و علوم پزشکی تهران



Created by trial version of 2PDF

سپس تصمیم گرفته شد بانک ملی دایر شده و از مردم مبالغی قرض گرفته شود. زنان مسلمان ایرانی در نهایت فداکاری و از جان گذشتگی در این کار عظیم ملی پیشقدم شدند. آنان با فروش گوشواره‌ها، انگوها و گردن‌بندهای خود، سرمایه بانک ملی ایران را جمع‌آوری کردند. در واقعه به توپ بستن مجلس برخی از زنان ایرانی مزین به چادر و با نقاب در مسجد سپهسالار به هواخواهی از مشروطه به ایراد سخنرانی پرداخته و برای مقابله با اولتیماتوم دولت روسیه و مخالفت با رفتن مورگان شوستر مبارزاتی را آغاز کردند.

حضور زنان ایرانی در صحنه‌های سیاسی روز به روز گسترده‌تر شد و اولین بار در سال ۱۳۴۲، ۴ زن به نمایندگی مجلس شورای ملی آن زمان برگزیده شدند. بیداری و آگاهی زنان ایران بعد از سال ۱۳۵۰ در قالب تشکلهای اسلامی ادامه یافت تا جایی که چندین نفر در مبارزات مسلحانه ضدشاه به شهادت رسیدند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، زنان نقش پیشتازی را بر عهده گرفته ضمن شرکت گسترده در تظاهرات با رژیم منحوس و وابسته پهلوی دوش به دوش مردان مبارزه کرده و استقلال کشور را به ارمغان آوردند. نقش کلیدی زنان ایرانی در طول هشت سال جنگ تحمیلی و حمایتهای پشت جبهه آنان از رزمندگان اسلام و گسیل فرزندان و شوهران خود به جبهه‌های جنگ بر کسی پوشیده نیست.

در مجموع موقعیت زنان در جامعه کنونی ما به رغم پیشرفتهایی که آنان از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه کسب کرده‌اند، به لحاظ اجتماعی حالت بی‌ثباتی دارد. بیشتر زنان نه تنها نمی‌دانند که آزادی واقعی چیست بلکه حتی به ارزش آزادیهای حقوقی هم که به آنها داده شده، آگاه نیستند. لذا نمی‌توانند نقش موثری در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اجتماعی ایفا کنند. برای حل و فصل این مشکل، ضرورت دارد زنان به حضور فعالانه در اجتماع، صحنه‌های سیاسی و اقتصادی تشویق گردند. لازمه وارد شدن زنان در امور سیاسی، بالا رفتن سطح سواد عمومی آنان است. باید برای مردان و زنان موقعیتهای آموزشی مساوی از سنین کودکی فراهم گردد. باید به آنها مشاغل و مسئولیتهای و پستهای در تمام سطوح برحسب مهارت و کفایتهای آنان واگذار شود و تلاش گردد مسائل حقوقی و قضائی آنان از طریق ارائه لایحه‌هایی به مجلس پیگیری شود. تصدی مشاغل قضائی و اجرایی برای بانوان از جمله عوامل مشارکت فعالانه آنها است. باید تعداد نمایندگان زن مجلس افزایش یابد و این امر میسر نخواهد شد مگر آنکه تعداد تشکلهای مردمی و سازمانهای زنان افزایش یافته و احزاب و گروههای سیاسی کاندیداهای زن زیادتری را برای شرکت در انتخابات معرفی کنند.

در این راستا لازم است احزاب و گروههای سیاسی به خواسته‌های زنان توجه بیشتری معطوف داشته و آنها را در فعالیتهای

خود شریک سازند تا از این طریق زنان بتوانند عملاً در ساختار سیاسی مملکت وارد شده و رشد کنند و آماده برای نامزد شدن در مجلس و یا پذیرش سمتهای دیگر گردند. علاوه بر این لازم است سقفی برای تعداد زنانی که در ارگانهای مختلف دولتی کار می‌کنند، تعیین گردد. در انجمنهای محلی و منطقه‌ای، استانداریها، شهرداریها و دادگاهها نیز باید سقفی برای تعداد زنان شاغل در آن اماکن تعیین شود و آنها موظف به استخدام زنان باشند. بدیهی است احزاب و گروههای سیاسی موظفند با در نظر گرفتن مسئولیتهای خانوادگی به زنان فرصت شرکت در فعالیتهای مختلف و تصمیم‌گیریها را بدهند.

برای شرکت هر چه فعالتر بانوان در انتخابات، باید افراد اعتماد به نفس لازم را داشته باشند و امکانات مورد نیاز جهت تبلیغات را همانند مردان در اختیار داشته باشند. همچنین از حمایت گروههای سیاسی برخوردار بوده تا بتوانند اعتماد رای‌دهندگان را جلب نمایند. احزاب سیاسی باید زنان را برای کاندیدا شدن بسیج کرده و برنامه‌های آموزشی مناسب برای آنان برگزار کنند. در این راستا دانشگاهها، سازمانهای غیردولتی و انجمنها نقش اساسی را بر عهده دارند. سازمانهای زنان به ویژه می‌توانند تجارب ذیقیمت خود را در اختیار کاندیداهای زن قرار دهند. مجلس نیز می‌تواند نقش اساسی در آموزش نمایندگان زن که جدیداً انتخاب شده‌اند، داشته باشد و آنان را با وظایفشان در مجلس آشنا سازد.

این آموزشها باید در مورد وظایف ارگانهای دولتی، مشکلات موجود جامعه، نحوه ارتباط با مردم و اطلاع از نیازهای آنان، طرز استفاده از رسانه‌های گروهی برای انجام امور مربوط به وکالت باشید. یکی دیگر از مسائلی که زنان نمایندنده باید آموزش ببینند، نحوه رسیدگی به بودجه مملکت و درصد تخصیص بودجه برای حل مسائل و مشکلات زنان است.

در خاتمه نتیجه‌گیری می‌شود به دلیل آنکه امور سیاسی ریشه عمیقی در جامعه دارد و با مصالح و ارزشهای مردم مرتبط است، نیاز مبرمی به مشارکت سیاسی بین اقشار مختلف جامعه احساس می‌شود. دخالت زنان در امور سیاسی موجب ایجاد تعادل در کل جامعه و بیانگر برقراری سیستم دموکراسی در کشور است. زنان به عنوان انسان برسرنوشت خویش به حکم خلیفه الهی حاکمیت داشته و به قول شهید مطهری جمهوری اسلامی بدون مشارکت آنان قابل دوام نخواهد بود.





می‌گردد و بجائی می‌رسد که زن مسلمان عملاً دیگر وجود و حضور خارجی نداشته است. چهره این زن در طول تاریخ آنچنان پنهان است که حتی دیگر نظاره‌گر جریانهای تاریخی نیز نمی‌توانسته باشد. زینب یکی از آخرین چهره‌های اساطیری - آرمانی زن در تاریخ اسلام است که ما بعد از او کمتر شاهد تجلی زنان بعنوان الگوها و شاخصه‌هایی برای الهام‌گیری می‌باشیم. پس نتیجه می‌گیریم که علاوه بر جوهره و ویژگیهای فردی و نیز وجود بستر مناسب تربیتی که به آگاهی و آزاداندیشی افراد می‌انجامد، باید از عامل مهم دیگری که چگونگی شرایط، فضا و اتمسفر زمانه است، یاد کرد که در اجازه دادن به عنصر تانیث برای تجلی و ظهور در تاریخ نقش بسزائی دارد.

بدین ترتیب زینب هنوز از موهبت فضا و بستر مناسب زمانی برخوردار است. او در سالهائی بدنیا آمده، بالیده و شکوفا شده که هنوز مکه و مدینه خاطره برخوردارهای محمد با زنان و نیز تأکیدات مکرر قرآن بر رعایت حقوق انسانی - اجتماعی آنان را در یاد دارد.

در این سرزمینها تا به آن
روز دیده نشده بود که
زنی (آنهم اسیر) چنان
مسلط در کلام و چنان
صریح و بی‌پرده علیه
دستگاه حکومتی سخن
بگوید.

زینب در دوران حیات خود، شاهد بزرگترین رویدادهای تاریخ اسلام است که هر یک باری از تجربه و تأثیر را بر اندیشه و عمل او بر جای می‌گذارد. این آشنائی

بگونه‌ای است که او در بطن این رویدادها غوطه‌ور و شناور است. زینب از آنچنان علم و دانشی در زمان خود بهره‌مند بوده که به عقیده بنی‌هاشم معروف می‌گردد و همانگونه که فرزندان فاطمه نسب از مادر بردند، پسران او نیز بنی‌عقیله لقب گرفتند. در تاریخ ثبت شده است که از مقام بیان روایت و حدیث که از ویژگیهای افراد آگاه و دانشمند و دارای مقام رفیع علمی است برخوردار و در کوفه دارای مجالس درس و تفسیر قرآن بوده است. وقتی به عمق این دانائی و آگاهی بهتر پی می‌بریم که کاربرد استادانه و ماهرانه آیات قرآن را در سخنرانیهایش که در آن شجاعانه به محاکمه حکومت وقت پرداخته، مشاهده می‌کنیم. اما همانگونه که گفته شد، سیمای زینب تا زمان خروج حسین از مدینه به مکه در پس پرده تاریخ نامکشوف باقی می‌ماند. با خروج حسین به قصد کوفه است که زینب از پس پرده تاریک بدر آمده و از مهمترین چهره‌پردازان و صحنه‌گردانان عاشورا می‌گردد.

آری زنی می‌رود و مرد بر جای می‌ماند!
برخلاف انتظاری که جامعه و ستمهای آن از زینب دارند که بماند و نقش همسری و مادری خود را ایفا نماید، او با بر هم ریختن ستمها، رسالت اجتماعی را برمی‌گزیند.

جواز آزادی زینب آگاهی و بینش عمیق همراه با تعهد اجتماعی اوست.

گزینش حسین نه به مثابه پیوند مودتی است که میان خواهر و برادر بسته شده که همراهی با او به نشانه توانائی زنی است که در برابر طوفان حوادث روزگار، از شعور، شخصیت، هدف، اصالت‌های فردی، ایده‌آل و مسئولیت اجتماعی، استقلال اندیشه و مشی حرکتی در زندگانی و نیز آزادی و اراده و اختیار برخوردار است. زنی که برای خود نقشی، وضعی و رسالتی قائل است و حاضر نیست بواسطه سنت‌های اجتماعی و نیز سخته‌های راه عمری را در محدوده بسته خانه و خانواده سپری نماید. و این چنین است که می‌آید و فرزندان را نیز در جامعه‌ای که با باورهای مردسالارانه عجین شده است، با خود به‌مراه می‌آورد تا نظاره‌گر شهادت تمامی خاندانش باشد و سپس خود شهادتی برای شهادت دادن به تاریخ آیندگان گردد.

او در شرایطی که حسین رشته بیعت و همکاری را از گردن همه برداشت، بر جای خود باقی ماند تا در زمان لازم امامت حرکت را بر عهده گرفته و پرچم مبارزه را برافراشته نگاهدارد.

این مغنیه مورخ عرب معتقد است براساس شواهد تاریخی زینب عهده‌دار مقام امامت بوده و سمت هدایت و راهنمائی و تعیین

در عصری از اعصار خاموش تاریخ که آسمان نیز چهره در هم کشیده و زمین به تاریکی گرائیده بود بر سنت دیرینه هستی خورشیدی در دل شب درخشید و پیام‌آوری دیگر از نسل پاکان به اشاعه نوری که خداوند در وجودش به ودیعت نهاده بود، همت گماشت. پیامبری که نور محمد در دل، زبان علی در کام و چراغ حسین در دست داشت. که حسین چراغ هدایت بود و او روشنگر راه حسین. و محمد به حق او را زینب نامید. که نه تنها زینت پدر بلکه زینت تبار خویش باشد و تجسم همه ارزشهائی گردد که در این مکتب و در این مذهب برای زن ترسیم شده است. و وارث رنج بزرگ انسان باشد و بار سنگین امانت و رسالت را بر دوش گیرد. گام به گام دوشادوش حسین! مگر نه آنکه در کانونی بالیده که فاطمه در آن مربی و راهنما و هدایتگر بود؟ زینب و حسین، حسین و زینب، تنها و بی‌کس، با دستهای خالی در روزگاری که وحشت و ظلمت و آهن حاکمیت مطلق دارد، از خانه کوچک فاطمه که از همه تاریخ بزرگتر است، بیرون آمده تا گستاخانه بر سرنوشت شوم و زبوانه خط بطلان کشند. اینان کیانند که چنین خشمگین و مصمم گرداب فشرده طواف مسلمین را می‌شکافتند و بیرون می‌آیند و شهر حرمت و امنیت و قداست را پشت سر می‌گذارند. در این هنگامه که همه رو به سوی کعبه دارند، آنان آهنگ کجا کرده‌اند؟! کجا و چرا؟

کربلا و عاشورا اگر تداعی کننده نام حسین در اذهان و خاطر و باور شیعه است، با نام دیگری نیز قرین است: زینب!

اما چرا در تاریخ اسلام جز در روز عاشورا یاد و ذکر او نیست؟ زیرا که این ویژگی تاریخ ما و همه جهان است که همواره تاریخی مذکر بوده است. تاریخی که در آن همواره مردان ایفاگر تمامی نقشها و وضعها بوده‌اند. در نتیجه در این تاریخ از

بمناسبت بیستمین سالگشت دکتر شریعتی

"زینب"

مهمترین چهره‌پرداز عاشورا

فاطمه گوارانی

تمایز بینشی و جنسیتی میان زنان و مردان بیشتر بچشم می‌خورد. همچنین حضور فعال زنان در آن جامعه غیرمتمدن بسیار آشکارتر و مشخص‌تر می‌باشد. ما خدیجه، فاطمه، عایشه، رفیده و زینب را داریم. خدائی را می‌یابیم که الفت خاصی با زنان داشته و اساساً چند بار با زنان وارد هستی شده و محبت و عشق را بشکل زیبایی در جهان و جامعه شکوفا ساخته است. و انبیای توحیدی که با زنان بسیار انسانی‌تر از پادشاهان، فلاسفه و عرفا و فقها سخن گفته و دوست شده‌اند. اما این دید، یعنی دیدگاه انسانی و برابرطلبانه قرآن و مصلحان نبی بتدریج مغلوب دین رسمی و نیز عینیت مردسالارانه شده است. در نتیجه هر چه از زمان محمد و اسلام اولیه دورتر می‌شویم، دیدگاه انسانی نسبت به زنان و فراهم آوردن بستر مناسب برای حضور آنان در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و رقیق‌تر برابرطلبانه قرآن و مصلحان نبی بتدریج مغلوب دین رسمی و نیز عینیت مردسالارانه شده است. در نتیجه هر چه از زمان محمد و اسلام اولیه دورتر می‌شویم، دیدگاه انسانی نسبت به زنان و فراهم آوردن بستر مناسب برای حضور آنان در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی رقیق‌تر

عوامل مونث چندان خبری نیست. در هر صفحه از بزرگترین کتب تاریخی اسلام و ایران، این مردانند که یا در حال ساختن چیزی و یا در حال نابود کردن آن هستند. تحرک زنان بر محور بیهودگی است. زیرا اساساً دارای نقش خنثی بوده که نه از نظر فرهنگی چیزی بوجود آورده‌اند و نه از نظر تاریخی توانسته نقشی بیابند.

و اما زینب! زندگانی او نیز حدیثی اینگونه بود. ولی او این حدیث را روایتی دگرگونه بخشید.

اگر در تاریخ اسلام تا صحنه عاشورا از او نامی، یادی و ردی نمی‌یابیم، این نه به مثابه آنست که او وجود نداشته است! که اگر وجود و جوهره‌ای نداشت چگونه می‌توانست در عاشورا آفریننده و خالق و بازیگر صحنه باشد؟! اما بنابر همان سنت مردسالارانه همواره تاریخ که فراهم آورنده مناسبات بهتر برای رشد و تعالی و در نتیجه حتی جلوه بیرونی مردان است، لاجرم چهره وی همواره در پشت چهره علی، حسن و حسین پنهان مانده است. تازه این در دورانی از حیات اسلام است که زنان هنوز اندک فرصتی برای تجلی و حضور بیرونی داشته‌اند. زیرا در تاریخ هر چه به صدر اسلام نزدیکتر می‌شویم، عدم

بیست سال رنج و مشقت...

وحید پوراستاد

در تمام آن مراسم تا موقعی که این سطور را می‌نویسم این فکر هرگز رهایم نمی‌کند که حقیقتاً شریعتی چگونه توانسته است حتی بعد از گذشت ۲۰ سال از پرواز ملکوتیش در درون این جوانان دلستانی کند و چگونه است که با وجود این همه سال آنچنان تاثیری در جوانان گذاشته که کمتر روشنفکری در این زمینه موفق بوده است.

این اجتماع یا شکوه که با حضور هزاران تن از مشتاقان شریعتی صورت گرفت خود اعتراض گویایی است نسبت به کسانی که می‌خواهند نام و یاد این تئوریسین بزرگ انقلاب را از ذهنها محو کنند این افراد باید بدانند که بی‌حرمتی و بی‌اعتنایی به او بی‌حرمتی به قشر عظیم جوانان پیرو اوست. اگر رسانه‌های ما بویژه رادیو و تلویزیون کمترین یادی از او نمی‌کنند، بدانند که بر خلاف قانون اساسی کشور که "بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از بر خورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند" نه تنها با چنین اعمالی خدمتی به اشاعه فرهنگ اسلامی و تکامل انقلاب اسلامی نمی‌کند بلکه به نوعی ترویج خصلت... را در پیش می‌گیرد.

آیا شریعتی ضد اسلام بود یا ضد انقلاب اسلامی یا بسیاری از جوانان را به بیراه کشاند که امروز حتی از بردن نام او حتی یک نام خشک و خالی از او ترس و ابا دارند. این آقایان از چه می‌هراسند؟... بسیاری از همین جوانان که اگر با علی(ع) آشنا شده اند، اگر حسین را می‌شناسند، اگر با مبانی اسلام و یاران صدیق پیامبر همچون ابوذر... آشنا شده‌اند اولین بار آنان را از لایه‌لای کتابهای شریعتی یافتند که اینچنین پیرو راه اویند...

نگارنده در اینجا رجاء واثق دارد که علی‌رغم این همه ستیزه‌جوییها و کینه‌توزیها و سیاه‌کاریها و تکفیرها نسبت به شریعتی و مشتاقان او نه تنها این بی‌مهریها نتیجه مثبت ندارد بلکه دقیقاً برعکس نتیجه معکوس خواهد داشت و حقانیت معصومانه این مرد را در نزد جوانان امروز و فردا بیشتر نمایان خواهد کرد. علی‌ای‌الحال امیدواریم که مسئولین امر بویژه مسئولین رادیو و تلویزیون حد اقل برای احترام به خیل عظیم جوانان مشتاق شریعتی جوابی قانع کننده بیاورند.

به امید آنکه خداوند متعال به صابران، ظفر و به غافلان، بصر عنایت کند.



پنجشنبه ۲۹ خرداد ماه ۷۶ سالروز شهادت روشنفکر بزرگ تاریخ انقلاب زنده یاد دکتر علی شریعتی بود. مردی که آمده بود تا به جوانان وطنش چشمانی تازه دهد تا پیرامون خود را به گونه‌ای دیگر ببینند. از اینرو بود که به منظور گرمی داشت یاد و نام او اجتماع عظیم و با شکوهی از جوانان دیروز و امروز در حسینیه ارشاد گردهم آمدند که اگر در نوع خود تگویی بی‌نظیر حد اقل کم‌نظیر بود. در این مراسم میز گردی با شرکت دکتر سروش، مهندس سبحانی، یوسفی اشکوری و مقصود فراستخواه در خصوص "شریعتی و رهیافت روشنفکران امروز برگزار گردید.

اما از نکات قابل توجه این مراسم حضور دکتر پوران شریعت رضوی (همسر زنده یاد شریعتی) بود که شاید بعد از سالها از شهادت دکتر بود که ایشان در جمع دوستداران شریعتی گرد آمدند و در سخنانی کوتاه اما از درونی پر درد حکایت کرد. همسر دکتر گفت: شریعتی جوانی بود که در جوانی احساس پیری می‌کرد. او مردی بود که اندیشه‌اش را فدای من و فرزندان و حتی پدر پیرش که بسیار او را دوست می‌داشت کرد. دکتر شریعت رضوی از بیست سال بی‌مهری و رنج و مشقتی که بر او و خانواده اش گذشته است گفت.

او در ادامه یاد آور شد که با وجود قیمت‌های بالای کتب شریعتی اما همچنان استقبال جوانان از کتب او چشمگیر و کتب او همچنین پرتیراژترین کتب کشور به شمار می‌آید. ایشان در ادامه اظهار داشتند، احساس می‌کنم تمام نعمتها را خداوند به این مرد داد و من افتخار می‌کنم که زن ایشان بودم. دکتر شریعت رضوی در پایان سخنان کوتاه خود گفت: به نظر من علی هیچگاه نمرده است مرده آن است که اسمش را نبرند در حالی که هنوز نام او و یاد او زنده است.

در این مراسم با شکوه همچنین پرده برداری از لوح یاد بود زنده یاد شریعتی توسط همسر دکتر، صورت گرفت.

اما صحنه ای که در این مراسم حقیقتاً برای نگارنده تکان دهنده بود، هنگامی بود که همسر دکتر در ابتدای سخنانش از طرف علی شریعتی از همه جوانان و دوستداران او تشکر کرد و اشک در چشمانش حلقه زد و آنگاه بود که وقتی به اطراف خود می‌نگریستی حق‌گریه دختران و پسرانی را می‌دیدی که درد و رنج همسر و خانواده او را درد و رنج خود می‌دانستند و صادقانه از فقدان معلم خود و بی‌مهریهایی که به خانواده‌اش می‌رود اشک می‌ریختند. صحنه اشک این جوانان برآستی که مات و مبهوت کننده بود.

وظیفه برای سایرین را بر عهده داشته است.^۲ و برآستی نیز چنین است که مسئولیت اجتماعی و نیز هدایت و راهنمایی جامعه فارغ از هر گونه مقوله جنسی است و بار امانت را تمامی انسانها باید بردوش گیرند. زینب به عنوان یک زن ثابت کرد که می‌توان همپای مردان و حتی پیشتر از آنان گام بردارد. ایستادگی و مقاومت نشان داده و در مقابل دشمنان سر فرود نیاورده و پیامبر و امام حرکت گردید. در حالی که در دیدگاه سنتی زینب تنها سوگوار کربلا، سرپرست بازماندگان و پرستار محتضران و حامی اجساد پاره پاره شهید است که باید بر او بر حسین و

فاطمه و علی تنها اشک ریخته و بدانها محبت ورزیده و از آنان شفاعت طلبید. در حالی که تاریخ گواه است که این اشکها و محبتها همه عقیم مانده و چون باران در شوره‌زار، سبزه‌ای در کویر نرویانده است. اما برخلاف دیدگاه سنتی که خاطره زینب نالان و گریان را آنهم تنها از صبح تا شام عاشورا در حافظه دین خود و مردم ثبت نموده است، در روزگاری که تصور می‌شد، کار این نهضت خاتمه یافته، زینب بپاخاست و طعم شکست در پیروزی را در کام دشمن ریخت و خود پیروزمندانه از شکست بیرون آمد.

در تاریخ سه خطابه و سخنرانی به نام زینب در آن هنگامه‌ای که کاروان اسیران را شهر بشهر گردانیده تا در نهایت بنزد خلیفه وقت برده شدند، ثبت شده است. به شهادت تاریخ تسلط و فصاحت و بلاغت ولی در سخن گفتن که نشان از بهره‌مندی او از قدرت و توانایی و دانش و آگاهی از سوئی و نیز شجاعت، تهور و بیباکی از سوی دیگر بگونه‌ای است که حتی دشمن نیز بر آن اعتراف می‌نماید. اینها نخستین سخنرانیهای یک زن در کوفه و شام بوده است. در این سرزمینها تا به آن روز دیده نشده بود که زنی (آنهم اسیر) چنان مسلط در کلام و چنان

صریح و بی‌پرده علیه دستگاه حکومتی سخن بگوید.

وجود نظم و آرایش در کلام، بکار گرفتن ماهرانه آیات قرآن در جای جای سخن برای مستدل کردن آن و انعکاس موقعیت و مقام و اوضاع خود و مخاطبان و نیز پس و پیش کردن ترتیب آیات و حتی تغییر ضمایر آیات و گردانیدن ضمایر آن از صورت غائب به مخاطب^۳ (که خود قالب شکنی و فراتر رفتن زینب را از ظواهر کلام مقدس و پرداختن به محتوا و جوهره در جهت‌گیریهای پیام الهی را نشان می‌دهد) برای آنکه بیشترین تاثیر را بر مخاطبان خود بر جای گذارد. و همچنین بکار گرفتن شواهد و مصادیق تاریخی برای

اثبات کلام از سنجیدگی، درایت، تشخیص، درک و تیزبینی و آگاهی و شناخت عالمانه وی حکایت می‌کند. زینب چون یک سخنران ورزیده، بخوبی میدانند که در آن موقعیت مکانی و زمانی چه و چگونه باید بگوید! در کجا باید برآشوبد، در کجا باید نرم سخن بگوید در کجا باید عقل و منطق را به کار گیرد و حتی در کجا باید اشک بریزد تا بیشترین بهره‌برداری را از موقعیت بوجود آمده، صورت بخشد. او نمایش خود را بوسیله دشمن برای کاملتر کردن لذت پیروزی به صحنه محاکمه حکومت مبدل می‌سازد. در بررسی تاثیرات بوجود آمده از افشاگریهای زینب همین بس که آن را بسان آخرین قطره‌ای دانسته‌اند که یک ظرف پر از آب را لبریز ساخته است.

بسیاری از محققان تاریخی بر این اعتقادند که آتش برخاسته از جوهره پیام نهضت عاشورا در جان بیقرار و ملتهد زینب بود که قیامهای خداموی و شیعی را یکی پس از دیگری شعله‌ور ساخت و جان مایه‌گذازی گردید که توانست پایه‌های نهضت شیعی را بنیانگذاری نماید.

و اما امروز.....!

جامعه امروز ما بیش از هر زمان دیگر با بحران اسطوره و الگو مواجه می‌باشد. باید در برابر این نیاز به شناسائی و بازخوانی چهره‌های اساطیری تاریخی و فرهنگی کشورمان بپردازیم. سنت متحجر همواره از برقراری هرگونه رابطه خلاقانه با اسطوره‌های مذهبی جلوگیری و بر روی سایر چهره‌های اساطیری تاریخ کشورمان نیز مهر ابطال می‌زند. در حالی که نیاز انسان به جاودانگی و ایجاد مقولات جاودانه از جنس اساطیر یک نیاز همیشگی است. وجود این اسطوره‌ها در بازشناسی هویت زن ایرانی می‌تواند بسیار موثر واقع شود، مخصوصاً اگر اسطوره‌های تاریخی و مذهبی از واقعیت عینی نیز برخوردار باشند.

زینب الگوی آرمانیست که تحقق نیز یافته است. باید از آزاداندیشی، استقلال شخصیتی، شهامت، مقاومت، تعهد اجتماعی و آگاهی علمی وی و سایر بزرگان درس گرفته و با نگاهی محتواگرایانه به جوهره و جهت اندیشه و حرکت آنان، در تلاش برای تغییر بینشی جامعه‌مان نسبت به زنان و سپس بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی آنان گام برداشت.



پاورقی:

۱- ر. ک به زینب بانوی قهرمان کربلا، تالیف دکتر بنت‌الشاطی، ص ۵۴، بنت‌الشاطی از زینب تحت عنوان 'مهمین بانوی بنی‌هاشم' یاد می‌کند.

۲- ر. ک به زینب قهرمان، دختر علی (ع)، احمد صادقی اردستانی، ص ۱۰۷-۱۰۸، این کتاب تالیف و برگردانی است از کتاب 'مع بطله کربلا' اثر محمد جواد مغنیه که اردستانی آن را قبلاً تحت عنوان بانوی شجاع زینب کبری چاپ کرده بود.

۳- ر. ک به عاشورا شکست پیروز

مسخ حقایق در جامعه اسلامی بوسیله سردمداران تسنن اموی و عباسی و تشیع صفوی در طول ۶۰۰ سال.

۸- نقد و بررسی شئون اعتقادی و عملی ضروری بین مسلمین از قبیل حج - جهاد - خمس و زکوة و اعمال عبادی و توضیح موشکافانه و ایرادات و اشکالات و انحرافات هر یک از اعمال فوق و ارائه نظریات مصلحانه و حمله بی‌امان و جسورانه به متولیان بی‌صلاحیت دین و عوامل جهل و انحطاط تاریخ اسلام.

۹- طرح مسئله بازگشت به خویش از مهمترین نکاتی است که دکتر شریعتی به آن پرداخته است و قسمت اعظم سخنرانیها و نوشته‌های او بعلت اهمیت فوق‌العاده و حیاتی

که برای آن قائل بوده است به بازگشت بخویش و یا بازگشت به خویشتن خویش اختصاص یافته است.

الحق مرحوم شریعتی انگشت بر مهمترین عامل عقب ماندگی و انحطاط جامعه اسلامی و بویژه جامعه ایران نهاده است. موضوع خودباختگی فرهنگی و پدیده غیرعلمی و انحرافی ساخته و پرداخته دستگاههای تبلیغاتی استعماری برای محو استقلال فکری و زدودن شخصیت انسانی از طریق افکار و شخصتیهای تاریخی آنها و هیچ‌انگاری نسل معاصر که در اثر سرمایه‌گذاریهای هنگفت صد ساله اخیر استعمار در جوامع شرقی و ایران و تقلید میمون وار و مهوع از دست‌آوردهای هموار

نمودن راه برای معرفی خدازشها و الگوهای انحرافی بجای ارزشهای متعالی و انسان ساز و حافظ استقلال فرهنگی و فکری و باصطلاح خود دکتر شریعتی تخلیه فرهنگی و استحاله فکری زیان بارترین عامل برای جامعه و عامل اصلی همه عقب‌ماندگیها و انحطاط ملت‌هاست و دکتر شریعتی به بهترین وجه آنرا تشریح و تبیین نموده است و از این طریق بزرگترین خدمت را به نسل کنونی جامعه ایران نموده است که این خود به تنهایی کافی برای جاودانگی نام و راه شریعتی در همه عصرها و برای همه نسل‌های آینده است.

روانش شاد و یادش گرامی باد

۷۶/۳/۲۱

کتاب

سرگرمی با حفاظت محیط زیست

همراه با مطالب خواندنی، راهنمایی، نقاشی، بازی، معما، و کارهای کاغذ و قیچی

تلفن: ۷۵۳۷۰۲۲

اولین دوره صحافی پیام هاجر

(از شماره ۱ تا ۲۱۸)

موجود می‌باشد. تلفن پخش ۷۵۳۷۰۲۲

آموزشگاه خیاطی موسسه اسلامی زنان ایران

متدگرلاوین و مقدساده

جهت دوره جدید ثبت نام می‌نماید.

خیابان سعدی شمالی، خیابان هدایت، بعد از چهارراه ظهیرالاسلام، پ ۲۶۲ - تلفن ۷۵۳۷۰۲۲

باورهای اسلامی

(در اندیشه دکتر علی شریعتی)

• بدرالملوک امام

۴- معرفی اسلام راستین عاری از خرافه بخصوص در تلقی شیعی آن تحت عنوان تشیع علوی و بررسی ویژگیهای آن و وجوه تمایز آن از تشیع صفوی و معرفی شخصیت‌های مثالی هر دو گروه و نقد جامعه-شناسانه آنها برای اولین بار در تاریخ سیر تحولات ایدئولوژیک اسلام و تشیع.

۵- بررسی عمیق و همه جانبه علل و عواملی که موجبات انحراف اسلام محمدی(ص) و تشیع راستین علوی را در تاریخ ۱۴۰۰ ساله فراهم آورده است.

۶- طرح اسلام انقلابی و ستیزنده با ظلم و جور بخصوص از تلقی شیعی آن تحت عنوان تشیع سرخ علوی برای اولین بار در تاریخ معاصر و معرفی شجاعانه عوامل سیاسی و اجتماعی - عقب ماندگی و انحطاط مسلمانان بدون کمترین ملاحظات مصلحت‌جویانه.

۷- تصفیه و استخراج منابع اصیل و آگاهی‌بخش و رهاننده اسلام از متون اولیه قرآن و حدیث و سیره پیامبر اکرم و ائمه شیعی و طرح عالمانه و متدیک آنها و معرفی الگوهای اعتقادی و عملی شخصیت‌های صدر اسلام و اصحاب بزرگ پیغمبر و ذکر عوامل و موانع و علل عقب‌ماندگی و رکود و جمود و

قله رفیع اسلام و انسانیت را رهنمون گشت و انسانها را از ۳ اقنوم بازدارنده مدارج مذکوره بنامهای زر، زور، تزویر برحذر داشت و عامل انحطاط جوامع را به این سه اصل مربوط دانست و در ضمن یادآوری نمود که:

۱- طرح علمی جامعه‌شناسی، ضرورت دین در جوامع انسانی از بدو بیدایش تفکر و زندگی گروهی انسانها اولیه انسان غیرمتدین نبوده و بطور غریزی همواره نیاز به پرستش را در خود احساس می‌نموده است.

۲- در رابطه با توحید و شرک توحید زیربنای فکری اولیه بشر و شرک عارضه اجتماعی ثانوی بوده است و تقسیم اجتماعات انسانی به طبقات اجتماعی سبب شرک اجتماعی گردیده است و در حقیقت شرک توجیه‌کننده تمایز طبقاتی جوامع انسانی است و از خود اصلتی ندارد.

۳- با توجه به مدلول بند ۲ از نظر شریعتی جوامع بشری که گرفتار اختلاف طبقاتی و عارضه فقر و غنا بین افراد خود هستند هرگز نخواهند توانست از مظاهر شرک و کفر در امان باشند و عدم روابط توحیدی در جامعه نافی توحید در رابطه انسان با خداست.

سیردر اندیشه و افکار زنده یاد دکتر شریعتی و بررسی ابعاد شخصیتی و علمی و اجتماعی و سیاسی او که بخش عمده آن در هزاران صفحه بصورت مجموع آثار ۳۶ جلدی مندرج است عظیم‌تر و پیچیده‌تر از آنست که در چند صفحه و یا چند مقاله نگاشته شود ولی از آنجایی که گرامیداشت شخصیت‌های بزرگ و تاریخ‌ساز و تعظیم و تکریم و معرفی آنها وظیفه کسانی است که به نحوی از انحاء با خط فکری و آثار قلمی آن بزرگان آشنائی و انس و الفت دارند مطرح کنند تا به سهم خود تکلیف شرعی و ملی و اجتماعی معرفی صاحبان علم و اندیشه رابه نسل حاضر و آیندگان ادا نماید.

مرحوم دکتر شریعتی بدون تردید نادرترین شخصیتی است که در تاریخ معاصر اسلام با طرح نظریات بدیع و بکر نوگرایی و پیرایه‌زدائی از عقاید و باورهای اصیل اسلام را وجهه همت خود قرار داده و ارزنده‌ترین خدمات را به نشر اسلام راستین نموده است. وی با طرح و تکیه بر ۳ اصل عرفان، عدالت و آزادی وظیفه اصلی هر انسانی را که میل به رسیدن به توحید فکری و اجتماعی و علمی دارد معین نمود و از این طریق راه رسیدن به

یامبرانه و دید تاریخی و جامعه شناسانه او موجب شد تا دین در عرصه مقولات بسیاری وارد و حیظه‌های بسیاری را در آنها در نوردد و تحول و پویایی شگرفی را در آن وارد نماید. دینی باز و دمکرات و کارا که برای زنده و پویا بودن نیازمند بکارگیری حربه فرم و محتوی بود تا از ماندن در زمان و مکانی خاص بر حذر ماند.

از آنجایی که تلقی‌های مهم شریعتی آرمانی بود، رنسانس ایدئولوژی او هم مسیری آرمانی و متعهد را پذیرا شد. زیرا شریعتی در دوران تاسیس نهضت واقع شده بود و در نتیجه هیچگاه فرصت آنرا نیافت تا به ارائه جزئیات بیشتری از دین ایدئولوژیک که متعلق به دوران استقرار و مطلوب جامعه است، بپردازد.

او این اعتراض و این رسالت را با الهام از آزادی و اختیار انسان در داستان خلقت و با چشم اندازی امیدوارانه و مسئولانه برای تغییر جامعه بر عهده روشنفکران روشنفکر و دردمندی می‌دانست که با باور معناشناسانه از هستی به جامعه و مردم نگاه نمایند و در ضمن توجه به شرایط عینی و ذهنی جامعه - تغییر ذهنی را مقدم بر تغییر عینی آن بدانند. شریعتی بر پایه این باور، در این جامعه برای تحقق اهداف خود جریان روشنفکری را با دین پیوند زده و روشنفکر دینی را تداوم رسالت انبیاء دانست. اما رنسانس مورد نظر شریعتی در زمان خودش و در بعد از وی تحقق نیافت و حتی بر خلاف انتظار، مذهب سنتی بر عرصه قدرت دست یازید.

هر چند که امروزه نشانه‌هایی جدی از

می‌پسندد. پس باید به بررسی و باز خوانی صحیح و منصفانه آراء و اندیشه‌های وی پرداخت، دغدغه‌های روشنفکری چون او را دریافت، شرایط زمانه‌اش را در نظر گرفت به نیاز زمان او راه پیدا کرده و به زبانی و رسالتی که او برای سخن گفتن با مردم (در قالب انواع مخاطبان) برگزیده بود، توجه کرد. به عمق اندیشه بلند او که هم با اندیشه غرب و هم بینش و نگاه شرقی الفت داشته، شناخت پیدا نموده و تلاش او را جهت، نه تکرار تجربه اروپا که تحقق مدرنیته‌ای شرقی در جامعه ایران در نظر گرفت و مانند خود او به مطلق ندانستن و ابدی ندانستن هیچ حقیقتی معتقد گردید. آنگاه به رابطه خلاقانه با میراث او و نیاز زمان پرداخت.

اینکه شریعتی تاکنون

سورانگیزترین عنصر روشنفکری دینی باقی مانده است، نشان از اتمسفری است که او در قلمرو اندیشه و عمل، فراتر از سید جمال و اقبال بوجود آورده و نیاز زمان ما و جامعه ما در این مرحله به عمق بخشیدن اندیشه‌های وی و تداوم آن دارد.

او عمیقاً باور داشت که ایده مذهبی در جهان سوم اساساً قدرت آن را داشته و دارد تا جامعه‌ای را از مسیر نادرست خود جدا و در مسیر دیگری قرار دهد.

اما از ویژگیهای عمده این اندیشه غیرجزمی و باز بودن آن در راستای بکار گرفتن عواملی چون علم و زمان و اجتهاد در کل بیکره اندیشه دینی بود که راه مطلوب نمودن این تلقی‌های آرمانی را باز گذارده است.

شریعتی که عمده‌ترین نیاز جوامع مذهبی جهان سوم را در حل معضل پیشی مردم جامعه می‌دانست تلاش نمود تا با الهام از جوهره اندیشه مذهبی و تبلیغ عقلانیت به حل صحیح مسئله مذهب سنتی، نه پریدن و دور زدن و در نتیجه محصول ناخوش آیند گرفتن از آن، بپردازد.

رویکرد جامعه و مردمان به رنسانس همه جانبه بچشم می‌خورد و طلیعه‌های خوش نواز آن هوینا گردیده است.

در شرایط کنونی نوگرایی دینی از مرحله کودکی به مرحله نوجوانی با می‌گذارد. در این مرحله نیازمند آنست که با دیدی همه جانبه به بررسی آثار فکری - سیاسی و اجتماعی شریعتی و نقش آن در تاریخ معاصر بپردازد. شریعتی خود از نخستین باز خوانان نوگرایی دینی بشمار می‌رود. او بت‌سکنی نبود که خود بت گردد.

باز خوانی این کویری، چیز است که او بیشتر از هر اقدام دیگری در رابطه با خود

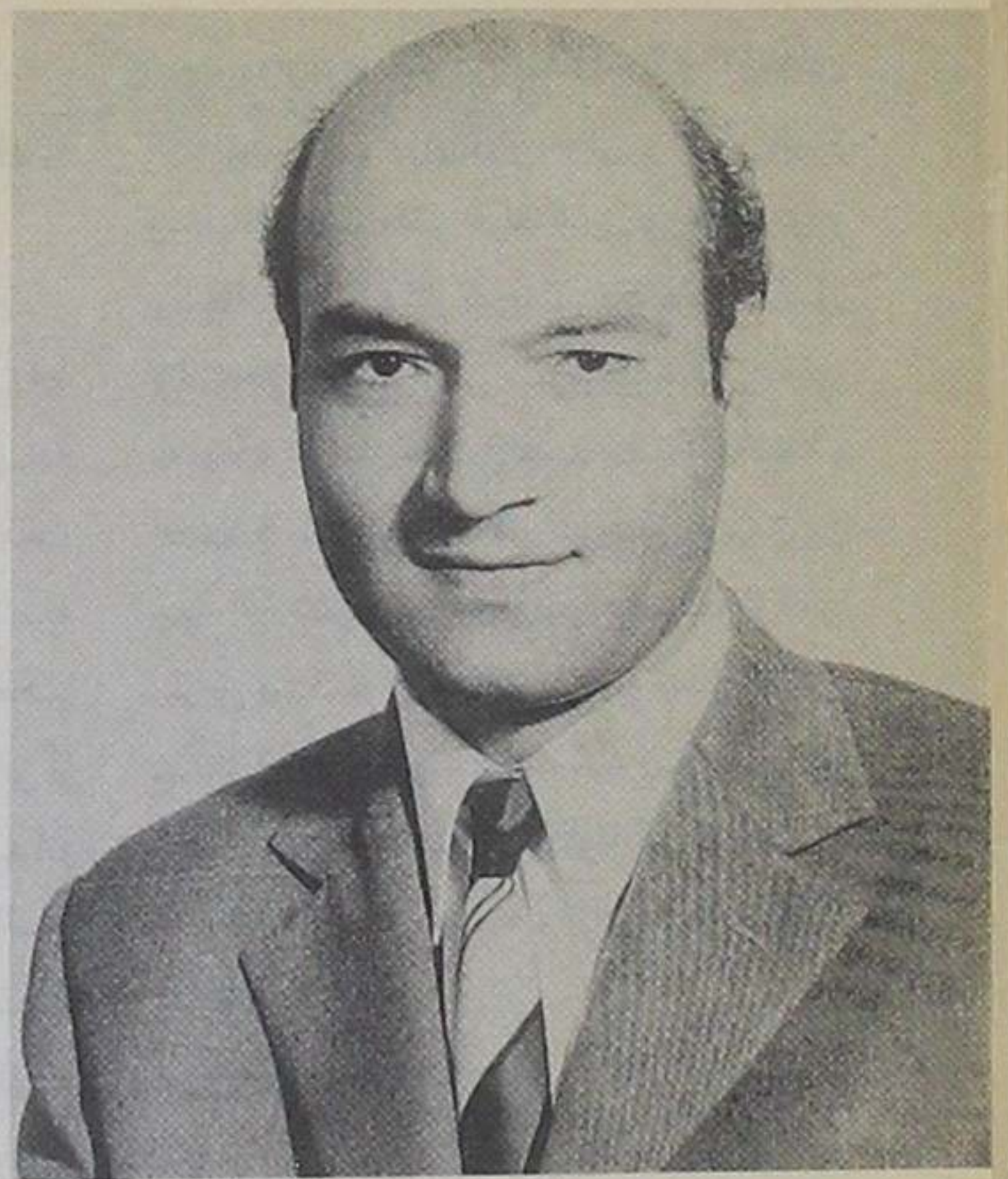
باشد تا روزی که خود به انجان

کسرتدکی از اندیشه و عمل دست یابد، که فضایی دیگر و اتمسفری کمال یافته‌تر از نوگرایان گذشته را در راستای منافع مردم ایجاد نماید.

بدون شک شریعتی خود بر فرازی

از ابدیت بر این حرکت و ان حرکت افرینان، افرین خواهد فرستاد.

۲



"شریعتی در همه زمانه‌ها"

فاطمه گوارانی

جامعه‌ای را از مسیر نادرست خود جدا و در مسیر دیگری قرار دهد.

همانگونه که در گذشته توانسته بود تمدن اسلامی را در دوران طلایی ایرانیان شکوفا نماید.

هم چنین پروتستانیسم اسلامی مورد توجه او متفاوت از پروتستانیسم غربی می‌دانست. زیرا او تحقق مدرنیته و نوزائی و نو اندیشی فکری - فرهنگی شرقی و اسلامی را روندی و راهی مختص همین جوامع می‌دانست. او سرنوشت غرب را نمی‌پذیرفت. اما به الهام گرفتن آگاهانه از آن معتقد بود.

در بعد از طرح رنسانس شرقی و پروتستانیسم شرقی و اسلامی، عرفان، برابری و آزادی را که شعاری کاملتر از ایدئولوژی غالب آن زمان یعنی مارکسیسم بود، عنوان ساخته و با تلفیق خلاقانه آنها در رعایت تناسب شرایط و نیاز جامعه ایران، شور بزرگی که در درون و لایه‌های زیرین آن اندیشه‌ای عمیق وجود داشت را فراهم آورد.

این مسئله لاجرم خود بخود جنگ مذهب علیه مذهب را تداعی و تشدید نمود. زبان

ارائه دیدگاهی نو از مذهب پرداخته و اندیشه مذهبی را وارد مرحله جدیدی ساخت.

او که خود دارای شخصیتی چند بعدی بود، ضمن آشنایی با علوم انسانی در زمانی که جهان را عصر ایدئولوژیها فرا گرفته، با تشخیص عدم کفایت اسلام علمی برای پاسخگویی به نیاز زمان خود، برای موثرتر ساختن اندیشه اسلام در وجهه اجتماعی آن را بصورت ایدئولوژیک درآورد. ایدئولوژی‌ای که ضمن آرمان گرایانه بودن از زیر ساخت اعتقادی شرقی آمیخته با منطق بهره‌مند بوده و در آن آزادی فردی و عرفان شرقی - تضمینی برای آرمان برابری اجتماعی - انسانی بشمار می‌رفت.

شریعتی که خود به مذهب اعتقادی آگاهانه داشته و رویه مثبت آن را نیز با سمت و سوی برابری، آزادی و عرفان برای جامعه‌اش لازم می‌دانست، به طرح شعار پروتستانیسم اسلامی پرداخت تا در راستای به چالش کشیدن مذهب سنتی و سنتهای اجتماعی به تحول فکری مردم جامعه‌اش دست یابد.

او عمیقاً باور داشت که ایده مذهبی در جهان سوم اساساً قدرت آن را داشته و دارد تا

دکتر شریعتی را به جرات می‌توان رادیکال‌ترین، مترقی‌ترین و پرتوان‌ترین متفکر دوران معاصر در جوامع اسلامی مشرق زمین دانست که دارای نقشی منحصر به فرد در بیدارگری اسلامی و انسانی این منطقه از جهان است.

در واقع نوگرایی دینی در بعد از جنگ دوم جهانی با دو چهره در ایران یعنی مرحوم مهندس مهدی بازرگان و شهید دکتر علی شریعتی که هر یک نمایانگر نسلی و دوره‌ای از روند حرکت این جریان می‌باشد مشخص می‌گردد. شریعتی نسل دوم از نوگرایی دینی‌ای بود که می‌رفت تا دوزان کودکی خود را پشت سر گذارد.

تا آنزمان چهره‌های بزرگی به صحنه نوگرایی دینی آمده و بر آن شده بودند تا میان دین و سیاست، دین و علم، دین و مسائل اجتماعی رابطه برقرار نمایند. اما هنوز تا جایی که جنبش اجتماعی با یک پشتوانه فکری و مذهبی وارد عرصه تحولات شود، فاصله زیادی وجود داشت. شریعتی در این شرایط زمانی که جنبش نیاز به نوعی خط فکری، ایده و باور تئوریزه شده داشت، به

حکما با عقل به آن رسیده‌اند. به این دلیل ما کمتر روشنفکری را می‌یابیم که تابع شرایط محیط باشد، آنها معمولاً جوشکن هستند. دکتر در سخنرانیها و کتابهایش پاسخ‌هایی به نسل جوان مذهبی دهه ۳۰ و ۴۰ داد که این پاسخ‌ها چنان بود که در میان جمع شور و نشاط و هیجان ایجاد کرد و این نشان می‌دهد پاسخ‌ها با نیازها انطباق داشتند و باعث آزاد شدن انرژی شده است و این هنر شریعتی بود.

و حال ما باید چه کنیم؟ باید در راه تطبیق خود با او برای حقیقت (انها جزئی از حقیقت هستند) قدم برداریم. اگر فکر کنیم با آنچه شریعتی در اختیار ما گذاشته است می‌توانیم به حقیقت برسیم، اشتباه کرده‌ایم چرا که حقیقت در راه خود در حرکت است و ما همیشه دور از حقیقت هستیم.

ب) دکتر سروش:

شریعتی برای ما میراث بزرگی از روشنفکری دینی را بر جای گذاشت. به همین دلیل ما در جامعه دوشادوش واپسنگری روشنفکری نیز داریم ما در واقع بر سر سفره او نشسته‌ایم.

روشنفکر فرزند دوران مدرن است. آنچه در دوران ماقبل مدرن وجود داشته حکما و علما هستند که به کار ارشاد مردم مشغول بودند. دوران ماقبل مدرن بطور کلی واجد دو خصیصه است:

۱- تک منبعی است (دین)

۲- معرفت درجه اول، فقط وجود دارند

(هنوز معرفت‌های درجه دوم زاده نشده‌اند)

در اروپا روشنفکران عموماً غیردینی بوده‌اند و وجود آنها بدلیل پر کردن جای علمای دین بوده است. از این جهت در جامعه ما این سؤال مطرح است که آیا روشنفکر دینی نیز می‌توان داشت؟ یا اینکه روشنفکر همیشه در مقام معارضة با دین است.

روشنفکر دینی بر دین نظر می‌کند و از منابع متعدد نیز استفاده می‌کند و از ارتفای بردین می‌نگرد که این کاری را انجام می‌دهد که علمای سنتی نمی‌توانند آنرا انجام دهند.

اقبال در نظر شریعتی یک روشنفکر دینی بود. برای اینکه قدری از شریعتی فراتر رویم نکاتی راجع به روشنفکری می‌گوییم:

۱- من در نوشته‌های خود حافظ را یک روشنفکر می‌دانم چرا که حافظ بر روی زمین می‌زیست و نسبت به مسائل زمان خود حساسیت داشت.

۲- کسی چون غزالی را روشنفکر می‌دانم چرا که او راز دانی و دریدن پرده غفلت عمومی (تیز بینی) یک روشنفکر را داراست.

بنابراین علاوه برآنکه در روشنفکری علم هست روشنگری نیز هست. من بر همه آنها عنصر معاصر بودن را نیز می‌افزایم. شریعتی نیز می‌گوید روشنفکر باید آگاه به زمان باشد.

پ) یوسفی اشکوری:

اگر بخواهیم شریعتی را با یک صفت معرفی کنیم، آن روشنفکری است. او معلم، عارف، نویسنده، آشنا با تاریخ، آشنا با جامعه‌شناسی، آشنا با مکاتب و محقق بود. اما همه آنها در روشنفکری بکار گرفته می‌شد.

توصیف روشنفکران از دیدگاه شریعتی:

روشنفکری نوعی پیامبری پس از خاتمیت است. روشنفکر مبعوث است که... از نظر شریعتی روشنفکر:

۱- دارای فکری روشن است (کسی که ذهن آگاه، نه پر از معلومات دارد فردی خود آگاه است)

۲- آگاه کننده است (اقبال در ارتباط تفاوت پیامبر و صوفی می‌گوید: تو به معراج می‌روی تا خود را نجات دهی، اما پیامبر از معراج می‌آید تا پرده‌های جلو چشم مردم را کنار بزند.)

۳- نقاد است (او از وضع موجود و در نتیجه از سنتها انتقاد می‌کند) شاید هم مدرنیستها

۴- چشم انداز کلی در پیش چشم مردم رسم می‌کند.

۵- او جهانی می‌اندیشید اما بومی عمل می‌کند. (نکته‌ای زیبا و مهم) شریعتی در برابر مدرنیست و سنت از سه موضع عمل می‌کند.

۶- اگر روشنفکر تخصص دارد، در آن زمینه بهتر نظریه پردازی می‌کند.

۷- فراهم آوردن بسترهای لازم جهت تحقق ارزشها.

سؤال از مهندس سبحانی:

شما روشنفکر را پیش‌تاز معرفی کردید و همچنین روشنفکر باید آسیب‌شناسی و درمان‌شناسی اجتماعی بکند مایه‌ها و عناصری در آثار شریعتی مشاهده می‌شود که استعداد بدفهمی و... در آن دیده می‌شود، او در تحسین اثر خود احیای دین را بعنوان مکتب... آیا این مقدار انتظار از دین آرمانخواهانه و گزاف نیست؟ (ممکن است دین سایه‌انداز بر عقل و برنامه‌ریزی و...)

خلاصه پاسخ: نظریات شریعتی در عصر خود بسیار جالب و کارساز بوده است اما ممکن است اکنون که بستر جامعه با آن زمان تفاوت می‌کند موجب افراط شود، اگر شریعتی خود زنده می‌بود در این زمان چنین مشکلی پیش نمی‌آمد بهر حال برای دستیابی به حقیقت تنها آثار و افکار شریعتی کافی نیست.

دفاعیات آقای یوسفی اشکوری از شریعتی:

شریعتی... شریعتی... شریعتی... اما اگر امروز شریعتی قامتش اینقدر بلند است دلیلش این است که روی دوش افرادی چون بازرگان و طالقانی ایستاده است.



بیستمین سالگشت

دکتر علی شریعتی

خلاصه‌ای از مطالب ارائه شده در حسینیه ارشاد ۷۶/۳/۲۹

تنظیم از: مریم اصالت

۱- مقاله:

در جاری کوچه‌ای باریک... لحظه‌های دم فرو بردن را می‌گذرانیدیم. گاه... در ظلمانی همه شبهایی که مسیح بر دار می‌رفت... بوی عشق گوئیا پیچید... قامتی به بلندی ابدیت... و دستهایی ن والقلم... راه را بر... می پیمود و پاها تاول زده از... همراه با او تماشائی شدیم...

در همان کوچه تاریک... رهگذری که با ما بود چون مسیح مصلوب و چون منصور بردار عروج کرد و ما تنها ماندیم...

۲- برگزیده‌ای از نوار سخنرانی دکتر علی شریعتی

۳- مقاله‌ای از پروفسور مقصود جعفری پروفسور پاکستانی (ترجمه شده):

دکتر علی شریعتی منادی نوزایی اسلام است. به نظر من دکتر شریعتی یک اندیشمند ترقی خواه مدرن و علمی بود و حال او نه یک دانشمند غرب زده و نه یک... شریعتی تشیع را به دو قسمت تقسیم می‌کند: تشیع سرخ (علوی) و تشیع سیاه (صفوی) شریعتی تشیع سیاه را که آیین عزا،

یک رویکرد بدبینانه است رد می‌کند. او به یاری ستم‌دیدگان می‌شتابد و فرهنگ نخبگان را به مبارزه می‌طلبد (اگر ما جباریت را تایید می‌کنیم بدلیل آنست که خود را فراموش کرده‌ایم)

او وحدت را در کثرت و کثرت را در وحدت می‌بیند. او معتقد بود آدمی نباید چون زهنگی در دریا و نه چون قورباغه ای در برکه زندگی کند. او شهامت اخلاقی آنرا دارد که جوامع واپس‌نگر، حزبی و خودکامه شرقی را نفی کند.

اقبال به دنیا گفت اسلام دین صلح و عشق است اما علیه تجاوز و تعدی بر می‌آشوبد. شریعتی نیز چنین بود هر دولت مسلمان باید بصورت یک دمکراسی محلی و یک دولت مقتدر مستقل درآید.

اسلام مبانی جاودانه و مطلق را نهاده اما بقیه را به ما سپرده. شریعتی راهی را که پیشینیان او انتخاب نکرده بودند، برگزید که این راه پر از پیچ و خم و سختی بود. اقبال می‌گوید: اسلام دین کتاب، ترازو و آهن است. کتاب به معنای آئین، ترازو به معنای عدل و آهن به معنای استواری است.

شریعتی عقیده دارد برای رسیدن به انقلاب از مذهب تفرقه‌آمیز باید دوری شود در یک کلام دکتر شریعتی پیشتاز و منادی تفسیر نوین از اسلام است.

۴- میز گرد (درواقع گفتگو با شریعتی)

موضوع: شریعتی و ره‌یافت روشنفکران امروزی

الف) مهندس سبحانی: ابتدا تعریف خودم را از روشنفکر بیان می‌کنم. گفته‌اند که تفاوت روشنفکر با غیرروشنفکر در اینست که او به مسائلی فراتر از مسائل روزمره می‌اندیشد. البته این یکی از تفاوت‌های روشنفکر است، روشنفکر را روی تجربه معرفی می‌کنم. تفاوت روشنفکران با حکما و فلاسفه این بود که آنها بیشتر از الهام گرفتن از محیط از افکار خود الهام می‌گیرند. کمتر خود را اسیر مقولات منطقی می‌کنند و از ناخود آگاه خود پیام می‌گیرند.

روشنفکری درجات مختلفی دارد: انسانها بیشتر با ناخودآگاه خود زندگی می‌کنند و هر قدر این ناخودآگاه فعالتر باشد و ارتباط آن با حقیقت بیشتر باشد...

با این ویژگیها روشنفکران همیشه پیشتاز هستند آنچه روشنفکران قبلاً گفته‌اند امروزه

بسوی خدا می‌رویم

بسوی خدا می‌رویم* عنوان کتابی است بقلم مرحوم آیتا... طالقانی که پس از بازگشت از سفر حج در سال ۱۳۳۱ برشته تحریر درآمده. این نشریه سعی در چاپ فرازهایی از آنرا دارد تا با مشکلات سفر انزمان آشنا شویم و بدانیم برای سفر حج چه مشکلات و مشقاتی را تحمل می‌نمودند. البته در حال حاضر مثلاً حج همین امسال (فروردین سال ۷۶) برای حجاج مشکلاتی بوده بخصوص برای حجاج ایرانی اتفاقاتی مانند آتش‌سوزی که موجب کشته و مجروح شدن تعدادی شد. با توجه به تعداد حجاج که هر ساله اضافه می‌گردد. شاید وقت آن رسیده باشد که فقها خود شخصاً در سفر شرکت کرده و با در نظر گرفتن اینکه در ده سال آینده تعداد حجاج به دو برابر خواهد رسید دستوراتی عملی صادر گردد.

صحنه هائی - از قبیل یک بسته بسته و گز در دست بعضی از حجاج ایرانی جهت گردش و هجوم بعضی دیگر به فروشگاهها که عمدتاً کالاهای کشورهای غربی است و تشویق روحانیون کاروانها در صواب بردن سوقات و تکلیف نمودن حجاج در هنگام سفر به همراه داشتن پتو و لوازمات خواب استراحت از سوی کاروانها که در آنجا باسانی مهیا خواهد بود از مطالبی است که باید مسئولین در آن بازنگری نمود و چهره بهتری از حجاج ایرانی در این مراسم مطرح نمایند.

بسم الله الرحمن الرحيم

رنج سفر اساتر و نتایج آن بیشتر خواهد بود، اینک چند آیه از زبان موسس و صاحب حکیم آن، آنگاه چند جمله از زبان وارثین و متولیان آن بشنوید:

سپاس خداوندی را که خانه خود را رمز هدایت بحق و وسیله طهارت از آرایش، و مرکز ظهور وحدت ایمان، و نمونه صلح و امنیت مردم جهان، قرار دارد.

۱- ان اول بیت وضع للناس للذی بیکنه مبارکاً و هدی للعالمین،

درود بی‌پایان بر نخستین پایه‌گذار مدرسه عالی توحید ابراهیم خلیل و آخرین مدرس و مکمل آن، محمد مصطفی و اهل بیت و اصحاب طاهرین او باد.

۲- فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله کان آمناً.

همسفران عزیز، ما بسوی خدا می‌رویم،

۳- و لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً.

برای پیمودن این راه و رسیدن بقرب حق هر اختلافی را کنار گذارده با هم هماهنگ شده‌ایم، همه علاقه‌های زندگی را بریده و رنج سفر را هموار نموده و خطرهای آن را نادیده گرفته‌ایم، نخستین محرک ما اداء تکلیف و انجام واجب است ولی از آغاز حرکت هر چه پیش می‌رویم در ضمیر و باطن خود انقلاب و تحول بیشتری احساس می‌نمائیم، بطور یقین چون باستانه مقصود نزدیک شدیم و عظمت قرب را یافتیم، در میان کشمکش جاذبه‌های گوناگون و در خلال مشقت‌ها و انجام مناسک برقهائی از ایمان و توحید خواهیم دید و چیزهائی می‌فهمیم و ادراک می‌کنیم که اندکی گفتنی است و بسیاری از آنرا قدرت و زبان تعبیر نداریم. پیش از حرکت هر چه باسناد این ساختمان و مقصود بانی آن بیشتر آشنا شویم

۴- و من کفر فان الله غنی عن العالمین - آیه ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ سوره آل عمران

۱- نخستین خانه‌ای که برای عموم مردم پایه گذاری شده همان خانه‌ایست که در مکه قرارداد سرچشمه برکت و چراغ هدایت جهانیان است.

تکلیف و انجام واجب است ولی از آغاز حرکت هر چه پیش می‌رویم در ضمیر و باطن خود انقلاب و تحول بیشتری احساس می‌نمائیم، بطور یقین چون باستانه مقصود نزدیک شدیم و عظمت قرب را یافتیم، در میان کشمکش جاذبه‌های گوناگون و در خلال مشقت‌ها و انجام مناسک برقهائی از ایمان و توحید خواهیم دید و چیزهائی می‌فهمیم و ادراک می‌کنیم که اندکی گفتنی است و بسیاری از آنرا قدرت و زبان تعبیر نداریم. پیش از حرکت هر چه باسناد این ساختمان و مقصود بانی آن بیشتر آشنا شویم

۲- در آن نشانه‌های درخشان و مقام ابراهیم است و هر کس در حریم آن وارد شود در امنیت است.

۳- برای خداست بر مردم حج آن خانه، این وظیفه واجب است بر کسی که استطاعت پیمودن راه و رساندن خود بان را داشته باشد.

۴- و کسانی که رو گردانند و کفر بورزند بدانند که خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

مراسم یادبود

دکتر علی شریعتی

به مناسبت بیستمین سالگشت هجرت و شهادت معلم شهید دکتر علی شریعتی مراسم متعدد و مختلفی از سوی دوستداران و علاقه‌مندان اندیشه‌های وی در ماه‌های اردیبهشت، خرداد و تیر در سراسر ایران برگزار گردید.

با هم گزارشی کوتاه را از چگونگی برگزاری برخی از این مراسم یادبود که امسال از حال و فضائی دیگرگونه نسبت به سالهای قبل برخوردار بود، می‌خوانیم:

هم‌چنین در تهران به همین مناسبت از سوی دفتر پژوهش‌های فرهنگی دکتر علی شریعتی بسرپرستی آقای یوسفی اشکوری (که امسال اعلام موجودیت نمود) مراسمی در روزهای ۲۳ و ۲۴ خرداد در کتابخانه حسینیه ارشاد برگزار گردید.

در مراسم روز ۲۳ خرداد، داستان با هم و بی‌هم توسط خانم فریبا غفاری اجرا و سپس میزگردی با عنوان شریعتی و سنت و مدرنیته با حضور آقایان علیرضا علوی‌تبار، غنی‌نژاد و یوسفی اشکوری تشکیل شد. در روز ۲۴ خرداد در همان محل، مراسم با پیام احسان شریعتی فرزند معلم شهید به دفتر پژوهش‌ها به مناسبت بیستمین سالگرد شریعتی آغاز و سپس خلاصه‌هائی از ترجمه کتاب 'پیامبر' خلیل جبران توسط آقای دکتر مجید شریف ارائه شد. به دنبال آن مقاله شریعتی و زن، روایتگری یا بازخوانی؟! توسط خانم فاطمه گوارانی خوانده شده و مقاله 'قاب عکس غبار گرفته' توسط آقای اسماعیل کوهی کار و سپس آقای تقی رحمانی پیرامون چرا شریعتی؟ (اهداف و سنت تفکر و تولید نظریه وی) به سخنرانی پرداختند. همچنین در این دو روز آقای حسن زرافشان قطعاتی ادبی درباره دکتر شریعتی خواندند و آقای چگینی نیز اشعار و قطعات ادبی را با نوای دلنشین 'نی' همراهی نمود.

در روز ۲۹ خرداد نیز مراسم باشکوهی به دعوت بزرگان عرصه تفکر و اندیشه و سیاست برای یادبود بیستمین سالگرد شهادت شریعتی در تالار حسینیه برگزار گردید. در این مراسم که با حضور چند هزار نفری از علاقه‌مندان شریعتی از اقصاء نقاط کشور همراه بود، در ابتدا مقاله یاد توسط خانم ناهید توسلی اجرا و بدنبال آن مقاله ارسالی پروفسور مقصود جعفری اندیشمند پاکستانی که توسط آقای دکتر مجید شریف ترجمه و تلخیص شده بود، قرائت گردید. آنگاه میزگردی با شرکت آقایان مهندس عزت‌الله سبحانی، دکتر عبدالکریم سروش و

یوسفی اشکوری پیرامون 'شریعتی و رهیافت امروز' روشنفکران تشکیل شد. و همچنین سخنرانی و پرده‌برداری از لوح یادبود بیستمین سالگشت شهادت دکتر علی شریعتی بر مزار در 'قربت' وی در کنار تالار حسینیه ارشاد، توسط خانم دکتر پوران شریعت رضوی همسر دکتر علی شریعتی ایراد شد.

در روز ۳۰ خرداد مراسم یادبودی در تبریز برپا گردید. و آقای مجید محمدی تحت عنوان نوگرایی و جامعه مدنی و آقای رضا علیجانی مقاله‌ای با نام 'شریعتی و تغییر گفتمان زمان' سخنرانی نمودند.

در مشهد مراسمی به مناسبت سالگشت دکتر علی شریعتی در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد با سخنرانی آقایان علوی‌تبار، حجت‌الاسلام کدیور و دکتر حسین رزمجو و یوسفی اشکوری تشکیل گردید.

و در اصفهان ۲۹ و ۳۰ خرداد مراسمی به همین مناسبت تشکیل شد که در روز اول آقای دکتر محمدمهدی جعفری و میزگردی با آقایان دکتر جعفری، دکتر صلواتی، مهندس محمدعلی نجفی سخنرانی نمودند. و روز دوم ممانعت از برگزاری مراسم توسط افراد حزب‌الله و سپس استانداری و نیروهای انتظامی (که می‌گویند از تهران به دستور وزارت کشور مراسم برگزار نمی‌شود) بعمل آمد. و مردم تا ساعت ۹ شب در محل می‌مانند و طوماری نیز در اعتراض به تعطیلی مراسم امضا می‌کنند. سپس مراسم در حسینیه احسان برگزار گردید.

از سوی موسسه اسلامی زنان بسرپرستی خانم اعظم طالقانی نیز در تاریخ ۷۶/۴/۱ مراسمی به همین مناسبت در محل دفتر جامعه زنان برگزار شد.

در این مراسم که با سخنان خانم طالقانی آغاز گردید. خانم دانشور قطعه‌ای منثور در رثای معلم شهید همراه با نوای نی هنرمندانه آقای اسحاق چگینی اجرا و سپس میزگردی پیرامون برخی از آراء و اندیشه‌های دکتر شریعتی تشکیل شد. در این میزگرد خانمها آذرافزا پیرامون چه باید کرد. خانم بختیاری پیرامون هنر از دیدگاه شریعتی و خانم فاطمه گوارانی درباره بازخوانی شریعتی از مقوله زن سخنرانی را عنوان نمودند.



بنام خداوند جان و خرد

جامعه زنان انقلاب اسلامی

خانم‌های ارجمند، خواهران گرامی

با سلام و درودهای فراوان،

کوه صبر و دریای محبت

ای گل خندان نوشکفته نگهدار

خاطر بلبل، که نو بهار نماند

عاقبت از ما غبار ماند زنهار

تا ز تو بر خاطری غبار نماند

سعدی

فرازهایی کوتاه‌انگونه به قلم می‌آید که فرشته‌ای با پیراهن سفید و موهای سیاه در سیزده سالگی از خانه پدر به خانه شوهر می‌آید و فرزانه‌ای در هفتاد و یکسال و نیمه با پوشش سفید و موهای سفید از خانه شوهر به جوار حضرت حق می‌پیوندد. در چهارده سالگی اولین فرزند را می‌آورد و بهمان شیوه دیرینه و فرهنگ ایران زمین مقام مقدس مادری را برمی‌گزیند و مدیریت داخلی زندگی را بر دوش می‌دارد و به تدارک زندگی و پرورش پنج پسر و دو دختر همت می‌گمارد.

پدیده اول ذهنی او یک هدف را بیار می‌آورد که بهر صورت باید با مشکلات زندگی پنجه بیاویزد و نرمش کند. با این تفکر که کدام زندگی مشکل ندارد؟ و چه کسی باید مشکل را آسان کند؟ پس همت را معطوف این مهم می‌گرداند. در زمانی که شوهر به سبب درگیریهای ناشی از روزنامه‌نگاری و مشکلات سیاسی خویش و پدرش، سامانی نداشت و در نهایت تنگنای گذران روز واقع می‌شود، این شیر زن آزاده، همه بار را بدوش می‌گیرد، روزها به تدارک و تربیت و پذیرش فرزندان

خردسالش و شب هنگام که کودکانش را به خواب می‌دهد فارغ از دید آنها به کارهای دوزندگی و هنرهای دستی به تدارک و امکان پوشش زندگی در برابر هزینه، همت می‌ورزد. با آنکه پرورش از مکتب بسیاری برخوردار و او آخرین نازپرورده دامان پدر و مادر بود. ولی یک اندیشه

آگهی یادمان شما، و بزرگداشت مبارز نستوه آیت الله سید محمود طالقانی را در روزنامه‌ای از وطن، که در غربت غرب بدستم رسید خواندم و هر چند که پس از زمان برگزاری آن مراسم بود ولی به قضای آن دین و ادای وظیفه خود را در آنجا پیدا کردم و با شما همصدا و همیاد آن بزرگوار شدم. من که با آن مرد، سه بار هم بندزندان، و در بسیاری از فریادها، همراه و هم‌آواز او بودم و از محضرتش چه در نشست‌های بسیار و چه بسیاری دیگر که در زندان به قدم زدن و مصاحبت بودیم و می‌آموختم، باز هم، آن همدوشیها را بیاد آوردم و در رثای آن بزرگوار، اشک احساس ریختم. خدایش بیامرزد و درود و ادای احترام را بپذیرد. بر قدرشناسی شما از آن مبارز شجاع، ارج می‌نهم و از رهگذر اندیشه‌های او، یادوارهای از مادرم و فریاد نامه‌ای از خود را تقدیمتان می‌دارم. بدان امید که شما و آنهایی که سری پرشور از احساس انقلابی و احساس مادر بودن را دارند این دو نامه را با آرامش خیال بخوانند و بر آنها، اندیشه ژرف بدارند. بار دیگر با آرزوهای همه نیکی‌ها برای شما و هم‌میهنان ارجمندم و سربلندی ایران، اگر در این دیار می‌توانم یاریتان کنم، بگوئید.

خداحافظ

مهندس مهدی مقدس زاده

پاریس، ۷۵/۸/۱۲

این سیاره زمین که امروز ما فرزندان آدم در آغوش گرم و پر محبت آن قرار گرفته‌ایم و از سرچشمه‌های نعمت و ثروت بی‌پایان آن که در کوه و دشت و اعماق دریا و خلال هوا موجود است بهره‌مندیم، روزگارها بر وی گذشت و حوادثی بر سرش آمد و مراحل را پیمود و دورانهای طوفانی را طی کرد تا بساط زندگی در آن گسترده شد و آماده پذیرائی انسان گردید، پیش از آنکه انسان بر بساط زمین قدم نهد سالهای دراز زمین فقط بسبزه و گل آراسته بود آنگاه حیوانات با اندامها و شکلهای مختلف در آن پدید آمدند، پس از آن آدمی با قدی راست و فکری جوال و آرزوهای نامحدود در زمین ظاهر شد، سالها بر آدمی گذشت که هر فرد و دسته‌ای بتصرف زمین و توسعه قدرت خود و محدود

نمودن دیگران سرگرم شدند و از آغاز و انجام خود و زمینی که در آن مسکن گزیده و جهانی که بر وی احاطه نموده غافل بودند، از افراد اجتماعات کوچک و از آن اجتماعات بزرگ تشکیل شد، در میان ملل صاحبان فکر و نظر ظاهر شدند در هر موضوعی از مسائل زندگی آرائی گرفتند و آرای بیاطل نمودند، آخرین رای برگزیده درباره آسمان و زمین این شد که افلاک با ستارگان ثابت و سیار خود به دور زمین می‌گردند و زمین مرکز ساکن و هسته عالم است، چون چنین است همیشه بوده و خواهد بود نه تحولاتی بر اصل او وارد شده و نه تغییری در وضع کلی آن خواهد روی داد، مخلوقیست ابداعی و موجودیست ازلی و ابدی.

آیات وحی که در بیابان حجاز بر روح پاک

پیمبر عربی تایید و از زبان او بصورت آیات قرآن بر مردم تلاوت شد از هر جهت اندیشه مردمی را از محدودیت نجات داد و عقل‌هایی را بحرکت آورد و چشم انداز انسان را باز نمود، از جمله با بیانات رسا و اشارات لطیف از آغاز و انجام زمین و آسمان و تحولات آن یاد آوری نموده.

در سوره نازعات پس از اشاره بدورانهای گذشته زمین میگوید: "والارض بعد ذالک دحاها" بعد از این مراحل زمین را گسترده و آماده زیست نمود.

در سوره شمس می‌گوید: "والارض و ما طحاها" سوگند بزمین و آن قدرت و نیروئی که آنرا پرتاب کرده و دور گرداند و منبسط نمود، درالمنجد می‌گوید: طحا الشیئی - بسطه، مده، دفعه، بالکره رمی به.



ادامه دارد

تولید و فروش

پوشاک (زنانه - مردانه و بچه‌گانه)

موسسه اسلامی زنان ایران

تلفن: ۷۵۳۷۰۲۲

تعاونی

"چند منظوره"

خدمات زنان

عضو می‌پذیرد

تلفن تماس

۷۵۳۷۰۲۲

محدوده ملموس زندگی رسید و زندگی جاوید را آنجایی می دانست که همیشه توشه سفر آنرا بسته بود.

من هماندم که وضو ساختم از چشمه عشق

چار تکبیر زدم یکسره بر هر چه که هست

حافظ

این بانوی بزرگ فرزانه و نماد برجسته آزادی، برای انسان بودن ابعادی را قائل بود و به همه برگزیده‌های این نام، پای بندی نداشت و ابعاد آنرا ملموس تفکر و اندیشه و کردار خویش داشت. او پیرو اسلام حاکم فرموده!! نبود و نه به اسلام ناب! و نه به اسلام نایاب! توجهی نداشت او اسلام قرآن را پذیرفته بود. او شناخت خدایش را با *أرحم الراحمین* آغاز می داشت و *قاصم الجبارین* را به سرفصلی دیگر سپرده بود. و هر چند که با تنی رنجور و خسته از راه پرنشیب و فراز زندگی و اندوه فراق فرزندان و تیرگی دودآلود فضای وطنش، درد حسرت آزادی را همیشه بدل داشت، ولی آنگونه رضایتی هم در اندیشه داشت که آنچه در توان داشت به همت گذاشت و رضایت خاطر را در این باب آوازه ذهن خویش داشت و مخلصانه شاکر خدایش بود و بهمین سبب با آرامشی به آرامش پهنه بی کران افلاک و اقیانوس فضای خدایی، دل به مشیت الهی داد و در پس سفری دیگر به غربتکده جایگاه فرزندان خویش و دیدار فرزند آخرین فرزندش، شکر الهی داشت و با تبسمی حاکی از پذیرش دعوت حضرت حق و جرعه‌ای آب تربت جان را به جان آفرین تسلیم کرد. او که دارای طبعی لطیف و بیانی شعرگونه بود و به خواجه شیراز ارادتی بسیار، این بار وصف حال خویش را به زبان فراز خویش چنان اشارتی داشت.

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم

ای بی خیر ز لذت شرب مدام ما

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

و بدانگونه که آرزوی دیرینه داشت در مزار و آغوش مادر خویش خسید و در پی فراق چهل و سه ساله، باری دیگر به دامان پر مهر و محبت مام خویش، نازنین بیکر خویش را سپرد. و همه چیز آنگونه

سیری شد که خواست اندیشه او بود و به وصیت آمده بود. افسانه حیاتش آنگونه و حماسه مماتش اینگونه بود که وقتی شوهر- بر بالین جان رها کرد او آمد، خمیده بود. او به شیوه حیای جای گرفته در فرهنگ دیرینه خویش، هرگز در برابر فرزندان، بر چهره بانویش بوسه نداشته بود ولی این بار، خمیده از بار اندوه گران، باز هم خمید و بر چهره آرام و به خواب رفته گرامی همسر فرزانه‌اش بوسه حسرت و جدایی را گذاشت. آنچنان که دیگر توانی برای برخاستن نداشت و با شتاب به یاری او بود که باز هم برخاست ولی خمیده برخاست و به پهنای چهره‌اش اشک می ریخت و در حسرت قریب به شصت سال زندگی مشترک و در حسرت آنچه گذشت با اسود و اشک و با دستی لرزان قرآن را باز کرد و با صدایی لرزان تر و به سنگینی کوه فراق، کلام خدایی را بنام خداوند بخشنده مهربان آغاز کرد: *بسم الله الرحمن الرحیم، بیس، یا سید المرسلین، والقراں الحکیم، انک لمن المرسلین...* و در پی این خلوت آخرین و پرواز بسوی وطن و دیدار عزیزان و وداع واپسین، این بار با هدیه‌ای از انگشتری تربت بر انگشتان نازنین همسر فرزانه و آخرین بوسه‌های عزیزانش بر چهره مطهر و پاک صورت و پاک سیرت و پاک طینت و نیکو تربت او و در میان بهمت و درد و اندوه آنجا که ماندند، و در پس یک همزیستی نیک، اعانت خدایی، به خاک خدا سپرده شد وداعی جان فرسا و موزی پرگداز بر بیکر شوی خویش و فرزندان و دل سوختگان، به جاویدی حیات بر جای گذاشت و دل هم اندوه‌ها به آتشی جاوید سپرده شد و او به هلهله فرشتگان خدایی به جمع فانوسهای رفیع مغربان آسمانهای خدایش پیوست و خاطره‌اش حورشید خطبه خوان خانه حموشان شد.

روحش شاد و یادش را به خیر و گرامی باد.

ای مادر، ای برترین افسانه خدا و ای زیباترین نام خدا، خداحافظ و باز هم خداحافظ و هزاران دریای اشک حسرت مان بدرقه راحت، باز هم و باز هم خداحافظ..... خدا... حافظ..... که سوز فراقش نه ان می کند که بتوان گفت.

خداحافظ

بسیار برتری را در ذهن داشت که حفظ ابروی سنتی خانواده آموخته او از مادر نیک اندیشش بود و بهمین سبب حتی در نزد پدر خویش حفظ ابرو می‌کرد و از رفاه و رضایت خویش در زندگی، صحبت می‌داشت. و دیگران غافل و فارغ از آنکه او با خون دل و بی‌خوابیهای بسیار، زندگی را با مدیریت با کفایت خویش و تدارک تامینی آنرا به نیابت از مدیریت خارجی بدوش می‌کشد که راه را گاه به تنهایی و به سختی طی می‌کرد. این فرزانه همسر باینجا اکتفا نمی‌کرد، هنگامی که می‌شنید نیازمندی و بیماری و افتاده‌ای آشنا یا ناآشنا درمانده است به یاری او قدم همت می‌داشت و به جرات باید گفت هرگز خواب راحتی نداشت چون می‌دانست که بهر صورت، انسانی یافت می‌شود که به سبب نیاز، دردمند است و او نتوانسته آنگونه که باید و انسان که شاید به یاری‌اش بشتاید یا از چشم او دورمانده است و تصور آنست که به یقین فقط یکبار به خواب عمیق جسم رفته است و آن زمانی است که جان را به جان آفرین تسلیم کرد. دلیری و شهامت و نیک‌اندیشی و بیانگری توانایی او باتکاء ایمان فزاینده به خداوند یکتا چنان بود که در قاموس او "ترس" مفهومی نداشت نه از شاه ترسید و نه از شیخ هراسی بدل داد و نه فریب شیطان را خورد.

گوهر پاک بیاید که شود قابل فیض

ورنه هر سنگ و گلی لولو و مرجان نشود

"حافظ"

هنگامی که در برابر آدم ربایان حکومتی که در نیمه شب‌های بسیاری به خانه‌اش می‌ریختند تا فرزند و فرزندان او را به سپاه چالهای زندان ببرند زینب‌وار می‌ایستاد و در برابر خیره‌سریها سخن می‌گفت، هشدار می‌داد، راهنمایی می‌کرد، هدایت می‌کرد، و آنها را به راه خیر و صواب رهنمودشان می‌داشت. هنگامی که به زندان، بدیدار فرزند یا در محکمه نظامی قرار می‌گرفت خطبه خوان زینب‌گونه زمان خویش بود. بدان سان که با بیان پرتوان و سحرآمیزش آدم‌ربایان و حکومتگرها و مشار و مستشاران هیات محکمه را به گریه وامی‌داشت و در فرآزی دیگر، از روایت هفتاد هزار آسیابی که از خون مدعیان دینمداری به حرکت می‌آید و فرار ایشان از بیان این روایت صحبت می‌داشت و می‌گفت وای بر دینمدارانی که بی‌دین شوند. او طعم ستم حکومتی را در سالهای سال و در دو رژیم حکومتی وطنش چشید و تا مغز استخوان دردش را لمس کرد و هرگز تعظیم نکرد.

کشته شمشیر عشق حال نگوید که چون

تشنه دیدار دوست راه نپرسد که چون

"سعدی"

با قامتی راست و کلامی پرتوان، همیشه خطبه می‌خواند. او فرزانه سخت‌کوشی بود که باقتضای زمان خویش، آموزش قرآنی داشت، بسیاری از آیات و سوره‌های قرآن را از برداشت و حافظ آن بود و از هر فرصتی بهره می‌گرفت و فرزندان خویش را دعوت به شنیدن و معنا و تفسیر قرآن را بر آنها می‌داشت. صحبتش از دل و ایمان به خدایش برمی‌آمد و لاجرم بر دل می‌نشست. آنجا که می‌توانست کمک آموزشی فرزندان باشد از جان و کلام مایه می‌گذاشت و آنجا که فارغ از توان او بود شب‌ها را تا صبح بیدار می‌نشست تا فرزند را همدمی باشد که بخواب نرود و بیادگیری درس، به همت او یاری بخشد. همه فرزندان خویش را تا دو سالگی شیر داد و تا آنجا که مقذورش بود ابتدا وضو می‌ساخت تا با تنی مطهر و توکل به پروردگار یکتا به دادن شیر به کودک خویش بپردازد و بهنگام تولد همگی نواده‌هایش حضور کارساز می‌یافت و باستقبال آنها می‌رفت. تکیه‌گاهی چون کوه و امیدبخشی چون اسطوره زمان بر فرزندان و شوهر خویش بود. با کلام پرتوانش انقلاب می‌کرد و اندوه را از چهره می‌زدود و همت و توان می‌آفرید. او باوری استوار به خدایش داشت هر بار که اندوهی بر او می‌رسید به خلوت با خدایش می‌نشست و قرآن می‌خواند و بسیاری از نامه‌های زیارتها را از حفظ داشت. عاشق دیدار آسمان نیلگون و طبیعت خدا بود و تا آخرین روز به پاس نعمت‌های خدایی به سیر و دیدار آنچه که در اطراف داشت، پرداخت. هفت بار به خانه خدار رفت و در آرزوی دیداری دیگر بود. به زندگی بشدت امید داشت و در تدارک سالهای بسیار دیگری بود و هم زمان این همت، به تبع باورهایش توشه سفر بسته و آماده سفر آخرت بود. از هیچکدام کم نمی‌گذاشت. او زن بود و به حقیقت با کنش و واکنش‌هایش به ارزش ناب این نام پی برده بود و حق مطلب را ادا کرد. خود را زن می‌دانست و شوهر را خدای دوم و مرد زندگی خویش، و هر کدام را به جایگاهی متعلق می‌دانست که عهده‌دار و پاسخگوی مسؤله صفت و سمت خود یابد. نام مادر را به نابجا نپذیرفته بود و آنکه به اوج قله پرشکوه و پربرهای این نام رسید او بود و چیزی کم نگذاشت. کوه صبر و دریای محبت و تجسمی از خصلت مقدس مادر بود. او نیک‌اندیشی و نیک‌کرداری و دانش اندوزی فرزندان را یاداش خود می‌دانست و برجسته‌ترین یاداش خویش را در این می‌دید که به رضایت و لبخند یاری‌یافته از همت او بسنده کند. ابعاد زندگی ملاموس اندیشه و تفکر او بود. او به ارزش‌های زندگی و بهای راستین و حقیقت آن می‌پرداخت. می‌گفت همیشه همت به ماندن و تدارک رفتن از این زندگی را یکسان بگیرد، گویی که ابعاد زندگی را به حقیقت یافته. او وجه تکامل خویش را در دنیای موقت ملاموس، کانون گرم خانواده و فرزانه زیستن و بیاری درماندگان شتافتن و نیایش پروردگار بزرگ می‌دانست که باین تکامل محدود، در

مدرسه پائین شهر بقول یکی از معلمان بچه از گرسنگی در سر کلاس از حال می‌رود.

واقعاً جای بسی تأسف و نگرانی است که در یک گوشه شهر اینهمه اسراف و تبذیر آنهم بنام اسلام و در جای دیگر کمبودهای اساسی و فشارهای روحی و جسمی در حالی که پیوسته بار گران این انقلاب بدوش این مستضعفان تاریخ بوده و هست و همه دم از حمایت مستضعفان می‌زنند ولی از عمل خیری نیست اگر باور ندارید بخودتان زحمت بدهید و سری هم به این مستضعفان که دلتان برایشان می‌طپد بزنید و امید است که امت حزب... که هر آن چماق را بر سر یک عده بنام لیبرال و غیره می‌کوبد و بعنوان مختلف می‌خواهد مردم را سرکوب کند برای یکبار هم که شده چماقش را متوجه قاچاقچیان بزرگ و حرفه‌ای که خون مردم را می‌مکنند بنماید و یک عده مردم بی‌گناه را از شر فساد این اعجوبه‌ها خلاص نماید. در ضمن مسئولین خود بهتر می‌دانند که اگر نظام اقتصادی کشور با تکیه بر اصل تولید و ایجا اشتغال تعیین شود و سرمایه‌های کلان بجای برج‌سازی صرف ایجاد کارخانجات تولید شود جانی برای فعالیت‌های کاذب و مشاغل کاذب درآمدهای آسان اما مخرب باقی نمی‌ماند و جمعیت فعال روستاها را به تهران نمی‌کشاند که قبلاً به فساد اخلاق که مهمترین آن اعتیاد است بشوند!!



مظلومان جهان تلقی گردد و هر کس از هر آئینی که مورد ستم قرار گرفت با امید به عادل بودن بآن روی آورد. اسنادی که توسط نمایندگان ملل از ابتدای این قرن برای حفظ حقوق بشر و صلح، مورد تصویب قرار گرفته حاکی از آنست که شدت از ضعیفان و مظلومین دفاع می‌کند. پس چگونه است که سازمان ملل در مورد فلسطین اشغالی هیچگونه موضع و عکس‌العمل جدی و کارساز حمایت از مظلومین را تا حال نشان نداده است؟! و حتی برای همه مسلمانان جهان متصور است که تصمیم‌گیرندگان اصلی در شورای امنیت و سازمان ملل از سران اشغال‌کننده اسرائیلی و مخالفین انسان و انسانیت تشکیل شده است، بطوری که حاکمیت اشغال‌کننده بقدری نسبت به حقوق مسلمین ظلم شده است که شهر قدس را پایتخت یهودیان (اسرائیل) اعلام کرده است و از همه مهمتر یکی از سردمداران حقوق بشر یعنی دولت ایالات متحده آمریکا هم این عمل متجاوزانه را مهر تائید می‌زند این گونه برخورد با حقوق انسانها نه تنها کمکی به ایجاد صلح نمی‌کند بلکه تشنجات عمیقی را بوجود می‌آورد که جهان هیچگاه روی صلح را نخواهد دید و مسلمانان جهان مسئول تجاوزات دولت اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی و شهر مقدس مهد انبیاء الهی را که برای همه الهیون بالاخص برای مسلمین جهان قداست دارد سازمان ملل و دولت آمریکا می‌داند و از همه مهمتر کلیه دانشمندان و استادان

و گویای انساندوستی و صلح و مراعی حقوق انسانها می‌باشند، از دبیر کل سازمان ملل متحد انتظار دارد شعار صلح را با مستقر ساختن عدالت و احقاق حقوق ملل تحقق دهد تا مسلمانان بتوانند با حمایت از منطق صحیح از صلح عادلانه حمایت کنند



تشریح و انتقاد

هنوز هم در جامعه ما بخصوص در اطراف و راس هرم در مورد نهاد خانواده، شخصیت زن و کودک بطور عمقی مورد توجه قرار نگرفته است. همانطور که می‌دانید در روز جهانی خانواده گردهمائی توسط مدیریت آموزش و پرورش و انجمن اولیاء و مربیان در تاریخ ۲۴/۲/۷۶ برگزار گردید در برنامه اعلام شده سخنرانان را آقایان تشکیل می‌دادند. جوائزی هم به برندگان جشنواره مطبوعات خانواده داده شد ولی هیچیک از سخنرانان را زنان و فرزندان خانواده‌ها تشکیل نمی‌دادند. در حالی که خانواده را سه عنصر زن - مرد - فرزندان تشکیل می‌دهند و بدون حضور هر یک، خانواده کامل نبوده و شنیدن حقایق از زبان این سه عنصر است که می‌تواند موقعیت خانواده را مشخص کند و برای حل معضلات و پیشبرد هدفهای مترقی در آینده کارساز باشد.



دبیر کل محترم سازمان ملل متحد



دانشگاهها و کتب تاریخی شهادت می‌دهند که سرزمین مقدس فلسطین متعلق به همه انسانها است بالاخص اهل کتاب که نماینده

با سلام، و با درخواست اصلاح موقعیت سازمان ملل، از این جهت که سازمان ملل نه تنها باید بصورت یک سازمان یک قطبی معرفی نگردد، بلکه باید مامن و پناهگاه



چشم و گوش به درد دل مردم

فاطمه زنگنه

منیت‌ها را از ما بگیر.
اغلب رای‌دهندگان به
رئیس جمهور جدید
تقاضا دارند ایشان تورم
را از بین ببرد و باز تقاضا

دارند که درست که ما باید بفکر تمام ملت‌های
مسلمان باشیم اما از بی‌خانمانها و آواره‌های
خودمان نباید غافل شویم، چون اغلب
خانواده‌های جنوب شهری ما خانه ندارند و از
دادن اجاره‌های ماهی ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان
برای یک اتاق و یا یک اتاق و آشپزخانه
شدیدا در مضیقه هستند، چون اغلب اینها
حتی ماهی ۲۰ هزار تومان هم درآمد ندارند و
این موجودات خداوند باید به چه کسانی
مراجعه نمایند. اغلب خیریه‌هایی که ما
می‌شناسیم در حد سالی یک الی دو بار
می‌توانند کمی برنج، روغن و شاید یک الی
دو دست لباس به اینها بدهند نه بیشتر. واقعا
این شعر مصداق دارد که:

من از بی‌نوایی نیم روی زرد....

عزیز من، مهربان، راستی چرا یکی از
آن گالری‌های نقاشی و و... را در جنوب
تهران، منطقه شهر ری، دولت آباد، خزانه،
کیانشهر و... نمی‌گذارند. مگر نه اینکه اینها
هم آدمند.

هستند اما با کمال تاسف باید بگوییم که
کافی است همراه با ما به جنوب تهران
دروازه غار و باغ آذری رهسپار شوید و از
نزدیک نظاره‌گر سرنوشت شوم و اسفبار
خانواده‌های بی‌سرپرست و از همه مهمتر
مبتلایان باعتیاد باشید سراغ خانواده‌ای
می‌رویم که پدر در زندان می‌باشد و مادر با ۵
فرزند خردسال در یک خانه متروکه بدون
امکانات اولیه در نهایت فقر بسر می‌برند.
بچه‌ها رنگ بگونه‌شان نبود. سؤال شد که از
کجا امرار معاش می‌کنید گفتند: کمیته امداد
ماهانه ۱۰ هزار تومان بما می‌دهد که با توجه
به تورم و گرانی شدید و ۶ نفر با تمام
هزینه‌ها از جمله تحصیل بچه‌ها و بهداشت و
غیره چیزی برای سیر کردن شکم بچه‌ها
باقی نمی‌ماند. بهر حال مضطر و پریشان بود
که با یک همسر معتاد چه باید بکنند!! اغلب
خانواده‌ها سرنوشت و وضع مشابه و مشترکی
داشتند و بطور کلی اعتیاد و بیکاری و فقر
سایه شوم خود را بر سر عده بسیاری از
انسانهای محکوم به ظلم افکنده بود. و گویی
که انسان بدنیای دیگری پا نهاده و اینها
خدای دیگری دارند زیرا اگر خدای همه یکی
بود و همه یک خدای واحد را پرستش
می‌کردند باید همه انسانها از خوان گسترده
خدای واحد قهار و توانا بهره‌مند بشوند نه
اینکه اینهمه فاصله و تضاد طبقاتی باشد در

بیائید با هم برویم...



پرویندخت دفتری

مددکار اجتماعی



با گذشت نزدیک به دو دهه از پیروزی
انقلاب اسلامی و برقراری حکومت جمهوری
اسلامی با توجه به سخنان بسیاری در مورد
برقراری عدالت اجتماعی و انتظار مردم از
اینکه حکومت باید بسوی عدالت علی‌پیش
برود و همچنین مسئولین که مدعی این امر

بالای شهر مدارس غیرانتفاعی بخصوص
بعضی‌ها بنام صد در صد اسلامی که باز هم
فرزندان خاصان و جدابافتگان از همه بهترین
و عالی‌ترین و بهترین امکانات برخوردار
هستند زیرا هم مقام دارند و هم پول!! و در

بنام خدا

با سلام

بطوریکه همه می‌دانند تمام مشکلات
مردم ما و خود ما زیربنای اقتصادی دارد و
این تورم بی‌جاست که هر کس خودش گران
می‌فروشد، اضافی پول میگیرد و از تنها جانی
که حرف شنوی نیست دولت و مردم. از ده
روز به سال ۷۶ مانده رانندگان مینی‌بوس هر
کدام ۵۰ ریال به کرایه اضافه نموده‌اند. وقتی
اینجانب به سرپرست مینی‌بوس‌رانی مراجعه
کردم، ایشان گفتند: ما اضافه نکرده‌ایم.
رانندگان خود اینکار را کرده‌اند و وقتی به
ایشان گفتم: چرا نمی‌گوئید که مردم پول
اضافی ندهند! گفت: مگر می‌خواهید مرا
بکشند و من بارها همان پول قبلی را داده‌ام
و رانندگان اعتراضی نکرده‌اند. و دانستم که
سرپرست آنها درست گفته.

این مسائل را به چه کسانی باید گفت.
چندین بار برای آقای کرباسچی شهردار
محترم نامه نوشتم که آقای کرباسچی شما
که برنامه زباله جمع‌کنی و حتی رنگ لباس
زباله جمع‌کن‌های آلمانی را در اینجا پیاده
کرده‌اید چطور ظرفی برای جمع کردن
درست مثل همان آلمان در اختیار رفتگرهای
ما نمی‌گذارید که یک بار رفتگر زباله‌ها را
داخل جوی آب می‌ریزد و یکبار در جنوب
شهر و در اغلب جاها رفتگر دیگر باید زباله‌ها
را بیرون بیاورد و... اینهم مشکلی مثل خرید
نان، سبزی و... که مقدار زیاد آن دوباره باید
دور ریخته شود. من حمال مفت یکبار بخرم،
بکشم، برم و بار دیگر دو سوم را بیاورم و
دور بریزم و از همه مهمتر تعفن و آب کثیف
مال جنوب شهریهاست. خدایا پناه بر تو، این

کاهش نرخ باروری در جهان

مترجم: زهرا روغنی

آمار بخش امور جمعیت سازمان ملل متحد بیانگر آن است که نرخ باروری در خلال سالهای ۱۹۸۰-۵ و ۱۹۹۰-۵ در جنوب و مرکز آسیا و در کشورهای جنوب صحرائی کبیر کاهش یافت. اگر چه جمعیت جهان قبل از پایان قرن بیستم از مرز ۶ میلیارد نفر خواهد گذشت ولیکن میزان باروری در برخی از کشورها در سالهای اخیر بشدت پائین آمده است. بعنوان مثال میزان نرخ باروری زنان بنگلادش از ۶/۲ کودک به ازای هر زن به ۳/۴ کودک رسیده است. پاکستان از ۶/۵ کودک به ۵/۵، ترکیه از ۴/۱ به ۲/۷، میانمار از ۴/۹ به ۳/۶، سوریه از ۷/۴ به ۴/۷، کنیا از ۷/۵ به ۵/۴ و ساحل عاج از ۷/۴ کودک به ۵/۷ کودک به ازای هر زن تنزل یافته است. در خلال سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ آفریقا با ۵/۷ کودک به ازای هر زن، دارای بالاترین نرخ باروری در جهان بود.

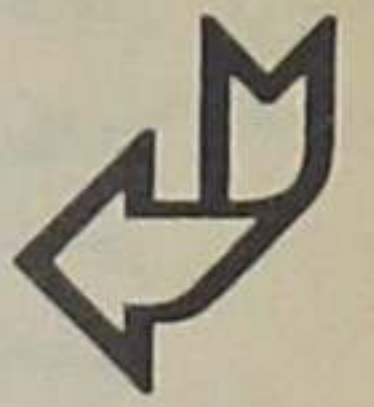
طرح برنامه‌های گسترده و ایجاد امکانات وسیع لازم است تا بتوان به زنانی که مایل به محدود کردن دفعات حاملگی خود بوده و یا خواهان فاصله انداختن بین آنها هستند، کمک نمود. گفتنی است در سالهای اخیر یکی از عواملی که میزان باروری زنان جهان را تنزل داده، در دسترس قرار گرفتن لوازم و امکانات مورد نیاز برای جلوگیری از حاملگی بوده است.

همچنین ابتلا به بیماری مهلک ایدز و بروز جنگ‌هایی در کشورهای آفریقائی از عوامل مهم کاهش جمعیت در جهان سوم بشمار می‌روند. شایان ذکر است جمعیت جهان در اواسط ۱۹۹۷، ۵/۸۵ میلیارد نفر برآورد گردیده که رشد سالانه آن در مناطق عقب افتاده که محل زندگی ۸۰ درصد مردم جهان است، ۱/۸ درصد و در سایر نقاط ۰/۴ درصد تخمین زده شده است.

بدیهی است میزان رشد جمعیت جهان در خلال سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ به ۱/۴۸ درصد بالغ گردید که بسیار پائین‌تر از ۱/۵۷ درصد رقمی

است که توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ برای پنجساله فوق پیش‌بینی گردیده بود.





مشکلات و.....

از نتایج این کار یکی تاثیر مثبت در روحیه فعالیتهای گروهی کودکان آن مناطق بود و از طرفی دیگر دور نماندن دانش آموزان از محیطهای درسی که خیلی بهتر بود این کار توسط آموزش و پرورش انجام می گردید. از لحاظ کمکهای بهداشتی فوری از قبیل ارسال مصدومین به بیمارستانها و شهرها توسط هلال احمر بموقع انجام شده بود و تلفات مصدومین از تاخیر نسبتاً پائین برخوردار بوده.

از نکات قابل توجه آن مناطق، برپائی کامل مراسم عزاداری در روز عاشورا در کلیه مناطق روستاها و با کمترین امکانات بود. ولی بطور کلی باید گفت درصد کمی از کمکهای جمع آوری شده به درست و یکسان تقسیم شده بود و بسیاری از کمکها که در خارج از منطقه روی آنها تبلیغ شده و اعلام می شد هیچوقت به مناطق مورد نیاز نرسیدند. همچنین خیلی بهتر بود که از امکانات نیروهای نظامی و انتظامی بخصوص در زمینههای بهداشتی در این مناطق استفاده می شد.

نکته قابل توجه این است که در اوایل انقلاب (سال ۱۳۵۹) در آن منطقه زلزله آمده بود و بنیاد مسکن برای مردم خانه سازی کرد. گفته می شود چون خانهها بعنوان ضدزلزله ساخته شده بود ولی پایهها محکم و مقاوم نبود و سقفها چنان سنگین بود که هیچکس نتوانست از زیر آن نجات یابد. هم اکنون خانههای پیش ساخته را طوری طراحی می کنند که از چوب ساخته شده و هیچگونه فلزی در آن بکار نرفته.

امید است مسئولین محترم از گذشته عبرت بگیرند و برای آینده برنامه ریزی صحیح و مسئولانه ارائه دهند.



روز بیست و هفتم اردیبهشت یک هفته بعد از زلزله به محل زلزله در بیرجند که همراه با کمکهای بوده، رفتیم. گروهی جهت تعیین وضعیت کودکان بی سرپرست و خانوادههایی که نان آور خانواده را از دست داده اند و احتیاج به حمایت داشتند، آمده بودند. تقریباً از لحاظ نیازهای اولیه تا آن تاریخ اکثر نیازهای مردم برطرف شده بود، ولی هنوز بسیاری از روستاهای دور افتاده مانده بودند که بعلت بعد مسافت و یا از بین رفتن، کمک به آنها نرسیده بود. همچنین بعضاً بخاطر اختلافات مذهبی تبعیضهایی بین اهل سنت و اهل تشیع قائل می شدند.

در آن موقع بیشترین ضرورت نیازهای بهداشتی مردم بود بصورتی که از لحاظ حمام و دستشویی کلیه روستاها در مضیقه بودند و بعلت وجود حیوانات و سمپاشی که شده بود آلودگی محیط خیلی شدید بود.

متأسفانه هیچ ارگانی تا آن موقع مسئولیت این کار را بعهده نگرفته بود که حمام صحرائی ایجاد کند یا اقدام به احداث دستشویی بهداشتی نماید و همچنین حجم کمکهای غذایی به قدری نااهم انگ بود که خیلی از مواد غذایی از بین می رفت.

در واقع مشکلات مردم به دو دسته تقسیم می گردد: مشکلات دراز مدت و مشکلات کوتاه مدت. مشکلات کوتاه مدت مسائل بهداشتی و نیازهای اولیه زندگی بود که تا حد نسبتاً پائینی برآورده شده بود و طبق گزارش رسیده، وضعیت مناسبتر شده بود ولی مسائل دراز مدت از قبیل تامین مسکن و نیازهای اولیه و اشتغال مردم که باید به آن توجه شود. خوشبختانه درصد زیادی از مردم در آن مناطق کشاورز بودند که تخریب مزارع و باغها نسبتاً پائین بوده ولی بعلت بروز زلزله مشکلاتی در سیستم قنات برخی از روستاها ایجاد شده که موجب خشک شدن آن قنات گردیده و احتیاج به ترمیم دارد. البته در بعضی مناطق آب قناتها بیشتر شده بود.

یکی از نکات قابل توجه در آن منطقه حرکت بسیار پسندیده و صحیح کانون پرورش فکری کودکان بود، بصورتی که با اعزام واحدهای سیار به کلیه روستاها و استمرار مربیان اقدام به ایجاد مراکزی جهت فعالیتهای گروهی کودکان و نوجوانان نمودند.

During the many years which Shah ruled over Iran, he put a lot of pressure on the people. He took away the freedoms and suppressed groups which were against the system. Shah did not put equal effort in different regions of Iran. The places where he put the most effort were the large cities such as Tehran, Iran's capital. So, in a way Shah was racist and did not care about villagers. For example, out of 88 thousand villages, 80 thousand had no electricity. Now, with the new system, only 2 thousand do not have access to electricity. Most of the villages did not have baths. As a result, they faced epidemic diseases and a good number of people died over this. Iranian villagers were treated like the African-Americans who were not treated equally considering education. Cottam, in Nationalism In Iran, mentions that in Iran at the turn of the century only a fraction of the total population was educated or open minded enough to understand nationalism. Shah did what he thought had the most benefits for himself, or the foreign countries. Since U.S. had brought Shah to power after his flight from Iran, Shah let Americans involved in Iran's politics. He sold the oil to U.S. and instead of investing the money for the country, he invested it in U.S. (It was this money, worth 10 billion dollars, that Iranians wanted to trade it for the American diplomats during the Hostage-Crises). In return U.S. would take care of Iran's military supplies. However, these investments might have been toward Iran's benefit. Knowing that Iran had been supported by military supplies, other countries did not attempt to attack Iran. This idea could be supported by looking after the revolution. Iran's new government had informed U.S. not to make them war supplies any more and instead send them their money back, totally 10 billion dollars. But, U.S. refused to send the money and the war supplies. At this time Iraq saw Iran defenseless and attacked Iran for 8 years. However Shah's plan was not toward Iran's benefit because it is not reasonable to gather war supplies for many years so that if they get attacked, they could use them. What would have happened if Iran was still giving money to U.S. all these many years?

Another advantage of the revolution was that it replaced Shah with the religious leader, Ayatollah Khomeini who had a great impact in Iran. Even, U.S. saw a great advantage if Khomeini came to power. At that time Iran could have been easily influenced by Communists. But if Khomeini came to power he would spread the religion of Islam. So he would indirectly help U.S. in containment (After the World War II, the U.S. policy secured the peace by trying to contain communism, or keep it from expanding beyond its current borders). Even though Iran was a Muslim country it had maintained its uniqueness and nationality by being the only country whose majority were Shi'ite. The majority of Iranians wanted a religious leader like Khomeini, who was against Shah's system. He was aware of Shah's corrupt system and struggled for peoples benefit. It was after the revolution when Khomeini was the leader and improved Iran's problems. He decreased the influence of foreigners, like U.S, and the amount of oil extracted per day. After the revolution he canceled Capitalosion, which was the law that enabled Iranian courts to prosecute Americans if they disobey the laws in Iran. On the other hand Khomeini enforced the people to, at least, respect the religion of Islam.

Obviously, in this case religion came in first and that is understandable considering the fact that the revolution was lead by a religious leader. What would have happened if Khomeini did not make the people aware of Shah's corruptness?

The revolution was one which did not succeed under Mossadeq's leadership due to the presence of the British, and later on was over shadowed by the religion of Ayatollah Khomeini. I strongly believe that the revolution made a great impact in Iran and the Islamic countries. I think that the movement was one of the greatest moves in Iran's history and every Iranian should be proud of it.

Anglo-Persian Oil Company and with it they had a huge influence on Iran's economy. For a country like Iran, which is rich in oil, it is important to extract the least amount of oil per day. However, when Britain was in charge of Iran's oil 6 million barrels were extracted per day. In fact at that time the population of Iran did not exceed over 35 million. On the other hand after the revolution Iran's government immediately changed this extraction by calculating the minimum amount of barrels per day which the people needed. The population had doubled to 65 million after the revolution. The number of barrels should have probably been doubled, instead the government decided to extract half as much; that is, it decreased to 3.5 million barrels per day. These numbers clearly show how much oil was being wasted before the revolution. The wealthy Iranian who came to save Iran's oil was Mohammed Mossadeq, the Martin Luther King of Iranian nationalism. He saw the British governor as an invader and a colonizing power trying to overtake Iran. He led independent democratic efforts to nationalize Iranian oil and succeeded and stood firm against the increasing power of the Shah. However Roosevelt's plan, AJAX, deposed Mossadeq and he resigned after 27 months in office. After that, he was driven out of the political scene. By this time Britain was no more involved in Iran's oil but U.S. was. On the other hand, it might have had been better if Iran's oil was still being controlled by the industrial countries like U.S. At this moment Iran does not have the technology to convert oil into all the products they need which is why they sell some oil to other countries for a cheap price. However, the price at which countries buy oil depends on the nation's market. For example, the Russian countries which have been split are trying to sell their oil in order to gain money. This is one of the results that has brought down the value of oil. So it is more important to consider that after the revolution the number of barrels extracted have decreased instead of looking at the changes in its price. If that amount of oil was being continued to be extracted, what would the next Iranian generations do with a worthless land?

The revolution freed the people from being influenced by foreign countries.

Iranians had a territory and land which their history and culture had been developed for a long period of time. Iranians could relate to their culture and this was an important factor in bringing them together. They had their poets and their own language, Persian, and religion (even though they were Muslims, they were a special kind of Muslim, Shi'ite), which all gave them their unique identity. The liberation of Iran and works of the poets, especially those of Ferdosi, which had nationalistic contents, were read and popular among any tribe or region of Iran no matter what the language was. Even the Kurds who are separatists consider themselves to be historically tied to Iranians. Before the revolution and during Shah's governorship, foreign countries influenced Iran and each brought their own culture to Iran. The French, Latin, and American' expression in Iranian language, Farsi, are of those results. However, there were two groups of nationalists. One believed in the completeness of the Iranian culture and that it should be free of any foreign influences or elements. The other felt that the Iranian culture could never complete with its western counter parts. It might have had been a better if Iran had been influenced by industrial and more developed countries in order to develop itself. But, if the people get influenced by foreign countries, they would steadily forget their own identity. Basically, for the citizens of a country it is very important not to forget their tradition and culture. For example black nationalism in America aimed at first establishing a common bond by promoting the black culture to give blacks something which they could all relate to. Even though blacks could all relate to the injustice in the system and it united them, that was not enough. They needed something to be distinguished from others who were also facing the same inequality, i.e. Chicanos and Asian-Americans, or in other words give them an identity. If other societies had influenced the Iranian culture, would the young generations be able to know about their identity or their last generations.

فرازهایی از اندیشه استاد مطهری

* مثل شهید مثل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده بنشینند و آسایش بیابند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند.

* حقیقت این است که جامعه عادل و متعادل، جامعه‌ای (است) که قانون مساوات بر آن حکمفرما است، جامعه‌ای که اولاً امکانات مساوی برای همه افراد فراهم می‌کند و ثانیاً با عدالت رفتار می‌کند، یعنی در عمل آنطور با افراد رفتار می‌کند که در یک مسابقه علمی و قهرمانی صحیح معمولاً رفتار می‌شود.

* من تاکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد.

* اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آراء و عقاید به وجود آید به طوری که صاحبان افکار متفاوت بتوانند حرفهایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آراء و نظریات خودمان را مطرح کنیم تنها در چنین زمینه سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند.

* مرد الهامگیر از زن است و اگر در یک جریان اجتماعی زنها هماهنگی نداشته باشند، از تاثیر مرد هم فوق‌العاده می‌کاهند و برعکس اگر زنها نقش موافق و احساسات موافق داشته باشند، نیروی مردها را هم چند برابر می‌کنند.

* باید اجتماع در همه شئون و مواهب، شکل میدان آزاد مسابقه را داشته باشد، حق شرکت در این مسابقه به همه داده شود و آن اجتماع آنچنان منظم و دارای حسن جریان باشد که در آن میان شئون و مواهب اجتماعی به افرادی تعلق بگیرد که در مسابقه اجتماعی لیافت و شایستگی بهتری از خود نشان داده‌اند.

The Persian Revolution

One of the biggest celebrations in Iran is the anniversary of the revolution, which occurred in February 11, 1979. On this day Iranians celebrate the overthrow of the monarchy system which was led by Mohammed Reza Shah. It is ironic that a few Iranians are not happy with the revolutionary movement and regret it. So the question is: was the revolution movement beneficial to Iranians? By looking before and after the revolution I believe that the movement was wise since the Iranians could not get involved in the government's previous system.

The liberation struggle of the Iranians was more oriented toward defending against an imperialist threat. As Susan Siavoshi has written in Liberal Nationalism In Iran: "Third-World nationalism in general, and that of Iran in particular, was predominantly associated with a liberation ideology whose main goal was to lift the yoke of colonialism and imperialism and to create truly independent nation-states." Before the revolution, Iran was ruled by a young monarch named Mohammed Reza Shah. Foreign countries took advantage of the weak condition of Iran. U.S. (which had been less weakened than other countries such as Britain and France after World War II) had control over Iran by controlling Shah. Iranians wanted to make their own decisions about their country. They did not want 90 thousand foreigners, Americans, to influence the system with their opinions and lead Iran to where it would have the most benefit for themselves. On the other hand if U.S. had controlled over Iran it would have prevented the war between Iraq and Iran. However, it is also true that U.S. would have used Iran's natural resources as long as it had control over Iran. Every Iranian who is able to vote owes it to the revolutionary movement. What would have happened if the Iranians did not have the power of their own country?

One of the main concerns of Iranian movement was the distribution of the national resources to foreigners of which oil was the most significant. Britain owned the